



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# سیمای نماز در قرآن

پرفیسور  
برای سید محمد



سید محمد عبداللہی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سیمای نماز در قرآن: بر اساس تفسیر نور

نویسنده:

سید محمد عبداللہی

ناشر چاپی:

ستاد اقامہ نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ ای قائمیہ اصفہان

## فهرست

۵	فهرست
۱۵	سیمای نماز در قرآن : بر اساس تفسیر نور
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۱۹	فهرست مطالب
۲۵	پیش گفتار
۲۸	نماز ، نشانه ایمان
۲۸	نکته ها :
۲۹	پیام ها :
۳۰	پیام ها :
۳۰	نماز ، پشتوانه الهی
۳۰	نکته ها :
۳۱	خاطره :
۳۲	پیام ها :
۳۳	نماز ، میثاق خدا با انسان
۳۳	نکته ها :
۳۳	پیام ها :
۳۵	نماز ، توشه آخرت
۳۵	نکته ها :
۳۵	پیام ها :
۳۶	کارکردهای اصلی مسجد
۳۶	نکته ها :
۳۷	پیام ها :
۳۸	اهرم های نیرومند در برابر سختی ها

- ۳۸ ..... نکته ها :
- ۳۹ ..... پیام ها :
- ۴۰ ..... نماز ، یکی از نیکی ها - - - - -
- ۴۰ ..... نکته ها :
- ۴۳ ..... پیام ها :
- ۴۵ ..... از گوهر گران بهای نماز محافظت کنیم . - - - - -
- ۴۵ ..... نکته ها :
- ۴۵ ..... پیام ها :
- ۴۶ ..... امنیت و آرامش در پرتو نماز . - - - - -
- ۴۶ ..... نکته ها :
- ۴۷ ..... پیام ها :
- ۴۸ ..... نماز در ادیان گذشته . - - - - -
- ۴۸ ..... پیام ها :
- ۴۹ ..... طهارت روح و جسم در نماز . - - - - -
- ۵۰ ..... نکته ها :
- ۵۰ ..... پیام ها :
- ۵۲ ..... همراهی نماز و جهاد . - - - - -
- ۵۲ ..... نکته ها :
- ۵۳ ..... پیام ها :
- ۵۵ ..... حکم نماز مسافر . - - - - -
- ۵۵ ..... نکته ها :
- ۵۶ ..... پیام ها :
- ۵۷ ..... نماز جماعت در جبهه جنگ ( نماز خوف ) - - - - -
- ۵۷ ..... نکته ها :
- ۵۸ ..... پیام ها :
- ۶۱ ..... نماز و دعا در همه حال - - - - -

- نکته ها : ..... ۶۱
- پیام ها : ..... ۶۱
- نماز ریایی ، نشانه منافق ..... ۶۲
- نکته ها : ..... ۶۲
- پیام ها : ..... ۶۳
- اقامه نماز ، یکی از ویژگی های دانشمندان واقعی ..... ۶۴
- نکته ها : ..... ۶۴
- پیام ها : ..... ۶۴
- طهارت ، شرط درستی نماز ..... ۶۶
- نکته ها : ..... ۶۶
- پیام ها : ..... ۶۸
- نماز ، سرآمد فرامین الهی در ادیان پیشین ..... ۷۰
- نکته ها : ..... ۷۰
- پیام ها : ..... ۷۱
- نماز و ولایت ..... ۷۲
- نکته ها : ..... ۷۲
- پیام ها : ..... ۷۴
- اذان تبلیغ نماز است ..... ۷۶
- نکته ها : ..... ۷۶
- پیام ها : ..... ۷۶
- دشمنی شیطان با نماز ..... ۷۷
- نکته ها : ..... ۷۷
- پیام ها : ..... ۷۷
- جایگاه تربیتی نماز در جامعه ..... ۷۹
- نکته ها : ..... ۷۹
- پیام ها : ..... ۸۰

۸۱	رابطه نماز و معاد -
۸۱	نکته ها :
۸۱	پیام ها :
۸۲	خدا محوری در زندگی -
۸۲	پیام ها :
۸۳	اصلاح واقعی در پرتو قرآن و نماز -
۸۳	نکته ها :
۸۴	پیام ها :
۸۵	توکل و اقامه نماز -
۸۵	نکته ها :
۸۶	پیام ها :
۸۸	با گرفتن قالب و محتوای عبادات از شارع ، دچار اشتباه نشویم -
۸۸	پیام ها :
۸۹	نماز و زکات ، نشانه توبه واقعی -
۸۹	نکته ها :
۸۹	پیام ها :
۹۱	نماز و زکات ، شرط برادری و اخوت دینی -
۹۱	نکته ها :
۹۱	پیام ها :
۹۲	شرایط متولیان مسجد -
۹۲	نکته ها :
۹۳	پیام ها :
۹۴	نماز بی نشاط ، نشانه منافقان -
۹۴	نکته ها :
۹۴	پیام ها :
۹۵	مأموریت دائمی مؤمنان -



- نکته ها : ..... ۹۵
- پیام ها : ..... ۹۶
- تنبیه منافقان ..... ۹۷
- نکته ها : ..... ۹۷
- پیام ها : ..... ۹۸
- نماز در شریعت موسی ( علیه السلام ) ..... ۹۸
- نکته ها : ..... ۹۸
- پیام ها : ..... ۹۹
- نماز و انفاق ، عامل دستگیری در قیامت ..... ۱۰۰
- نکته ها : ..... ۱۰۰
- پیام ها : ..... ۱۰۰
- تحمل دشواری ها برای اقامه نماز ..... ۱۰۱
- نکته ها : ..... ۱۰۱
- پیام ها : ..... ۱۰۲
- برای اقامه نماز از خدا کمک بگیریم ..... ۱۰۳
- نکته ها : ..... ۱۰۳
- پیام ها : ..... ۱۰۴
- نماز ، عامل باز دارنده از فساد اقتصادی ..... ۱۰۵
- پیام ها : ..... ۱۰۵
- نماز ، روشن ترین نمونه کار نیک ..... ۱۰۶
- نکته ها : ..... ۱۰۶
- امید بخش ترین آیه ی قرآن : ..... ۱۰۶
- پیام ها : ..... ۱۰۷
- نماز ، عامل زدودن آلودگی ها ..... ۱۰۸
- نکته ها : ..... ۱۰۸
- پیام ها : ..... ۱۱۰

- ۱۱۱ ..... جایگاه ویژه نماز صبح
- ۱۱۱ ..... نکته ها :
- ۱۱۱ ..... پیام ها :
- ۱۱۲ ..... رعایت اعتدال در قرائت نماز
- ۱۱۲ ..... نکته ها :
- ۱۱۲ ..... پیام ها :
- ۱۱۳ ..... نماز ، سفارش خداوند به پیامبران الهی
- ۱۱۳ ..... نکته ها :
- ۱۱۴ ..... پیام ها :
- ۱۱۵ ..... نماز و خانواده
- ۱۱۵ ..... نکته ها :
- ۱۱۶ ..... پیام ها :
- ۱۱۷ ..... کیفر تباه کردن نماز
- ۱۱۷ ..... نکته ها :
- ۱۱۷ ..... توبه در قرآن :
- ۱۱۸ ..... پیام ها :
- ۱۱۹ ..... یاد خدا ، بهترین فلسفه نماز
- ۱۱۹ ..... پیام ها :
- ۱۲۰ ..... شکیبایی در دعوت به نماز
- ۱۲۰ ..... نکته ها :
- ۱۲۱ ..... پیام ها :
- ۱۲۲ ..... نماز ، رکن اساسی همه ادیان
- ۱۲۲ ..... پیام ها :
- ۱۲۳ ..... نماز ، نشانه متواضعان ( مُخْبِتِينَ )
- ۱۲۳ ..... نکته ها :
- ۱۲۴ ..... پیام ها :

- ۱۲۴ ..... اقامه نماز ، نخستین وظیفه کارگزاران اسلامی
- ۱۲۴ ..... نکته ها :
- ۱۲۵ ..... پیام ها :
- ۱۲۶ ..... نماز ، شکرانه مسلمانی
- ۱۲۶ ..... نکته ها :
- ۱۲۷ ..... پیام ها :
- ۱۲۸ ..... نماز خاشعانه ، عامل رستگاری و فلاح
- ۱۲۸ ..... نکته ها :
- ۱۳۰ ..... پیام ها :
- ۱۳۱ ..... پاسداری از نماز ، نشانه ایمان
- ۱۳۱ ..... پیام :
- ۱۳۱ ..... نماز ، نشانه معاد باوری
- ۱۳۱ ..... نکته ها :
- ۱۳۲ ..... پیام ها :
- ۱۳۳ ..... نماز آگاهانه موجودات
- ۱۳۳ ..... نکته ها :
- ۱۳۴ ..... پیام ها :
- ۱۳۵ ..... نماز و اطاعت از رهبری الهی
- ۱۳۵ ..... نکته ها :
- ۱۳۵ ..... پیام ها :
- ۱۳۶ ..... تنظیم برنامه زندگی براساس اوقات نماز
- ۱۳۶ ..... نکته ها :
- ۱۳۷ ..... پیام ها :
- ۱۳۸ ..... نماز ، زمینه هدایت و بشارت مؤمنان
- ۱۳۸ ..... نکته ها :
- ۱۳۹ ..... پیام ها :

- نقش نماز در سازندگی جامعه ..... ۱۴۱
- نکته ها : ..... ۱۴۱
- پیام ها : ..... ۱۴۲
- نماز و باز دارندگی از منکرات ..... ۱۴۳
- شکوفایی فطرت در پرتو نماز ..... ۱۴۵
- نکته ها : ..... ۱۴۵
- پیام ها : ..... ۱۴۵
- اقامه نماز ، نشانه نیکوکاران ( محسنین ) ..... ۱۴۶
- پیام ها : ..... ۱۴۶
- نماز و رسالت والدین ..... ۱۴۷
- نکته ها : ..... ۱۴۷
- پیام ها : ..... ۱۴۷
- سیمایی از نماز : ..... ۱۴۹
- امر به معروف و نهی از منکر ..... ۱۵۲
- زنان و نماز ..... ۱۵۴
- نکته ها : ..... ۱۵۴
- پیام ها : ..... ۱۵۵
- نماز ، عامل تربیت پذیری جامعه ..... ۱۵۵
- نکته ها : ..... ۱۵۵
- پیام ها : ..... ۱۵۶
- نماز ، تجارتی زوال ناپذیر ..... ۱۵۷
- نکته ها : ..... ۱۵۷
- امتیازات تجارت با خدا : ..... ۱۵۸
- پیام ها : ..... ۱۵۸
- نماز ، لبیک دعوت خداوند ..... ۱۶۰
- نکته ها : ..... ۱۶۰

- ۱۶۲ ----- فواید مشورت
- ۱۶۴ ----- پیام ها :
- ۱۶۵ ----- نماز ، جبران کوتاهی ها
- ۱۶۵ ----- نکته ها :
- ۱۶۶ ----- پیام ها :
- ۱۶۷ ----- شتاب برای حضور در نماز جمعه
- ۱۶۷ ----- نکته ها :
- ۱۶۷ ----- جایگاه روز جمعه
- ۱۶۸ ----- جایگاه نماز جمعه :
- ۱۷۰ ----- وظیفه امام جمعه :
- ۱۷۱ ----- پیام ها :
- ۱۷۲ ----- نماز و فعالیت های اقتصادی
- ۱۷۲ ----- نکته ها :
- ۱۷۳ ----- پیام ها :
- ۱۷۵ ----- نماز ، راه نجات از اخلاق ناپسند
- ۱۷۵ ----- نکته ها :
- ۱۷۶ ----- پیام ها :
- ۱۷۷ ----- بهشت ، پاداش نمازگزاران
- ۱۷۷ ----- نکته ها :
- ۱۷۸ ----- پیام ها :
- ۱۷۹ ----- نماز ، توشه آخرت
- ۱۸۰ ----- نکته ها :
- ۱۸۱ ----- پیام ها :
- ۱۸۴ ----- کیفیت بی نمازی
- ۱۸۴ ----- نکته ها :
- ۱۸۶ ----- پیام ها :

آثار بی‌نمازی در لحظه مرگ ----- ۱۸۷

نکته‌ها : ----- ۱۸۷

پیام‌ها : ----- ۱۹۰

نماز ، مأموریت همه پیامبران ----- ۱۹۲

نکته‌ها : ----- ۱۹۲

پیام‌ها : ----- ۱۹۲

خودسازی در پرتو نماز ----- ۱۹۳

نکته‌ها : ----- ۱۹۳

پیام‌ها : ----- ۱۹۴

دشمن نماز را تحمل نمی‌کند ----- ۱۹۴

نکته‌ها : ----- ۱۹۴

پیام‌ها : ----- ۱۹۵

اخلاص و حضور قلب در نماز ----- ۱۹۷

نکته‌ها : ----- ۱۹۷

نگاهی به مسئله ریا : ----- ۱۹۹

اخلاص : ----- ۲۰۰

پیام‌ها : ----- ۲۰۰

نماز ، سپاس‌گزاری خداوند ----- ۲۰۲

پیام‌ها : ----- ۲۰۲

درباره مرکز ----- ۲۰۵

## سیمای نماز در قرآن : بر اساس تفسیر نور

### مشخصات کتاب

سرشناسه : عبداللهی، سیدمحمد، 1342 -

عنوان و نام پدیدآور : سیمای نماز در قرآن: بر اساس تفسیر نور/ تالیف سیدمحمد عبداللهی.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، 1390.

مشخصات ظاهری : 200 ص.؛ 5/14×5/21 س م.

شابک : 24000 ریال: 5-052-537-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : نماز -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP104/ن8ع2 1390

رده بندی دیویی : 297/159

شماره کتابشناسی ملی : 2609155

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا سوسنی

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2



ستاد اقامه نماز

معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش

سیمای نماز در قرآن براساس تفسیر نور

ص: 3



- پیش گفتار...9
- نماز ، نشانه ایمان...12
- نماز جماعت...14
- نماز ، پشتوانه الهی...14
- نماز میثاق خدا با انسان...17
- نماز ، توشه آخرت...19
- کارکردهای اصلی مسجد...20
- اهرم های نیرومند در برابر سختی ها...22
- نماز ، یکی از نیکی ها...24
- از گوهر گران بهای نماز محافظت کنیم...29
- امنیت و آرامش در پرتو نماز...30
- نماز در ادیان گذشته...32
- طهارت روح و جسم در نماز...33
- همراهی نماز و جهاد...36
- حکم نماز مسافر...39
- نماز جماعت در جبهه جنگ (نماز خوف)...41
- نماز و دعا در همه حال...45

نماز ریایی ، نشانه منافق...46

اقامه نماز ، یکی از ویژگی های دانشمندان واقعی...48

طهارت ، شرط درستی نماز...50

نماز ، سر آمد فرامین الهی در ادیان پیشین...54

نماز و ولایت...56

اذان تبلیغ نماز است...60

دشمنی شیطان با نماز...61

جایگاه تربیتی نماز در جامعه...63

رابطه نماز و معاد...65

خدا محوری در زندگی...66

اصلاح واقعی در پرتو قرآن و نماز...67

توکل و اقامه نماز...69

با گرفتن قالب و محتوای عبادات از شارع ، دچار اشتباه نشویم...72

نماز و زکات ، نشانه توبه واقعی...73

نماز و زکات ، شرط برادری و اخوت دینی...75

شرایط متولیان مسجد...76

نماز بی نشاط ، نشانه منافقان...78

مأموریت دائمی مؤمنان...79

تنبیه منافقان...81

نماز در شریعت موسی ( علیه السلام )...82

نماز و انفاق ، عامل دستگیری در قیامت...84

تحميل دشواری ها برای اقامه نماز...85

برای اقامه نماز از خدا کمک بگیریم...87

نماز ، عامل باز دارنده از فساد اقتصادی...89

نماز ، روشن ترین نمونه کار نیک...90

ص:6

- 92... نماز ، عامل زدودن آلودگی ها
- 95... جایگاه ویژه نماز صبح
- 96... رعایت اعتدال در قرائت نماز
- 97... نماز ، سفارش خداوند به پیامبران الهی
- 99... نماز و خانواده
- 101... کیفر تباه کردن نماز
- 103... یاد خدا ، بهترین فلسفه نماز
- 104... شکیبایی در دعوت به نماز
- 106... نماز ، رکن اساسی همه ادیان
- 107... نماز ، نشانه متواضعان ( مُحَبِّتِین )
- 108... اقامه نماز ، نخستین وظیفه کارگزاران اسلامی
- 110... نماز ، شکرانه مسلمانی
- 112... نماز خاشعانه ، عامل رستگاری و فلاح
- 115... پاسداری از نماز ، نشانه ایمان
- 115... نماز ، نشانه معاد باوری
- 117... نماز آگاهانه موجودات
- 119... نماز و اطاعت از رهبری الهی
- 120... تنظیم برنامه زندگی بر اساس اوقات نماز
- 122... نماز ، زمینه هدایت و بشارت مؤمنان
- 125... نقش نماز در سازندگی جامعه
- 129... شکوفایی فطرت در پرتو نماز

اقامه نماز ، نشانه نیکو کاران ( محسنین )...130

نماز و رسالت والدین...131

زنان و نماز...138

نماز ، عامل تربیت پذیری جامعه...139

ص:7

- نماز ، تجارتی زوال ناپذیر...141
- نماز ، لیبیک دعوت خداوند...144
- نماز ، جبران کوتاهی ها...149
- شتاب برای حضور در نماز جمعه...151
- نماز و فعالیت های اقتصادی...156
- نماز ، راه نجات از اخلاق ناپسند...159
- بهشت ، پاداش نماز گزاران...161
- نماز ، توشه آخرت...163
- کیفر بی نمازی...168
- آثار بی نمازی در لحظه مرگ...171
- نماز ، مأموریت همه پیامبران...176
- خود سازی در پرتو نماز...177
- دشمن نماز را تحمل نمی کنند...178
- اخلاص و حضور قلب در نماز...181
- نماز ، سپاس گذاری خداوند...186



( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ) ( نساء ، آیه 136 )

ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده ایمان ( واقعی ) بیاورید.

( وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ) ( زمر ، آیه 55 )

و از بهترین آن چه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است پیروی کنید ، پیش از آن که عذاب ناگهانی و در حالی که از آن بی خبرید ، به سراغ شما آید.

( وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ) ( انعام ، آیه 155 ) و این ( قرآن ) کتابی است مبارک که آن را نازل کردیم. پس آن را پیروی نموده و تقوا پیشه کنید ، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

( وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ) ( اسراء ، آیه 82 )

و آن چه از قرآن فرو می فرستیم ، مایه شفا ( ی دل ) و رحمتی برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران نمی افزاید.

قرآن کتابی آسمانی است که برای پاس داشت کرامت انسان ، شکوفایی فطرت الهی او و بر گرفتن غل و زنجیر اسارت و رهایی او از زندان بت های درونی و بیرونی و رهنمون ساختن مردم به پاکی و روشنایی و بهشت سعادت و رضوان الهی و به عنوان برنامه زندگی بر قلب پیامبر خاتم نازل شده و سبب قوام عالم گیر دینی به نام اسلام در پهنه هستی گشته است.

و تردیدی نیست که قرآن گران سنگ ترین و ماندگارترین مائده و موهبت آسمانی و وحیانی است که از قلب ملکوت هستی بر فرش نشینان زمین فرود آمده و متقن ترین و عزیزترین دین را به ارمغان آورده است.

و نیز بی تردید چنان چه بشر سرگردان امروز، و به ویژه جوامع اسلامی در محضر وحی الهی به ادب زانو می زدند و به راستی اوامر و نواهی آن را گردن می نهادند و به حقیقت آیه، آن را باور داشتند (1) و با تمام توان، قدرت و قاطعیت و با همه وجود و در تمامی عرصه های زندگی به آن عمل می کردند. (2)

طوق ذلت و اسارت آدمیان ضعیفی چون خود را بر گردن نمی نهادند و شاهد ظلم و بی عدالتی، فقر و فساد، جهل و تعصب نبود.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: و قطعی است که پس از من روزگاری برای شما روی خواهد آورد که چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل و فراوان تر از دروغ بستن به خدا و رسولش نخواهد بود. و در نزد اهل آن زمان، کالایی کسادتر از قرآن وجود نخواهد داشت. اگر حق خواندن آن ادا نشود، متاعی با رونق تر از کتاب الهی نخواهد بود.

اگر از معانی و حقایق خود منحرف شود در آن روزگار هیچ چیزی ناشناخته تر از معروف و شناخته تر از زشتی ها وجود نخواهد داشت. (3)

بی شک در چنین روزگاری تنها دژ مستحکم برای دین داران راستین پناه بردن به قرآن و استمداد گرفتن از نماز است که قطعاً صلاح و اصلاح فرد و جامعه

ص: 10

---

1- نساء، آیه 136

2- مریم، آیه 12

3- نهج البلاغه، خطبه 147

بر اثر تمسک به قانون متقن الهی قرآن و اقامه نماز امکان پذیر است. (1) و به یقین پاداش مصلحان را خدای مهربان تباه نمی گرداند.

و اما چند نکته :

1- در این مجموعه تنها آیاتی آورده شده که در آن ها واژه صلاة و مشتقات آن وجود دارد.

2- نگارش آیات بر اساس ترتیب سوره های قرآن تنظیم شده است.

3- با توجه به جامعیت و برخورداری از نکات کاربردی " تفسیر نور " اثر مفسر گران قدر جناب حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی ، عیناً مباحث آیات از آن کتاب انتخاب گردیده است.

4- برای دریافت و فهم کامل آیه و ارتباط و هماهنگی و هدف مندی موضوعات متفاوت در هر آیه با یک دیگر همه نکته ها و پیام هایی که مؤلف محترم ذیل آیه نوشته بودند ، بدون هر گونه گزینش و دخل و تصرف آورده شده است.

5- عنوان و موضوع کلی در نظر گرفته شده برای هر آیه ، با الهام از متن آیه یا پیام برجسته انتخاب شده است.

6- در برخی از موارد برای دریافت ارتباط کامل مفاهیم و موضوعات آیه قبل یا بعد از آیه مورد نظر نیز ذکر شده است.

7- در انتخاب عناوین و موضوعات کلی تعدادی از آیات از کتاب نماز در قرآن جناب حجت الاسلام و المسلمین سید جواد بهشتی استفاده شده است.

8- لازم می دانم از تلاش همکاران ارجمند جناب آقایان حسین علی جفری ، حسن هاتقی و منصور سرگزی که در ویرایش ، تصحیح و گردآوری این مجموعه با بنده کمال همکاری را داشته اند ، صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

سید محمد عبداللهی

دی ماه 1390

ص: 11

---

1- اعراف ، آیه 170

## نماز ، نشانه ایمان

( الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ) ( بقره ، آیه 3 )

( متّین ) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آن چه به آنان روزی داده ایم ، انفاق می کنند.

### نکته ها :

قرآن ، هستی را به دو بخش تقسیم می کند : عالم غیب و عالم شهود. متّین به کلّ هستی ایمان دارند ، ولی دیگران تنها آن چه را قبول می کنند که برایشان محسوس باشد.

حتّی توقع دارند که خدا را با چشم ببینند و چون نمی بینند ، به او ایمان نمی آورند. چنان که برخی به حضرت موسی گفتند : ( لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً ) ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم ، مگر آن که خداوند را آشکارا مشاهده کنیم.

این افراد درباره ی قیامت نیز می گویند ( مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ ) جز این دنیا که ما در آن زندگی می کنیم ، جهان دیگری نیست ، می میریم و زنده می شویم و این روزگار است که ما را از بین می برد. چنین افرادی هنوز از مدار حیوانات گذشته اند و راه شناخت را منحصر به محسوسات می دانند و می خواهند همه چیز را از طریق حواس درک کنند.

متّین نسبت به جهان غیب ایمان دارند ، که برتر از علم و فراتر از آن است. در درون ایمان ، عشق ، علاقه ، تعظیم ، تقدیس و ارتباط نهفته است ، ولی در علم ، این مسائل نیست.

1. ایمان ، از عمل جدا نیست. در کنار ایمان به غیب ، وظایف و تکالیف عملی مؤمن بازگو شده است. ( یَوْمُنُونَ... یَقِیْمُونَ... یُنْفِقُونَ )
2. اساسی ترین اصل در جهان بینی الهی آن است که هستی ، منحصر به محسوسات نیست. ( یَوْمُنُونَ بِالْغَیْبِ )
3. پس از اصل ایمان ، اقامه ی نماز و انفاق از مهم ترین اعمال است. ( یَوْمُنُونَ... یَقِیْمُونَ... یُنْفِقُونَ ) ( در جامعه الهی که حرکت و سیر الی الله دارد ، اضطراب ها و ناهنجاری های روحی و روانی و کمبودهای معنوی ، با نماز تقویت و درمان می یابد و خلأهای اقتصادی و نابسامانی های ناشی از آن با انفاق پر و مرتفع می شود.
4. برگزاری نماز ، باید مستمر باشد نه موسمی و مقطعی. ( یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ ) ( فعل مضارع بر استمرار و دوام دلالت دارد. )
5. در انفاق نیز باید میانه رو باشیم. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ )
6. از هر چه خداوند عطا کرده ( علم ، آبرو ، ثروت ، هنر و... ) به دیگران انفاق کنیم. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ ) امام صادق ( علیه السلام ) می فرماید : از آن چه به آنان تعلیم داده ایم در جامعه نشر می دهند.
7. انفاق باید از مال حلال باشد ، چون خداوند رزق هر کس را از حلال مقدر می کند. ( رَزَقْنَاهُمْ )
8. اگر باور کنیم آن چه داریم از خداست با انفاق کردن مغرور نمی شویم. بهتر می توانیم قسمتی از آن را انفاق کنیم. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ )

( وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ) ( بقره، آیه 43 )

و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و همراه با رکوع کنندگان، رکوع نمایید.

### پیام ها :

1. بعد از دعوت به ایمان، دعوت به عمل صالح است. ( آمِنُوا... أَقِيمُوا )

2. نماز و زکات، در آیین یهود نیز بوده است. ( أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ )

3. رابطه با خدا، از طریق نماز و کمک به خلق خدا، از طریق زکات و همراهی با دیگران، یک مثلث مقدس است. ( أَقِيمُوا، آتُوا، ارْكَعُوا )

4. شاید بتوان گفت اصل فرمان نماز، با جماعت است. اساس دین بر حضور در اجتماع و دوری از انزوا و گوشه نشینی است. ( وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ )

### نماز، پشتوانه الهی

( وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ )

و از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است. ( بقره، آیه 45 )

### نکته ها :

هر چند این آیه به دنبال خطاب هایی که به یهود شده آمده است، ولی مخاطب آن همه ی مردم هستند. در روایات می خوانیم که حضرت علی ( علیه السلام ) هرگاه مسئله مهمی برایشان رخ

می داد به نماز می ایستادند و این آیه را تلاوت می کردند

ص: 14

در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده، که صبر بر سه نوع است: 1. صبر در برابر مصیبت. 2. صبر در برابر معصیت. 3. صبر در برابر عبادت. بنابراین آن چه در روایات آمده که مراد از صبر در این آیه روزه است، اشاره به یکی از مصادیق صبر دارد.

نماز برای رسول الله (صلی الله علیه و آله) و امثال او نور چشم است و لکن برای بعضی ها که خشوع ندارند، هم چون باری سنگین است. خشوع، مربوط به قلب و روح و خضوع، مربوط به اعضای بدن است.

نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی نهایت خدا می اندازد و غیر او را هر چه باشد کوچک جلوه می دهد. مهر او را در دل زیاد می کند، روحیه ی توکل را تقویت می کند و انسان را از وابستگی های مادی می رها کند. همه ی این آثار، انسان را در برابر مشکلات مقاوم می سازد.

صبر و مقاومت، کلید تمام عبادات است. فرشتگان به اهل بهشت سلام می کنند، اما نه به خاطر عبادت و نماز و حج و زکات آنان، بلکه به خاطر مقاومت و پایداری آن ها؛ (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ) چون اگر مقاومت نباشد، نماز و جهاد و حج و زکات نیز وجود نخواهد داشت. حتی شرط رسیدن به مقام هدایت و رهبری الهی، صبر است؛ (جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا)

### خاطره:

شاعری به نام نجاشی، که یکی از دوست داران حضرت علی (علیه السلام) بود، در ماه رمضان شراب خورد. به دستور امام، هشتاد ضربه تازیانه به او زدند و بیست ضربه نیز به خاطر ارتکاب گناه در ماه رمضان اضافه زدند. او ناراحت شد و به معاویه پیوست و علیه حضرت شعر گفت! اطرافیان نجاشی که قبیله ای مهم در کوفه بودند از علی (علیه السلام) گلایه کردند که چرا یاران خود را ننگه نمی دارد؟! طارق بن عبد الله آن ها با ناراحتی به امام گفت:

شما چرا بین دوست و بیگانه تفاوت قائل نمی شوید؟ شخصی همانند نجاشی نباید شلاق بخورد، ما این گونه رفتار را تحمل نمی کنیم. امام در جواب او این آیه را تلاوت فرمود: (وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِنَّهَا عَلَى الْخَاشِعِينَ) طارق نیز به معاویه پیوست.

بنابراین گر چه آیه درباره نماز است، ولی در موارد مشابه می توان از آیات قرآن استمداد کرد.

## پیام ها:

1. صبر و نماز، دو اهرم نیرومند در برابر مشکلات است. (اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ...)
2. هر چه در آستان خدا اظهار عجز و بندگی بیش تر کنیم، امدادهای او را بیش تر دریافت کرده و بر مشکلات پیروز خواهیم شد. (اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ)
3. استعانت از خداوند در آیه ی (إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) منافاتی با استعانت از آن چه به دستور اوست ندارد. (اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ)
4. سنگین بودن نماز، گاهی نشانه ی تکبر در برابر خداست. (لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ)



## نماز ، میثاق خدا با انسان

(وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ) (بقره ، آیه 83)

و (به یاد آرید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم ، جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان ، احسان کنید و با مردم ، به زبان خوش سخن بگویید و نماز را برپای دارید و زکات بدهید. اما شما (با این که پیمان بسته بودید) جز عده ی کمی ، سر پیچی کردید و روی گردان شدید.

### نکته ها :

احسان ، جامع ترین و وسیع ترین واژه در باب نیکی است. در حال فقر والدین ، احسان مادی و در حال غنای آنان ، احسان روحی. چنان که احسان به یتیم شامل ؛ تأدیب ، حفظ حقوق ، محبت و تعلیم او می شود.

اصول همه ی ادیان یکی است. چون همه ی این میثاق ها ، در اسلام نیز هست.

### پیام ها :

1. خداوند از طریق عقل ، فطرت و وحی ، از مردم پیمان می گیرد. (أَخَذْنَا مِيثَاقَ)
2. توحید ، سر لوحه ی مکتب انبیاست. و بعد از آن کارهای نیک قرار گرفته است. (لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا)
3. در کنار توحید ، احسان به والدین مطرح است. (لَا تَعْبُدُونَ... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا)

4. تبعیض و گرایش به یکی از پدر و مادر، ممنوع است. (بِأَوْلَادِهِنَّ إِحْسَانًا)

5. ابتدا خویشان نیازمند، سپس دیگران. (ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ ...) البته در بین خویشاوندان نیز اولویّت ها محفوظ است. (وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ)

6. احسان باید همراه با ادب و بدون منت باشد. در کنار احسان، جمله (قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) آمده است.

7. اگر چه به همه ی مردم نمی توان احسان کرد، ولی با همه می توان خوب سخن گفت. (قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)

8. برخورد خوب و گفتار نیکو، نه تنها با مسلمانان، بلکه با همه ی مردم لازم است. (قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)

9. علاوه بر پرداخت زکات، احسان به مستمندان و ایتام نیز لازم است. در آیه هم زکات آمده و هم احسان به مساکین. (إِحْسَانًا... وَ الْمَسَاكِينِ... أَتُوا الزَّكَاةَ)

10. نماز و رابطه با خداوند، از زکات و رابطه با فقرا جدا نیست. (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ أَتُوا الزَّكَاةَ)

11. نماز و زکات در ادیان دیگر نیز بوده است (وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ أَتُوا الزَّكَاةَ)

12. اعتقاد به توحید، احسان به والدین و ایتام و مساکین، همراه با دستور پرداخت زکات و برخورد نیکو با مردم، و به پا داشتن نماز، نشانه ی جامعیت اسلام است.

13. ادای حقوق، دارای مراتب و مراحل است. اول حقّ خداوند، سپس والدین، سپس خویشاوندان، سپس یتیمان که کمبود محبت دارند و آنگاه مساکین که کمبود مادیات دارند.

14. تمام احکام اعتقادی، اخلاقی و فقهی، میثاق و عهد خدا با انسان است. بعد از (میثاق) سخن از عقیده توحیدی، احسان به والدین، نماز و زکات آمده است.

## نماز ، توشه آخرت

( وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ) ( بقره ، آیه 110 )

و نماز را بر پا دارید و زکات را پرداخت نمایید و هر خیری که برای خود از پیش می فرستید ، آن را نزد خدا ( در سرای دیگر ) خواهید یافت ، همانا خداوند به اعمال شما بیناست .

### نکته ها :

بعد از اولین خطاب در آیه 104 ؛ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ) ، این آیه حامل سومین دستور برای مسلمانان است .

دستور اول ؛ عفو و اغماض از کینه و حسادت اهل کتاب تا زمان صدور دستور جدید بود . ( فَأَعْفُوا وَ اصْفَحُوا )

دستور دوم ؛ اقامه نماز و پرداخت زکات است . در زمانی که مسلمانان در تیر رس انواع کینه و حسادت ها بودند و مأمور به عفو و اغماض شده اند ، لازم است رابطه ی خودشان را با خداوند از طریق اقامه نماز ، و پیوند با محرومان جامعه را از طریق زکات ، تقویت کنند .

### پیام ها :

1. معمولاً دستور به نماز همراه با زکات در قرآن آمده است . شاید اشاره دارد به این که یاد خدا باید همراه با توجه به خلق خدا باشد . ( أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ )

2. مقدار کار خیر مهم نیست ، هر کس به هر مقدار می تواند باید انجام دهد . ( مِنْ خَيْرٍ )

3. کارهای خیر ، برای قیامت محفوظ می ماند . ( تَجِدُوهُ )

4. ایمان به نظارت الهی و پاداش در قیامت، قوی ترین انگیزه عمل صالح می باشد. ( ما تَقَدَّمُوا... تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ )

### کارکردهای اصلی مسجد

( وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ) ( بقره ، آیه 125 )

و ( به یاد آور ) هنگامی که خانه ( ی کعبه ) را محل رجوع و اجتماع و مرکز امن برای مردم قرار دادیم ( و گفتیم : ) از مقام ابراهیم ، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان ، پاک و پاکیزه کنید.

### نکته ها :

بعد از اشاره به مقام والای ابراهیم ( علیه السلام ) در آیه ی گذشته ، به یادگار او یعنی کعبه اشاره نموده و می فرماید : کعبه را برای مردم « مثابة » قرار دادیم. کلمه « مثابة » از ریشه « ثوب » به معنای بازگشت به حالت اول است. کعبه محلّ بازگشت و میعادگاه همه مردم است ، میعاد گاهی امن و مقدّس.

مقام ابراهیم جایگاهی است با فاصله تقریبی سیزده متر از کعبه ، که بر حاجیان لازم است بعد از طواف خانه خدا ، پشت آن دو رکعت نماز بگذارند و در آن جا سنگی قرار دارد که حضرت ابراهیم برای بالا بردن دیوارهای کعبه بر روی آن ایستاده است و آن سنگ فعلاً در محفظه ای نگهداری می شود.

مراد از « عهد » در این آیه دستور الهی است « عهدنا » یعنی دستور دادیم.

خداوند جسم نیست تا نیازمند خانه باشد. کلمه ی « بیتی » در این آیه همانند ( شَهْرِ اللَّهِ ) درباره ماه رمضان است که به منظور کرامت بخشیدن به مکان یا زمانی خاص ؛ خداوند آن را به خود منسوب می کند. و در عظمت کعبه همین بس که گاهی می فرماید: « بیتی » خانه من. گاهی می فرماید: ( رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ ) خدای این خانه.

## پیام ها :

1. شخصیت حضرت ابراهیم ، شخصیتی جهانی است. در آیه قبل ، ابراهیم را امام برای همه ی مردم قرار داد و در این آیه کعبه را میعادگاه همه مردم قرار داده است. ( جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ )
2. جامعه نیازمند امام و امنیت است. در آیه ی قبل فرمود : ( إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ) و در این آیه می فرماید : ( وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا )
3. کسی که در راه خداوند حاضر شود و همسر و فرزندش را تسلیم نماید ، باید تمام سرها در جای پای او برای خداوند به خاک برسد. ( مصلی )
4. چون خانه از خداست ؛ « بیتی » خادم آن نیز باید از اولیای او باشد. ( طَهَّرَا بَيْتِي )
5. زائران بیت الله را همین کرامت بس که ابراهیم و اسماعیل ، مسئول طهارت و پاکی آن بیت برای آن ها بوده اند. ( طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ ... )
6. عبادت با طهارت ، پیوند دارد. ( طَهَّرَا .. وَالرُّكْعَ السُّجُودِ )
7. عبادت و نماز به قدری مهم است که حتی ابراهیم و اسماعیل برای انجام مراسم آن مأمور پاک سازی می شوند ( طَهَّرَا بَيْتِي لِ.. الرُّكْعِ السُّجُودِ )
8. مسجد مسلمانان باید پاکیزه و رغبت انگیز باشد. ( طَهَّرَا .. وَالرُّكْعَ السُّجُودِ )

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ) ( بقره آیه ، 153 )

ای کسانی که ایمان آورده اید! ( در برابر حوادث سخت زندگی ) از صبر و نماز کمک بگیرید ، همانا خداوند با صابران است.

### نکته ها :

مشابه این کلام الهی را در آیه 45 سوره بقره خواندیم که خداوند به بنی اسرائیل می فرمود : در برابر ناملازمات و سختی ها از صبر و نماز کمک بگیرید. در این آیه نیز به مسلمانان دستور داده

می شود تا در برابر حوادث سخت زندگی ، از صبر و نماز یاری بجویند. آری ، دردهای یکسان ، داروی یکسان لازم دارد.

اصولاً انسان محدود ، در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار ، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد ، متلاشی و منکوب می شود. و انسان مرتبط با خداوند ، در حوادث و سختی ها ، خود را نمی بازد و برای او حوادث ، بزرگ نمی نماید. کسی که نماز را با حضور قلب و با توجه می خواند ، به معراج می رود. هر چه پرواز معنوی او بیش تر باشد و بالاتر رود ، دنیا و مشکلات آن و حتی خوشی های آن کوچک تر می شود.

انسان ، یا در نعمت به سر می برد که باید به آیه قبل عمل کند ؛ ( فَادْكُرُونِي ، اَشْكُرْوا لِي ) و یا در سختی به سر می برد که باید به این آیه عمل کند ؛ ( اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ )

خداوند می فرماید : خدا با صابران است و نمی فرماید : با نمازگزاران است. زیرا نماز نیز نیاز به صبر و پایداری دارد.

در روایات می خوانیم : هرگاه کار سختی برای حضرت علی ( علیه السلام ) پیش می آمد حضرت دو رکعت نماز می خواند. این سیره را بوعلی سینا نیز عمل می کرد.

صبر ، مادر همه کمالات است.

صبر در جنگ ، مایه شجاعت است.

صبر در برابر گناه ، وسیله تقواست.

صبر از دنیا ، نشانه زهد است.

صبر در شهوت ، سبب عفت است.

صبر در عبادت ، موجب طاعت ، و صبر در شبهات ، مایه ی ورع است.

### پیام ها :

1. ایمان اگر همراه با عمل و توکل و صبر و عبادت باشد ، کاربرد بیش تری خواهد داشت. ( الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ... )

2. نماز اهرم است ، بار نیست. ( اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ )

3. صبر و نماز ، وسیله جلب حمایت های الهی هستند. ( اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ )

4. اگر چه خداوند با هر کس و در هر جایی حضور دارد ؛ ( هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ) و لکن همراهی خدا با صابران ، معنای خاصی دارد و آن لطف ، محبت و یاری رسانی خداوند به صابران است. ( إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ )

## نماز، یکی از نیکی ها

( لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ) ( بقره ، آیه 177 )

نیکی ( تنها ) این نیست که ( به هنگام نماز ) روی خود را به سوی مشرق یا غرب بگردانید ، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و رشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال ( خود ) را با علاقه ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان و سائلان و در راه آزادی بردگان بدهد ، و نماز را برپای دارد و زکات را پردازد ، و آنان که ون پیمان بندند ، به عهد خود وفا کنند و آنان که در ( برابر ) سختی ها ، حرومیت ها ، بیماری ها و در میدان جنگ ، استقامت به خرج می دهند ، این ها کسانی هستند که راست گفتند ( و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است ) و اینان همان پرهیزکارانند .

### نکته ها :

کلمه « برّ » به معنای نیکی است ، ولی به هر کس که خیلی نیکوکار باشد ، می گویند او « برّ » است . یعنی وجودش یک پارچه نیکی است .

« بأساء » از « بؤس » به معنای فقر و سختی است که از خارج به انسان تحمیل می شود .



« ضراء » ، درد و بیماری است که از درون به انسان فشار می آورد. و ( حِينَ الْبُؤْسِ ) زمان جنگ و جهاد است.

بعد از ماجرای تغییر قبله که در آیه ی 144 خواندیم ، سخنِ روز ، پیرامون قبله و تغییر آن بود که این آیه می فرماید : چرا به جای محتوای دین که ایمان به خدا و قیامت و انجام کارهای نیک است ، به سراغ بحث های جدلی رفته اید. این آیه جامع ترین آیه قرآن است. زیرا اصول مهم اعتقادی ، عملی و اخلاقی در آن مطرح گردیده است.

در تفسیر المیزان از رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) نقل شده است که فرمودند : هر کس به این آیه عمل کند ، ایمانش کامل است.

این آیه پانزده صفت نیک را در سه بخش ایمان ، عمل و اخلاق بیان نموده است. در بخش ایمان ، به مسئله ایمان به خدا ، فرشتگان ، انبیا ، قیامت و کتب آسمانی اشاره شده و در بخش عمل ، به مسائل عبادی مانند نماز و اقتصادی مانند زکات و اجتماعی مانند آزاد نمودن بردگان و نظامی مانند صبر در جبهه و جنگ ، و روحی و روانی مثل صبر در برابر مشکلات ، اشاره شده است. و در بخش اخلاقی به وفای به عهد و دل کندن از مادیات و ترحم به فقرا اشاره شده است.

ایمان به خدا ، سبب خضوع انسان در برابر حق و عدم تسلیم در برابر طاغوت هاست. ایمان به قیامت ، موجب وسعت دید و بلندی همت می شود. ایمان به وجود ملائکه ، نشانه ی ایمان به تشکیلات ماورای طبیعت است. ایمان به انبیا ، ایمان به وحی و جریان هدایت در طول تاریخ است و دلیل بر این که انسان در این جهان رها و بی برنامه نبوده است.

انفاق، بیانگر روح تعاون و نوع دوستی و نماز پیوند مستقیم با خدا، و زکات برنامه ریزی و اقدام برای حل مشکل، محرومان، و وفای به عهد، موجب تحکیم، ارتباطات و صبر عامل آبدیده شدن انسان هاست.

جمله (آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ) را سه نوع معنا نموده اند:

الف: پرداخت مال به دیگران با وجود علاقه ای که به آن هست.

ب: پرداخت مال بر اساس حُبّ خداوند.

ج: پرداخت مال بر اساس علاقه ای که به فقیر است.

صبر، مادر همه کمالات است و قرآن راه رسیدن به بهشت را صبر می داند؛ (أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا) به آنان جایگاه بلند داده می شود، به پاس بردباری که کردند.

چنان که فرشتگان به بهشتیان می گویند: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ) درود بر شما که پایداری کردید.

هم چنین درباره رهبران الهی می فرماید: (جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَا صَبَرُوا) آنان را به خاطر صبرشان، پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می نمودند.

مشابه این آیه، در روایات نیز برای معرفی معارف دینی چنین آمده است:

(لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ) عاقل آن نیست که خیر را از شرّ بشناسد، عاقل آن است که میان دو شرّ، خیرش را برگزیند.

(لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَدْفَعُ إِلَيْهِ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ) دانش، به آموختن بسیار حاصل نمی شود. دانش واقعی، نوری الهی است که به دل ها می تابد.

( لَيْسَ الْبِرُّ فِي حُسْنِ الزِّيِّ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ فِي السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ ) بزرگی ، در ظاهر آراسته نیست ، بلکه در آرامش و وقار است.

( لَيْسَ السَّخِيُّ ... الَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَكِنَّهُ الَّذِي يُؤَدِّي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا فَرَضَ عَلَيْهِ ) سخاوتمند کسی نیست که در هر جا و لویی جا انفاق کند ، بلکه کسی است که در هر جا خشنودی خداست ، انفاق کند.

( لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ ) عبادت به نماز و روزه بسیار نیست ، به تفکر درباره خدا و آثار اوست.

( أَشَدُّ مِنْ يَتِيمٍ هَذَا الْيَتِيمِ يَتِيمٌ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ ) آن که از سر پرستی پیشوای حق محروم شده ، یتیم تر از کسی است که پدر و مادرش را از دست داده است.

برای رسیدن به کمال تقوا ، انفاق واجب و غیر واجب ، هر دو لازم است.

بعضی از مردم به مستمندان کمک می کنند ، ولی حقوق واجب خود را نمی پردازند و برخی دیگر به پرداخت خمس و زکات اکتفا می کنند و نسبت به فقرا و محرومان در بخشش های مستحبی بی تفاوت می شوند. این آیه ، مؤمن واقعی را کسی می داند که هم حقوق واجب را بپردازد و هم انفاق مستحب را انجام دهد.

به همین دلیل در روایات می خوانیم : در اموال ثروتمندان ، غیر از زکات نیز حقی برای محرومان است. و کسی که سیر بخوابد در حالی که همسایه او گرسنه باشد ، ایمان کامل به خدا و قیامت ندارد.

## پیام ها :

1. به جای محتوای دین ، به سراغ ظاهر نرویم و از اهداف اصلی باز نمانیم. ( لَيْسَ الْبِرُّ... وَ لَكِنَّ الْبِرَّ )

2. یکی از وظایف انبیا و کتب آسمانی ، تغییر فرهنگ مردم است. ( لَيْسَ الْبِرُّ... وَ لَكِنَّ الْبِرَّ )

3. ایمان مقدّم بر عمل است. ( مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ... آتَى الْمَالَ )

4. ایمان به خدا و روز قیامت همراه با ایمان به همه ی انبیا و ملائکه لازم است. ( آمَنَ بِاللَّهِ... وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ )

5. ارتباط با خدا در کنار ارتباط با مردم و تعاون اجتماعی در حوادث و گرفتاری ها مطرح است. ( آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ )

6. تمام کارهای نیک ، در سایه ایمان به خدا شکل می گیرد. ( آمَنَ بِاللَّهِ... آتَى الْمَالَ )

7. هدف اسلام از انفاق ، تنها سیر کردن گرسنگان نیست ، بلکه دل کندن صاحب مال از مال نیز هست. ( عَلَى حُبِّهِ )

8. نیکوکاران ، مال و دارایی خود را با رغبت و علاقه در راه خدا انفاق می کنند. ( آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ )

9. در انفاق ، بستگان نیازمند بر سایر گروه های مستمند اولویت دارند. ( ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ... )

10. سائل را ردّ نکنید ، گر چه فقیر ، مسکین ، در راه مانده و فامیل نباشد. کلمه ی ( السَّائِلِينَ ) به صورت مستقل مطرح شده است. ( وَ الْمَسْكِينِ... السَّائِلِينَ )

11. ایمان و نماز و زکات ، بدون شرکت در جهاد کامل نمی شود. ( وَحِينَ الْبَأْسِ... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا )

12. مدّعیان ایمان بسیارند ، ولی مؤمنان واقعی که به تمام محتوای دین عمل کنند ، گروهی اندک هستند. ( أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا )

13. نشانه ی صداقت ، عمل به وظایف دینی و تعهدات اجتماعی است. ( أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا )

14. متقی کسی است که عملش ، عقایدش را تأیید کند. ( آتَى الْمَالَ... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ )

## از گوهر گران بهای نماز محافظت کنیم

( حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ) ( بقره ، آیه 238 )

بر انجام همه ی نمازها و ( خصوصاً ) نماز وسطی ( ظهر ) ، مواظبت کنید و برای خدا خاضعانه به پا خیزید

### نکته ها :

درباره مراد از نماز وسطی ، چند نظریه است ، ولی با توجه به شأن نزول آیه که گروهی به خاطر گرمی هوا در نماز ظهر شرکت نمی کردند و با توجه به روایات و تفاسیر ، مراد همان نماز ظهر است. حفظ هر چیزی باید مناسب با خودش باشد ؛ حفظ مال از دست برد دزد است ، حفظ بدن از میکرب است ، حفظ روح از آفات اخلاقی نظیر حرص ، حسد و تکبر است ، و حفظ فرزند از دوست بد می باشد. اما حفظ نماز به چیست ؟ حفظ نماز ، آشنایی با اسرار آن ، انجام به موقع آن ، صحیح بجا آوردن ، فرا گرفتن احکام و آداب آن مراکز عبادت و تمرکز فکر به هنگام آن است.

در حدیثی می خوانیم : نماز به گروهی می گوید : مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند و به گروهی می گوید : مرا حفظ کردی خداوند تو را حفظ کند.

### پیام ها :

1. اقامه نماز باید مداوم باشد. ( حَافِظُوا )
2. همه ی مردم مسئول حفظ نمازند. ( حَافِظُوا )
3. ممکن است آیه دلالت کند بر این که نماز را به جماعت بر پا کنید. ( حَافِظُوا ، قَوْمُوا )

4. هر کجا زمینه‌ی سهل انگاری یا غفلت احساس می‌شود، هشدار بیش تری لازم است. ( وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى )

5. اقامه‌ی نماز، به توجّه، نشاط، معرفت و اخلاص نیاز دارد. ( قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ )

6. انسان نباید وصله‌ی نا هم‌رنگ هستی باشد. قرآن درباره‌ی هستی می‌فرماید: ( كُلُّ لَهٌ قَانِتُونَ ) پس اگر ما قانعت نباشیم، وصله‌ی نا هم‌رنگ هستی خواهیم بود. ( قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ )

7. ارزش نماز به خضوع آن است. ( قَانِتُونَ )

### امنیت و آرامش در پرتو نماز

( إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ) ( بقره، آیه 277 )

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز بر پا داشته و زکات پرداخته‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان ( محفوظ ) است و نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمگین می‌شوند.

### نکته‌ها :

این آیه، برابر ربا خواران که « کَفَّارِ اثِمِ » هستند، سیمای مؤمنان را ترسیم می‌کند که عمل صالح انجام داده و نماز را بر پای می‌دارند و زکات پرداخت می‌کنند. تا اشاره به این باشد که زمینه برچیده شدن ربا در جامعه، توجّه به ایمان و عمل صالح و احیای نماز و زکات است.

مردم چهار گروه‌اند :

ص: 30

1. گروهی ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند که اینان « مؤمنانند ».

2. گروهی ، نه ایمان آورده و نه کار شایسته انجام می دهند که اینان « کافراند ».

3. گروهی ایمان دارند ، ولی عمل صالح ندارند که اینان « فاسقانند ».

4. گروهی ایمان ندارند ، ولی اظهار ایمان می کنند و در ظاهر کار نیک انجام می دهند که اینان « منافقانند ».

اگر ربا خواران از خدا و مردم بریده اند ، اما در مقابل ، کسانی هستند که اهل ایمان و عمل صالح بوده و از طریق نماز ، با خداوند مرتبط می باشند و با پرداخت زکات با مردم پیوند دارند.

### پیام ها :

1. اسلام در کنار مسائل عبادی و فردی ، به مسائل اقتصادی و مردمی نیز توجه دارد. نماز و زکات در کنار هم مطرحند. ( اَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَ اَتُوا الزَّكَاةَ )

2. ذکر نماز و زکات بعد از عمل صالح ، نشانه آن است که در میان کارهای شایسته حساب این دو جداست. ( عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ وَ اَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَ اَتُوا الزَّكَاةَ )

3. تشویق نیکوکاران به دنبال تهدید بد کاران ، یک اصل تربیتی است. ( لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ )

4. هوشمند کسی است که در محاسبات ، تنها به چیزی که امروز که در دست دارد ننگرد ، بلکه به آینده و ذخیره هایی که نزد خداوند است توجه داشته باشد. ( عِنْدَ رَبِّهِمْ )

5. پروردگار ، به مؤمنانی که اهل عمل صالح و نماز و زکاتند ، نظر ویژه ای دارد. کلمه ( رَبِّهِمْ ) اشاره به لطف خاص اوست.

6. وعده های الهی ، انگیزه ی عمل صالح است. ( لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ )

7. امنیت و آرامش واقعی ، در سایه ی ایمان و عمل صالح و پیوند با خدا و مردم است. ( لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ )

8. عوامل آرامش ، ایمان ، عمل صالح ، نماز و زکات است. ( آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ )

## نماز در ادیان گذشته

( فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَدِيدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ) ( آل عمران ، آیه 39 )

پس در حالی که زکریا در محراب به نماز ایستاده بود ، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به ( فرزندى به نام ) یحیی بشارت می دهد که تصدیق کننده ی ( حَقَّانیت ) کلمه الله ( حضرت مسیح ) است و سید و سرور ، و خویشان دار ( از زنان ) و پیامبری از صالحان است.

## پیام ها :

1. دعای خالصانه از قلب پاک مستجاب می شود. ( دعا زکریا... فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ )

2. نماز ، در ادیان پیشین نیز بوده است. ( يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ )

3. محراب مسجد ، از قداست خاصّی بر خوردار است. محل نزول مائده آسمانی ؛ ( وَ جَدَّ عَدَدَهَا رِزْقًا ) استجابت دعا. ( فَدَّادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ... فِي الْمِحْرَابِ )

4. نماز ، زمینه ی نزول فرشتگان است. ( فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ... وَ هُوَ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ )

5. اراده ی خداوند بر هر چیزی غلبه دارد. پیری پدر و عقیمی مادر ، مانع فرزند دار شدن نیست. ( أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى )

6. گاهی نام گذاری افراد از طرف خداست. ( يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى )



7. فرزند از نعمت ها و بشارت های الهی است. (يُسِّرُكَ يَحْيَىٰ)

8. انبیا یک دیگر را تصدیق می کنند. (مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ)

9. حضرت عیسی نشان های از قدرت خداست ، نه فرزند خدا. (بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ)

10. خداوند از آینده هر کس خبر دارد. (سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا)

11. عفت و کنترل تمایلات جنسی ، مورد ستایش خداوند است. (حَصُورًا)

## طهارت روح و جسم در نماز

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا ) (نساء ، آیه 43)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید ، تا آن که بدانید چه می گوئید و نیز در حال جنابت نزدیک ( مکان ) نماز ، ( مسجد ) نشوید ، مگر به طور عبوری ( و بی توقف ) تا این که غسل کنید. و اگر بیمار یا در سفر بودید ، یا یکی شما از جای گودی ( کنایه از قضای حاجت ) آمد ، یا تماسی ( و آمیزش جنسی ) با زنان داشتید و ( در این موارد ) آب نیافتید ، پس بر زمین ( و خاک ) پاک و دل پسندی تیمم کنید ، ( دو کف دست برزنید ) آنگاه صورت و دست هایتان را مسح کنید. همانا خداوند ، بخشنده و آمرزنده است.

## نکته ها :

چون تحریم شراب ، در صدر اسلام به صورت تدریجی انجام گرفت. ابتدا شراب به عنوان نوشابه نامطلوب معرفی شد ؛ ( وَ مِنْ ثَمَرَاتِ التَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ) سپس این آیه نازل شد و نماز در حال مستی را نهی کرد ، آنگاه زیان آن را بیش از منافعی دانست ، ( يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا ) سپس از مصرف آن به عنوان عنصری پلید و شیطانی نهی شد.

(إِثْمَا الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ... رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ)

در روایات آمده که از نماز خواندن در حالت خواب آلودگی و کسالت و سنگینی پرهیز کنید.

آیات دیگر نیز نماز خواندن از روی کسالت را از نشانه های منافقان دانسته است. (عَائِطٍ) یعنی مکان گود. چون در قدیم گودال هایی برای قضای حاجت فراهم می کردند ، غائط کنایه از رفتن برای تخلی است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود : « صَعِيدٌ » ، موضع بلندی است که آب از آن جا جاری شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود : مقصود از (لَأَمْسْتُمْ) جماع و آمیزش جنسی است ، ولی خداوند ستار است و ستر را دوست دارد.

## پیام ها :

1. مقام نماز به حدی رفیع است که شراب خوار نباید به آن نزدیک شود. (لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى)

2. در نماز ، تنها اذکار و حرکات کافی نیست ، توجه و شعور لازم است. (حَتَّى تَعْلَمُوا...)

3. عبادات نا آگاهانه، از ارزش بالا برخوردار نیست، گر چه تکلیف را ساقط می کند. ( حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ )

4. در مسجد، نباید با حالت جنابت وارد شد. ( و لَا جُنْبًا ... )

5. در غسل، شستن تمام بدن لازم است. چون در آیه، نام عضو خاصی برده نشده است. ( تَغْتَسِلُوا )

6. احتمال خطر و ضرر، یا تکلیف را از انسان بر می دارد و یا سبب تخفیف تکلیف می شود. ( وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى... فَتَيَمَّمُوا )

7. در تعبیرات و گفتار، باید ادب را رعایت کرد. ( مِنَ الْعَائِطِ أَوْ لَا مَسِّ تُمُّ النِّسَاءِ ) ( تعبیر برگشت از گودی، برای قضای حاجت و لمس زنان، کنایه از آمیزش جنسی است ).

8. احکام خدا، ترخیص دارد، ولی تعطیل ندارد. اگر آب نبود، باید تیمم کرد. ( فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا )

9. شرط ارتباط با خدا از طریق نماز، طهارت و پاکی است، وضو یا تیمم. ( فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا )

10. تخفیف احکام، نمودی از رحمت و مغفرت الهی است. ( فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا... عَفُوا غَفُورًا )

( أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظَلِّمُونَ فَتِيلًا )  
( نساء ، آیه 77 )

آیا نمی نگری کسانی را که ( پیش از هجرت ) به آنان گفته شد ( اکنون ) دست نگهدارید و نماز به پا دارید و زکات پردازید. لیکن چون جهاد ( در مدینه ) بر آنان مقرر شد ، گروهی از آنان از مردم ( مشرک مکه ) چنان می ترسیدند که گویا از خدا می ترسند ، بلکه بیش از خدا ( از کفار می ترسیدند ) و ( از روی اعتراض ) گفتند : پروردگارا ! چرا جنگ را بر ما واجب کردی ؟ چرا ما را تا

سر آمدی نزدیک ( مرگ طبیعی ) مهلت ندادی ؟ بگو : برخورداری دنیا اندک نا چیز است و برای کسی که تقوا پیشه کند آخرت بهتر است ، و به اندازه ی رشته ی میان هسته خرما ، به شما ستم نخواهد شد.

### نکته ها :

مسلمانان صدر اسلام در دوران سخت مکه ، از پیامبر اسلام اجازه ی جنگ با مشرکان را می خواستند و می گفتند : پیش از اسلام عزیز بودیم ، اینک به خاطر اسلام گرفتار فشاریم ، بگذار بجنگیم تا عزت خود را به دست آوریم. پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) که آن هنگام مأمور به جنگ نبود ، اجازه نمی داد ، ولی پس از هجرت که فرمان جهاد آمد ، جمعی از همان جهاد طلبان ، دست به

اعتراض و بهانه جویی زدند و کفار مکه را بزرگ شمردند و از آنان به شدت می ترسیدند.

( خَشِيَّةٌ ) به ترسی گفته می شود که برخاسته از عظمت و بزرگ دانستن طرف مقابل باشد.

امام صادق ( علیه السلام ) فرمود: مراد از ( كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ ) ، ( كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ ) است ، گویا شعارهای تو خالی می دادند که آیه نازل شد ، دست بردارید.

امام باقر ( علیه السلام ) یکی از نمونه ها را صلح امام حسن ( علیه السلام ) معرفی فرمودند که آن صلح از آن چه خورشید بر آن می تابد ، برای امت اسلام بهتر بود. آری ، رهبر معصوم گاهی مثل امام حسن ( علیه السلام ) فرمان آتش بس می دهد و گاهی مانند امام حسین ( علیه السلام ) جنگ و شهادت را لازم می داند.

در روایات متعددی می خوانیم که مراد از اجل قریب که مردم تقاضای تأخیر جهاد را تا آن زمان دارند ، قیام حضرت مهدی ( علیه السلام ) است. یعنی افرادی می گویند : تا زمان قیام امام زمان ( علیه السلام ) نباید حکم قتال بیاید.

### پیام ها :

1. توجه به تاریخ ، سازنده است. ( أَلَمْ تَرَ... )
2. در آغاز هر انقلابی ، تحمل مشکلات و سعه ی صدر لازم است. ( كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ )
3. باید احساسات زودرس و شعارهای تو خالی را کنترل کرد. ( كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ )
4. دستورهای خداوند ، طبق مصالح واقعی است ، نه تقاضای مردم. ( كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ ) ( با توجه به شأن نزول )
5. همیشه و همه جا شمشیر کار ساز نیست. در شرایط بحرانی و آمادگی ، نباید بهانه به دشمن قوی پنجه داد. ( كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ )

6. از رسول خدا و فرمان خدا جلو نرفتید و در امور دینی، اظهار سلیقه‌ی شخصی نکنید. (كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ)
7. با نماز که یاد خداست، آرامش درونی کسب کنید و با زکات، خلأهای اقتصادی را پر کنید. (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ)
8. مسائل عبادی اسلام با مسائل اقتصادی آن به هم پیوسته است. (الصَّلَاةَ، الزَّكَاةَ)
9. در میان عبادات، نماز و زکات جایگاه ویژه دارد. (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ)
10. نماز بر زکات مقدم است. (هر کجا نامی از این دو است، اول نام نماز است)
11. فرمان نماز و زکات قبل از جهاد صادر و تشریح شده است. (كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...)
12. خودسازی، مقدم بر جامعه‌سازی است، آن که اهل نماز و زکات نباشد، اهل اخلاص و ایثار نخواهد بود. (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ)
13. آنان که زود داغ می‌شوند، زود هم سرد می‌شوند. آری هر داغی، سرد می‌شود، ولی هیچ پخته‌ای خام نمی‌شود. (كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ... فَلَمَّا كُتِبَ... لِمَ كُتِبَتْ)
14. انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است. گاهی از شعار تا عمل فاصله‌ی زیادی است. (فَلَمَّا كُتِبَ... إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ)
15. فرمان جهاد، وسیله‌ی آزمایش مردم است. (كُتِبَ... الْقِتَالُ... فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ)
16. سر چشمه اعتراض به فرمان جهاد، ترس است. (يَخْشَوْنَ... لِمَ كُتِبَتْ)
17. عامل مهم ترک جبهه و جهاد، دلبستگی‌های دنیوی است. (لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ)

18. به فرمان های خدا و زمان صدور آن ها اعتراض نکنید. در برابر امر الهی ، محاسبات زمانی و مکانی خود را کنار بگذارید. (لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ )

19. اعتراض به فرمان خدا ، نشانه ی بی تقوایی است. (لِمَ كَتَبْتَ... خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى )

20. اگر چشم اندازتان را وسیع تر از این جهان مادی قرار دهید ، به متاع اندک دنیا دل بسته نمی شوید. (وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ )

21. کامیابان آخرت ، تنها اهل تقوایند. ( خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى )

### حکم نماز مسافر

(وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا )  
( نساء ، آیه 101 )

و هرگاه که در زمین سفر کنید ، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید ، اگر بیم دارید که کافران به شما آزار و ضرر رسانند. همانا کافران همواره دشمن آشکار شمایند.

### نکته ها :

پس از سخن درباره ی جهاد و هجرت ، این آیه حکم نماز مسافر را بیان می کند. « ضرب فی الارض » کنایه از سفر است ، چون مسافر هنگام سفر ، زمین را زیر پای خود می کوبد.

در قرآن ، گاهی به جای « وجوب » تعبیر « مانعی ندارد » به کار رفته ، که این آیه نیز یکی از آن موارد است. گویا مسلمانان صدر اسلام به قدری به نماز علاقه مند بودند که کوتاه کردن آن را گناه می پنداشتند.

نماز قصر، مخصوص موارد ترس از دشمن نیست. ولی چون معمولاً سفرها، بیم و نگرانی هست، یا این که چون قانون نماز قصر، ابتدا در موارد ترس بوده و بعدها نسبت به هر سفر تعمیم یافته، قید (إِنْ خِفْتُمْ) آمده است.

در روایات مقدار سفری که در آن نماز کوتاه و شکسته می شود، مسیر یک روز (هشت فرسخ) مشخص شده است.

تمام نمازهای مسافر جز نماز مغرب دو رکعتی است. و مراد از کوتاه کردن نماز، دو رکعتی شدن نمازهای چهار رکعتی است.

## پیام ها :

1. واقع بینی و انعطاف پذیری، یک اصل در قوانین الهی است. (تَقْصِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ...)
2. در حال نماز هم از دشمن غافل نباشید. سیاست و دیانت، عبادت و فطانت از هم جدا نیست. (إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ)
3. در مواردی یقین لازم نیست. احتمال توطئه و فتنه برای تصمیم و تغییر برنامه کافی است. (إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ)
4. حتی به هنگام احتمال خطر، اقامه نماز واجب است. (إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ...)
5. کفر و ایمان با هم در تضادند. (إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا)
6. کفار، در دشمنی با شما متحدند. «عدو» بجای «اعداء»
7. دشمنی کفار با شما ریشه دار و پر سابقه و دائمی است. (كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا)



## نماز جماعت در جبهه جنگ ( نماز خوف )

( وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلِّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَ لَآ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضًا أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ) ( نساء ، آیه 102 )

( ای پیامبر ! ) هرگاه ( در سفرهای جهادی ) در میان سپاه اسلام بودی و برای آنان نماز بر پا داشتی ، پس گروهی از آنان با تو ( به نماز ) بایستند و سلاح های خود را همراه داشته باشند ، پس چون سجده کردند ( قیام نمایند و رکعت دوم را فرادی انجام داده پس بروند و ) پشت سر شما ( نگهبان ) باشند ، و گروه دیگر که نماز نخوانده اند ( از رکعت دوم ) با تو نماز بخوانند و وسایل دفاع و

سلاح های خود را با خود داشته باشند ، کافران دوست دارند که شما از سلاح و ساز و برگ خود غافل شوید تا یک باره بر شما حمله آورند ، و اگر از باران رنجی به شما رسید یا بیمار و مجروح بودید ، گناهی بر شما نیست که سلاح هایتان را بر زمین بگذارید و ( فقط ) وسایل دفاع با خود داشته باشید. همانا خداوند برای کافران عذابی خوار کننده فراهم کرده است.

### نکته ها :

در سال ششم هجری ، پیامبر با گروهی از مسلمانان به سوی مکه عزیمت کردند. در منطقه ی حدیبیه ، با خالد بن ولید و دوستان او همراهان او

مواجه شدند که برای جلوگیری از ورود آن حضرت، سنگر گرفته بودند. پس از اذانِ بلال و برپایی نماز جماعت، خالد بن ولید فرصت را مناسب دید که هنگام نماز عصر یک باره حمله کند. آیه نازل شد و از توطئه خبر داد. خالد پس از دیدن این معجزه، مسلمان شد. در این نماز (نماز خوف)، گروه اول پس از پایان رکعت اول، برخاسته بقیه نماز را خود تمام می کنند و امام جماعت صبر می کند تا گروه دیگر به رکعت دوم برسند و با سلاح، به نماز جماعت پیوندند.

## پیام ها :

1. نماز، حتی در صحنه ی جنگ تعطیل نمی شود و رزمنده، بی نماز نیست.

(فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ... وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ)

2. در اهمیت نماز جماعت همین بس که در جبهه ی جنگ با دشمن، حتی با یک رکعت هم برپا می شود. (وَلَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا)

3. در هنگام پیش آمدن دو وظیفه (جهاد و نماز)، نباید یکی فدای دیگری شود. فَلْتَقُمْ... وَ لِيَأْخُذُوا)

4. در همه حال، هشیاری لازم است، حتی نماز نباید مسلمانان را از خطر دشمن غافل کند. (وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ)

5. رهبر، محور وحدت و عبادت است. (كُنْتَ فِيهِمْ... فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ)

6. تقسیم کار، تعاون و شریک کردن دیگران در کارهای خیر، حتی در حساس ترین موارد، از عوامل الفت جامعه است. در این آیه، دو رکعت نماز جماعت میان دو گروه تقسیم شده، تا تبعیضی پیش نیاید و همه در خیر شریک باشند. (وَلَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى ...)

7. فرمان های الهی به تناسب شرایط، متفاوت است. (این آیه مربوط به نماز خوف در برابر دشمن است.) (فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ)

8. نماز جماعت در جبهه ، نشان عشق به هدف و خدا و رهبر و پابندی به ارزش هاست. ( إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ )

9. در جبهه باید جابه جایی نیروها در فاصله ی یک رکعت نماز ، امکان پذیر بوده باشد. ( وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا )

10. هر چه مدّت نماز در جبهه بیش تر شود ، فرصت دشمن برای حمله افزایش می یابد. پس باید حفاظت بیش تری داشت. در رکعت اول ، داشتن اسلحه کافی است ولی در رکعت دوّم ، هم اسلحه و هم ابزار دفاع. ( وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ... وَ لِيَأْخُذُوا حِدْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ )

11. خداوند ، پیامبرش را از توطئه ها و نقشه های پنهانی دشمن آگاه می کند. ( با توجه به شأن نزول که ولید قصد کرد تا هنگام نماز جماعت حمله کند و با این آیه طرح او لغو شد. )

12. حرکت با اخلاص شما ، سبب امدادهای الهی در وقت خود است. ( نزول این آیه و فرمان نماز خوف ، یک امداد الهی در مقابل آن توطئه بود. )

13. در جبهه ، مراسم عبادی نباید طولانی شود و کارهای مانع هوشیاری ، ممنوع است. ( وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ )

14. از آرزوهای دشمن ، آگاه باشید. ( وَ الَّذِينَ )

15. عبادت ، وسیله ی غفلت از دشمن نشود. ( تَغْفُلُونَ )

16. احتمال غفلت در مسلمانان واقعی ضعیف است. ( کلمه ( لَوْ ) در جمله ( لَوْ تَغْفُلُونَ ) نشانه ی این معناست. )

17. با هوشیاری ، باید از امکانات نظامی و اقتصادی حفاظت کرد. ( أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْتِعَتِكُمْ )

18. غفلت امت اسلامی ، شیخون کفار را در پی خواهد داشت. ( مَيْلَةً وَاحِدَةً )

19. هر سخن و برنامه و حرکتی که مسلمانان را غافل کند، گامی است در جهت اهداف و خواسته های دشمن. (وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ)

20. مرض و ضرر ملاک و مجوز معافیت از جبهه و سربازی است. (بِكُمْ أَدَى... أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى)

21. بارانی مجوز زمین گذاشتن اسلحه است که با ضرر و آزار همراه باشد. در باران بی ضرر رزمنده سلاح بر زمین نمی گذارد. (بِكُمْ أَدَى مِنْ مَطَرٍ)

22. در هیچ حالی، رزمنده نباید از وسایل حفاظتی دور باشد. حتی اگر اسلحه ندارد، زره بر تن داشته باشد. (خُذُوا حِذْرَكُمْ)

23. تهدید کفار و امید و دل گرمی دادن به مؤمنان، از شیوه های قرآن است. (أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا)

24. در آینده، ذلت از آن کافران است. (لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا)

## نماز و دعا در همه حال

( فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ) ( نساء ، آیه 103 )

پس چون نماز را به پایان بردید ، خداوند را در ( همه ) حال ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده یاد کنید ، پس هر گاه آرامش یافتید ( و حالت خوف تمام شد ) نماز را ( به صورت کامل ) برپا دارید. همانا ، نماز بر مؤمنان در وقت های معین واجب شده است.

### نکته ها :

کلمه ی ( قِيَامًا ) جمع « قائم » به معنای ایستاده و کلمه ی ( قُعُودًا ) جمع « قاعد » به معنای نشسته و کلمه ی « جُنُوب » جمع « جَنب » به معنای پهلو و کنایه از دراز کشیدن است.

هم چنین کلمه ی « كِتَابًا » به معنای امری نوشته شده و واجب و کلمه ی « مَوْقُوتًا » به معنای کاری با وقت معین است.

حضرت علی ( علیه السلام ) درباره ی آیه ( فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ ) فرمودند : یعنی شخص سالم ایستاده ، مریض نشسته و کسی که نشسته نمی تواند ، خوابیده نماز بخواند.

امام باقر ( علیه السلام ) درباره ی ( كِتَابًا مَوْقُوتًا ) فرمودند : یعنی مفروض و واجب.

### پیام ها :

1. کمبودهای نماز خوف ، با یاد خدا جبران می شود. ( فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ )

2. نماز و یاد خدا در هر حال لازم است، در جبهه ی جنگ یا بستر بیماری. (قیاماً وَفُعُوداً وَعَلَى جُنُوبِكُمْ)

3. نماز خوف، یک استثناست. پس از بر طرف شدن حالت اضطرار، نماز باید به صورت عادی خوانده شود. (فَإِذَا أَطْمَأَنَّتُمْ فَاقْضُوا الصَّلَاةَ)

4. نماز، از واجبات قطعی الهی در همه ی عصرها و برای همه ی نسل ها است. (كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً)

5. وجوب هر نماز، در وقت مخصوص خودش است. (مَوْقُوتاً)

### نماز ریایی، نشانه منافق

(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا) (نساء، آیه 142)

همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند در حالی که خداوند (به کیفر عملشان) با آنان مکر می کند. و هرگاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.

### نکته ها :

منافق، کسی است که در ظاهر احکام دینی را به جای می آورد، اما انگیزه های او الهی نیست. نماز می خواند، اما از روی ریاکاری، کسالت و غفلت. او گمان می کند با این روش خدا را فریب می دهد در حالی که نمی داند خودش را فریب داده و خداوند به درون او آگاه است و جزای فریب کاری او را می دهد.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: چون خداوند، جزای خدعه آنان را می دهد، به این کیفر الهی، خدعه گفته می شود.

نماز مطلوب، عاشقانه، خالصانه و دائمی است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آنان که نماز را به آخر وقت می اندازند و فشرده می خوانند، نماز منافقان را انجام می دهند.

قرآن نسبت به مؤمنان جمله ی (أَقَامُوا الصَّلَاةَ) به کار می برد ولی درباره ی منافقان جمله ی (قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ) و تفاوت میان (أَقَامُوا) و (قَامُوا) تفاوت میان بر پاداشتن و به پا خاستن است.

## پیام ها:

1. فریب کاری، بی نشاطی در نماز، ریا کاری و غفلت از یاد خدا، از نشانه های نفاق است. (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ، يُرَاؤْنَ لَا يَذْكُرُونَ )

2. منافقان بدانند که با خدا طرفند. ( وَهُوَ خَادِعُهُمْ )

3. کیفر خدا متناسب با عمل است. ( يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ )

4. نماز منافقان، نه روحیه و نشاط دارد، نه انگیزه، نه مقدار. (كُسَالَى، يُرَاؤْنَ، قَلِيلًا)

## اقامه نماز ، یکی از ویژگی های دانشمندان واقعی

( لٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ) ( نساء ، آیه 162 )

ولی راسخان در علم از یهود و مؤمنان ، به آن چه بر تو و آن چه پیش از تو نازل شده است ایمان دارند. و به ویژه برپا دارندگان نماز ، و ادا کنندگان زکات ، و ایمان آورندگان به خدا و قیامتند. به زودی آنان را پاداش بزرگی خواهیم داد.

### نکته ها :

از این که بارها در قرآن جمله ی ( وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ) آمده و یک بار هم عبارت ( مِنْ بَعْدِكَ ) نیامده است ، خاتمیّت دین اسلام را می توان فهمید.

در حدیث آمده است : آن که زکات نمی پردازد ، نمازش قبول نیست. پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) نماز گزارانی را که زکات نپرداخته بودند ، از مسجد بیرون می کرد. به فرموده ی قرآن ، نماز گزار واقعی بخیل نیست. ( إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ، إِنَّا الْمُصَلِّينَ )

### پیام ها :

1. در انتقاد باید انصاف داشت. در این آیه مؤمنان یهود از ظالمان و حرام خواران استثنا شده اند. ( لٰكِنِ الرَّاسِخُونَ... مِنْهُمْ )
2. دانشی ارزشمند است که ریشه و رسوخ در جان داشته باشد. ( الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ )
3. هدف و باورهای مشترک مهم است ، نه نژاد و قبیله و زبان. ( الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ )



4. ایمان به همه ی اصول در همه ی ادیان الهی لازم است. ( بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ )

5. با آن که نماز و زکات ، در همه ی ادیان بوده است ، ولی به خاطر اهمیت آن دو جداگانه ذکر شده اند. ( بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ... )

6. نماز از زکات جدا نیست و اهل نماز باید اهل انفاق های مالی هم باشند. ( الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ )

7. نماز جایگاه مخصوص دارد. ( همه ی جملات آیه با واو و نون آمده ( الرَّاسِخُونَ ، الْمُؤْمِنُونَ ، الْمُؤْتُونَ ) ، ولی درباره نماز به جای ( مقيمون ) کلمه ی ( الْمُقِيمِينَ ) به کار رفته که در زبان عربی ، نشانه ی برجستگی آن است. )

ص: 49

## طهارت، شرط درستی نماز

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ) (مانده، آیه 6)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه به نماز برخاستید، پس صورت و دست هایتان را تا آرنج بشوید و قسمتی از سر و پاهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید و اگر جنب بودید، خود را پاک کنید (و غسل نمایید)، و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از محل گودی (محل قضای حاجت) آمده یا با زنان تماس گرفتید (و آمیزش جنسی کردید) و آبی (برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید، پس (قسمتی از) صورت و دستانتان را از آن خاک (که بر دستانتان مانده) مسح کنید، خداوند نمی خواهد که شما را در تنگی قرار دهد؛ بلکه می خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما کامل سازد، شاید شما شکر گزار باشید.

### نکته ها :

در آیه ی 43 سوره ی نساء، به موضوع غسل و تیمم اشاره شد، در این جا علاوه بر آن دو، به مسأله ی وضو هم اشاره شده است. واژه ی «قیام»، هرگاه با حرف «الی» همراه شود، به معنای اراده کردن است. (إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ)

یعنی هرگاه تصمیم به نماز خواندن گرفتید. کلمه ی « جنب » ، به زن و مرد ، مفرد و جمع ، به طور یکسان اطلاق می شود. مراد از فرمان ( فَاطَهُرُوا ) انجام غسل است. به قرینه این که در آیه ی 43 سوره ی نساء به جای ( فَاطَهُرُوا ) ، ( تَغْتَسِلُوا ) فرموده است.

قید (إِلَى الْمَرَافِقِ) ، برای بیان محدوده ی شستن است ، نه جهت شستن. از آن جا که کلمه ی « ید » در زبان عربی ، هم به دست ، از انگشتان تا مچ و هم به دست ، از انگشتان تا آرنج و هم به دست ، از انگشتان تا کتف ، اطلاق می شود این آیه می فرماید : در وضو ، دست تا آرنج را بشوید ، نه کم تر و نه بیش تر.

در تیمم ، روح بندگی نهفته است ؛ چون دست به خاک زدن و مالیدن آن به پیشانی که بلندترین عضو بدن است همراه با قصد قربت ، نوعی تواضع و خاکساری در برابر خداست.

« صَعِيدٌ » از « صعود » به معنای زمین بلند است. امام صادق ( علیه السلام ) در تفسیر ( صَعِيداً طَيِّباً ) فرمودند : زمین بلندی که آب از آن سرازیر شود. آری ، زمین گودی که آب آلوده در آن جمع می شود ، برای تیمم مناسب نیست ، زیرا شرط تیمم ، خاک پاک است.

در حدیث می خوانیم : ( لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطُهْرٍ ) ، نماز جز با طهارت ( وضو یا غسل یا تیمم ) صحیح نیست.

در حدیث می خوانیم : ( إِبْدَأْ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ ) از همان جا آغاز کن که خداوند در قرآن آغاز کرده است. همان گونه که در قرآن ابتدا شستن صورت ، بعد دست ها و بعد مسح سر و بعد مسح پا آمده است ، ترتیب وضو نیز همین گونه است. از امام سؤال شد که چرا در وضو بخشی از سر مسح می شود ؟ فرمودند : ( لِمَكَانِ الْأَبَاءِ ) به خاطر حرف « باء » در کلمه ی ( بِرُءُوسِكُمْ ) زیرا معنای آن قسمتی

از سر است و اگر آیه (وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ) بود در آن صورت باید همه ی سر را مسح می کردیم.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: (مراد از (لَامَسْتُمْ)، آمیزش جنسی است؛ ولی خدا آن را پوشانده و پوشاندن اموری را دوست دارد؛ لذا آن گونه که شما نام می برید، نام نبرده است).

امام رضا (علیه السلام) درباره ی فلسفه ی وضو می فرماید:

(يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ)، زمینه پاکی هنگام ایستادن در برابر خداست.

(مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ)، نشانه ی بندگی و اطاعت است.

(قِيًّا مِنَ الْأَذْنَابِ وَالنَّجَاسَةِ)، عامل دوری از آلودگی ها و نجاست است.

(ذَهَابِ الْكَسَلِ وَطَرْدِ النَّعَاسِ)، مایه ی دوری از کسالت و خواب آلودگی است.

(وَتَرْكِيَةِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ)، آماده سازی و رشد روحی برای نماز است.

## پیام ها:

1. نظافت و طهارت، لازمه ی ایمان است. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... فَأَغْسِلُوا... فَاطَّهَّرُوا)
2. طهارت، شرط نماز است. (فَأَغْسِلُوا)
3. هم چنان که تماس با قرآن مخصوص پاکان است، (لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) ارتباط با خدا هم نیاز به طهارت دارد. (فَأَغْسِلُوا)
4. آلودگی جسم، مانع قرب به خداست. (إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا)
5. اصل در کلام، رعایت حیا و عفت و ادب است، به خصوص در مسائل زناشویی.

(لَا مَسَّ لَكُمْ مِنَ الْمَاءِ الْغَيْثِ) البته در مسائل حقوقی، برای این که حقی ضایع نشود، قانون روشن و بی پرده بیان می شود. مثل آیه (دَخَلْتُمْ بُيُوتَكُمْ) که در مورد مهریه است.

6. شرایط و مقدمات نماز، تخفیف بردار هست، ولی تعطیل بردار نیست. (فَلَمَّ تَجَدُّوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا)

7. باید برای پیدا کردن آب وضو و غسل تلاش کرد، اگر پیدا نشد، آنگاه نوبت به تیمم می رسد. (فَلَمَّ تَجَدُّوا) در جایی است که انسان تلاش کند ولی نیابد. (تلاش کند ولی نیابد.)

8. با آب یا خاک آلوده، نمی توان با خدای پاک، ارتباط برقرار کرد. (صَعِيداً طَيِّباً)

9. هم خوردنی ها باید طیب باشد که در دو آیه ی قبل به آن اشاره شد، هم تیمم باید به خاک طیب باشد. (صَعِيداً طَيِّباً)

10. در احکام دین، حرج و دشواری نیست. (مَا يُرِيدُ اللَّهُ... مِنْ حَرْجٍ)

11. هدف از وضو و غسل و تیمم، طهارت معنوی و آمادگی برای ارتباط با خداوند است. (لِيُطَهِّرَكُمْ)

12. تکالیف الهی، برای انسان نعمت است. (لِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ)

13. انجام تکلیف، یکی از مصادیق شکر خداست. (لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)

## نماز ، سرآمد فرامین الهی در ادیان پیشین

( وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ) ( مائده ، آیه 12 )

و به تحقیق خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت ، و از میان آنان دوازده سرپرست ( برای دوازده طایفه ) برانگیختیم ، و خداوند ( به آنان ) فرمود : من با شمایم ، اگر نماز به پا دارید و زکات پردازید و به پیامبرانم ایمان آورده و یاریشان کنید و به خداوند وامی نیکو دهید ، قطعاً گناهاتتان را می پوشانم و شما را به باغ هایی وارد می کنم که نهرها زیر ( درختان ) آن جاری است. پس از این ، هر کس از شما کافر شود ، به راستی از راه راست منحرف شده است.

### نکته ها :

( عَزَّرْتُمُوهُمْ ) ، « عزز » به معنای یاری کردن همراه با احترام است.

( سَوَاءَ السَّبِيلِ ) ، به وسط راه می گویند که انحراف از آن ، سقوط را به همراه دارد.

نقبای بنی اسرائیل ، وزرای حضرت موسی ( علیه السلام ) و سرپرستان دوازده طایفه از آنان بودند. از رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) روایت است که فرمود : خلفای پس از من دوازده نفرند ، به تعداد نقبای بنی اسرائیل. مخالفان راه اهل بیت ، بسیار کوشیدند که این عدد را بر خلفای راشدین ، خلفای بنی امیه و خلفای بنی عباس منطبق سازند ، با این که با هیچ کدام جور نمی آید. و این تلاش بیهوده در حالی است که ده ها حدیث از زبان پیامبر خدا ( صلی

الله علیه و آله ) که نام این دوازده تن را در بردارد ، در کتب معتبر شیعه و سنی به چشم می خورد که نخستین آنان علی ( علیه السلام ) و آخرینشان حضرت مهدی ( علیه السلام ) است.

## پیام ها :

1. نماز ، زکات ، یاری انبیا و انفاق ، در برنامه های ادیان الهی قبل نیز بوده است. ( ميثاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ... )
2. همراهی خداوند با ما چند شرط دارد : نماز ، زکات ، ایمان ، نصرت انبیا ، انفاق. ( إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ ... )
3. ایمان به انبیا به تنهایی کافی نیست ، یاری آنان هم لازم است. ( وَعَزَّرْتُمُوهُمْ )
4. انجام همه ی واجبات کارساز است ، گرچه انجام هر یک دارای فایده است. ( لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ... وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ )
5. کمک به خلق خدا ، کمک به خداست. ( أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ ) به جای ( أقرضتم الناس )
6. انفاق باید به شیوه ای نیکو باشد. ( از مال خوب ، با نیت خوب ، با سرعت و بدون منت. ) ( قَرْضًا حَسَنًا )
7. رهبر جامعه باید از سوی خدا تعیین شود و برگزیدگان انبیا هم باید به فرمان خداوند باشند. ( بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا )
8. نماز و زکات و انفاق ، در کنار پذیرش و یاری رهبران الهی مفهوم دارد. ( أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّزْتُمُوهُمْ )
9. رهبر ، اگر از خود مردم باشد ، موفق تر است. ( بَعَثْنَا مِنْهُمُ )
10. بهشت را به ( بها ) دهند ، نه به بهانه. اگر نماز ، زکات ، ایمان ، امداد و انفاق بود ، بهشت هم هست. ( لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ... لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ )

11. بهشت، جای آلودگان نیست، ابتدا باید پاک شد، آنگاه به بهشت رفت. ( لا كَفْرَنَ... لا ذَخِلَنكُم )

12. راه دستیابی به عفو خدا، ایمان و عمل صالح است. ( آمَنْتُمْ.. وَأَقْرَضْتُمْ.. لا كَفْرَنَ )

13. بعد از اخذ میثاق و اتمام حجّت و بیان شرایط دریافت الطاف الهی، راه عذر و بهانه برای کسی نیست. ( فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ )

14. هر کس به دستورهای الهی کفر ورزد، از مسیر اعتدال خارج شده است. ( فَمَنْ كَفَرَ... فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ) ( آری، اقامه ی نماز، پرداخت زکات، ایمان به انبیا و وفاداری به پیمان ها، راه میانه ای است که نافرمانان آن را گم کرده اند. )

## نماز و ولایت

( إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ) ( مائده، آیه 55 )

ولی و سرپرست شما، تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

## نکته ها :

در شأن نزول آیه آمده است : سائلی وارد مسجد شد و از مردم درخواست کمک کرد. کسی چیزی به او نداد. حضرت علی ( علیه السلام ) در حالی که به نماز مشغول بود، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید. در تکریم این بخشش، این آیه نازل شد.

ص: 56



ماجرای فوق را ده نفر از اصحاب پیامبر مانند: ابن عباس، عمّار یاسر، جابر بن عبد الله، ابوذر، انس بن مالک، بلال و... نقل کرده اند و شیعه و سنی در این شأن نزول، توافق دارند.

عمّار یاسر می گوید: پس از انفاق انگشتر در نماز و نزول آیه بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

( مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ ).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در غدیر خم، برای بیان مقام حضرت علی (علیه السلام) این آیه را تلاوت فرمود.

و خود علی (علیه السلام) نیز برای حقانیت خویش، بارها این آیه را می خواند. « 4 » ابوذر که خود شاهد ماجرا بوده است، در مسجد الحرام برای مردم داستان فوق را نقل می کرد. « 5 »

کلمه ی « ولی » در این آیه، به معنای دوست و یاور نیست، چون دوستی و یاری مربوط به همه مسلمانان است، نه آنان که در حال رکوع انفاق می کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: منظور از (الَّذِينَ آمَنُوا...)، علی (علیه السلام) و اولاد او (علیهم السلام) تا روز قیامت هستند. پس هر کس از اولاد او به جایگاه امامت رسید با این ویژگی مثل اوست، آنان در حال رکوع صدقه می دهند.

مرحوم فیض کاشانی در کتاب نوادر، حدیثی را نقل می کند که بر اساس آن سایر امامان معصوم نیز در حال نماز و رکوع به فقرا صدقه داده اند که این عمل با جمع بودن کلمات (يُقِيمُونَ، يُؤْتُونَ، رَاكِعُونَ) سازگارتر است.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: « خداوند پیامبرش را دستور داد که ولایت علی (علیه السلام) را مطرح کند و این آیه را نازل کرد. »

بهترین معرفی آن است که اوصاف و خصوصیات کسی گفته شود و مخاطبان، خودشان مصداق آن را پیدا کنند. (آیه بدون نام بردن از علی (علیه السلام)، اوصاف و افعال او را برشمرده است)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «علی (علیه السلام) هزاران شاهد در غدیر خم داشت، ولی نتوانست حقّ خود را بگیرد، در حالی که اگر یک مسلمان دو شاهد داشته باشد، حقّ خود را

می گیرد!»

ولایت فقیه در راستای ولایت امام معصوم است. در مقبوله ی عمر بن حنظله از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: «به آن کس که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر کند و احکام ما را بشناسد، بنگرید. پس به حکومت او راضی باشید که من او را بر شما حاکم قرار حاکم قرار دادم. (فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...)

## پیام ها :

1. اسلام، هم دین ولایت است و هم دین برائت. هم جاذبه دارد و هم دافعه. آیات قبل، از پذیرش ولایت یهود و نصارا نهی کرد، این آیه می فرماید: خدا و رسول و کسی را که در رکوع انگشتر داد، ولی خود قرار دهید. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا... إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...)

2. از این که به جای «اولیائکم»، «ولیکم» آمده، ممکن است استفاده شود که روح ولایت پیامبر و علی (علیهما السلام)، شعاع ولایت الهی است. (وَلِيُّكُمْ)

3. در قرآن معمولاً نماز و زکات در کنار هم مطرح شده است؛ ولی در این آیه، هر دو به هم آمیخته اند. (دادن زکات در حال نماز) (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

4. کسانی که اهل نماز و زکات نیستند، حقّ ولایت بر مردم را ندارند. (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ... ) (إِنَّمَا)، نشانه ی انحصار ولایت در افراد خاصّ است)

ص: 58

5. برای توجّه به محرومان ، نماز هم مانع نیست. (يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (آری ، فقیر نباید از جمع مسلمانان دست خالی برگردد. )
6. ولایت از آن کسانی است که نسبت به اقامه ی نماز و پرداخت زکات پایدار باشد. (يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ... ) ( (يَقِيمُونَ) و (يُؤْتُونَ) (نشانه دوام است )
7. هرگونه ولایت ، حکومت و سرپرستی که از طریق خدا و رسول و امام نباشد ، باطل است. (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ... ) (کلمه (إِنَّمَا) علامت حصر است )
8. توجّه به خلق برای خدا در حال نماز ، با اقامه نماز منافات ندارد. (يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)
9. کسی که نسبت به فقرایی تفاوت باشد ، نباید رهبر و ولیّ شما باشد. (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ... وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ)
10. کارهای جزئی ( مثل انفاق انگشتر ) نماز را باطل نمی کند. (يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)
11. در فرهنگ قرآن ، به صدقه مستحبّی هم (زکات) گفته می شود. (يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ)
12. ولایت ها در طول یک دیگرند ، نه در عرض یک دیگر. ولایت بر مسلمانان ، ابتدا از آن خداوند است ، سپس پیامبر ، آنگاه امام. ( إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا... )

(وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بَأْنَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ) (مائده، آیه 58)

و هرگاه که شما (به وسیله ی اذان، مردم را) به نماز فرا می خوانید آن را به مسخره و بازی می گیرند. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی اندیشند.

### نکته ها :

در شأن نزول آیه آمده است که جمعی از یهود و بعضی از مسیحیان، صدای مؤذن را که می شنیدند و یا قیام مسلمانان را به نماز می دیدند ، آنان مسخره و استهزا می کردند.

### پیام ها :

1. از رابطه و دوستی با کسانی که اذان (و شعائر دینی) را مسخره می کنند، بپرهیزید. (لا تَتَّخِذُوا... وَإِذَا نَادَيْتُمْ...)
2. نماز، چهره و مظهر دین است. (در آیه ی قبل، استهزای دین مطرح شد در این آیه استهزای نماز، یعنی نماز سیمای دین است) (اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا... وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا)
3. برای نماز، باید ندا سر داد تا همه داد تا همه جمع شوند. (نادیْتُمْ) (نماز باید علنی باشد)
4. در جامعه اسلامی، باید برای نماز، فریاد زد و تبلیغ کرد و هیچ کس نباید مانع آن گردد. (نادیْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ)
5. شیوه ی عاقلان، برخورد منطقی است ولی بی خردان اهل استهزا هستند. (ذَلِكَ بَأْنَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ)

## دشمنی شیطان با نماز

( أَنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ) ( مائده ، آیه 91 )

همانا شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار ، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس ( با این همه مفسد ) آیا دست بر می دارید؟

### نکته ها :

با آن که طبق آماری که ارائه می شود ، بسیاری از قتل ها ، جرائم ، تصادفات ، طلاق ها ، امراض روانی ، کلیوی و... ناشی از شراب است ، اما قرآن در این آیه در بیان فلسفه ی تحریم ، روی دو نکته تأکید دارد : یکی ضرر اجتماعی یعنی کینه و عداوت و دیگری ضرر معنوی یعنی غفلت از نماز و یاد خدا.

این آیه برجسته ترین اثر شراب و قمار را باز داشتن از یاد خدا و نماز دانسته است ، اکنون جای این سؤال است که اگر کارهای عادی مثل : تجارت ، ورزش ، تحصیل و مطالعه و امثال آن نیز ما را سرگرم کرده و از یاد خدا و نماز باز دارد ، آیا مانند شراب و قمار است ؟ آری ، هر چه ما را از خدا غافل کند ، مانند شراب و قمار ، ناپسند است ، گر چه اسلام به خاطر لطف و آسان گرفتن ، آن را حرام نکرده باشد.

### پیام ها :

1. هر کس که عامل کینه و عداوت در میان مردم شود ، مانند شیطان است.

( إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ ... )

2. تحریکات شیطان دائمی است. ( إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ )

ص: 61

3. جامعه ای که در آن عداوت باشد، شیطانی است (إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ...)

4. از الفت و وحدت پاسداری کنیم و با هر آن چه آن ها را از بین می برد، مبارزه کنیم. (إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ)

5. الفت و مهربانی بین اهل ایمان، مورد عنایت خاص خداوند است. (إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ)

6. قمار و شراب، ابزار کار شیطان برای ایجاد کینه و دشمنی است. (إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ... فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ)

7. نماز برترین سمبل یاد خداست. (با این که نماز ذکر خداست، نام آن جداگانه آمده است) (عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ)

8. بیان فلسفه ی احکام، یکی از عوامل تأثیر کلام در دیگران است. (الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ... فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)

9. با تمام عواملی که باعث ایجاد کینه و دشمنی می شود، باید مبارزه کرد. (يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ... فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)

10. در صدر اسلام برخی از مسلمانان، علی رغم تحریم شراب و قمار، باز بدان مشغول بودند، مورد توبیخ خداوند قرار گرفتند. (فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ازْتَبْتُمْ لَا نُشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَيْمِينَ ) ( مائده ، آیه 106 )

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه ( نشانه های ) مرگ یکی از شما فرارسد ، از میان خود دو نفر عادل را هنگام وصیت به شهادت و گواهی فرا خوانید. و اگر در مسافرت بودید و مصیبت مرگ به سراغ شما آمد ( و شاهد مسلمانی نبود ) دو تن از غیر ( هم کیشان ) تان را به گواهی بطلبید و اگر ( در صداقت آنان ) شک کردید ، پس از نماز آن دو را نگاه دارید تا به خداوند قسم یاد کنند که ما حاضر نیستیم حق را به هیچ قیمتی بفروشیم ، هر چند در مورد فامیل باشد و هرگز شهادت الهی را پنهان نمی کنیم ، که در این صورت از گناه کارانیم.

### نکته ها :

مسلمانی به نام « ابن ابی ماریه » همراه دو مسیحی به نام های تمیم و عدی که برادر بودند ، به سفر تجاری رفتند. مسلمان بیمار شد ، وصیت نامه ای نوشت و آن را میان وسایل خود پنهان کرد و اموال خود را به آن دو مسیحی داد که به وارثان بدهند. پس از مرگش ، آن دو نفر در میان اثاثیه ی او اجناس گران بهایی دیده و برداشتند ، پس از مراجعت به مدینه ، باقی آن ها را به وارثان دادند. ورثه ، وصیت نامه را در میان وسایل دیدند که صورت همه ی اثاثیه در آن ثبت شده بود. چون مطالبه کردند ، آن دو مسیحی انکار کردند ، شکایت را نزد پیامبر بردند ، در این هنگام بود که آیه ی فوق نازل شد. طبق حدیثی از اصول

کافی ، پیامبر از آن دو سوگند گرفت و تبرئه شان کرد ؛ ولی چون دروغشان از طریق نامه کشف شد ، حضرت بار دیگر آن دو را احضار کرد. وارثان سوگند یاد کردند که اجناس دیگری هم بوده و آن ها را پس گرفتند.

## پیام ها :

1. آستانه ی مرگ ، آخرین فرصت برای وصیت کردن است. ( إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ )
2. هنگام وصیت ، مؤمن باید دقت های لازم را به کار بندد. ( حِينَ الْوَصِيَّةِ اِثْنَانِ ذُوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ )
3. برای ادای حق مردم ، دو شاهد عادل بگیرید. ( اِثْنَانِ ذُوَا عَدْلٍ )
4. برای ادای حق مردم ، اگر مسلمان حضور نداشت ، با غیر مسلمان کار را محکم کنید. ( غَيْرِكُمْ ) ( لکن غیر مسلمانی که خداوند را قبول داشته باشد تا بتواند به نام مقدّس او سوگند یاد کند ) ( فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ )
5. مراعات حقوق مردم همه جا مهم است و مکان بردار نیست. ( صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ )
6. برای پرداخت حق ، هرگونه شک را دفع کنید. ( تَحْسِبُونَهُمَا... إِنْ اِزْتَبْتُمْ )
7. سوگند ، یکی از راه های شک زدایی است. ( فَيُقْسِمَانِ )
8. تنها سوگند به نام « الله » ارزشمند و معتبر است. ( فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ )
9. برای ادای حق از صحنه های مذهبی و ملکوتی و مکان ها و زمان های مقدّس کمک بگیریم. ( مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ )
10. یکی از عوامل انحراف ، رسیدن به پول است. ( لَا نُسْتَرِي بِهِ ثَمَنًا )
11. یکی از عوامل انحراف ، محبت و علاقه های فامیلی است. ( لَا نُسْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى )



12. تنها موردی که متن « سوگند نامه » از طریق وحی ، دیکته شده است ، « حَقِّ النَّاسِ » است. ( لَا نُسْتَرِي... )

13. کتمان حَقِّ و خیانت در گواهی ، عادل را فاسق می کند و در همه ادیان الهی ، حرام شمرده شده است. ( ذُوا عَدْلٍ ) ، می شود ( لَمِنَ الْأَيْمِينَ )

## رابطه نماز و معاد

( وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ) ( انعام ، آیه 72 )

و ( به ما امر شده که ) نماز بر پا دارید و از خداوند پروا کنید ، و اوست آن که همگان نزدش محشور می شوید.

## نکته ها :

در آیه ی 72 از میان همه ی وظایف به « نماز » و از میان همه ی عقائد به « معاد » اشاره شده است و این اهمیت آن ها را می رساند.

در یکتا پرستی ، آرامش و تمرکز است ، ولی در شرک و چندگانه پرستی ، گیجی و تحیر. ( أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ) آیا چند ارباب گوناگون بهتر است یا یک خدای قهار ؟

خداوند هم یکی است : ( قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ) و هم زود راضی می شود « یا سریع الرضا » ، ولی غیر خدا هم زیادند و هم هر کدام توقعات گوناگونی دارند و زود راضی نمی شوند.

## پیام ها :

1. با سؤال وجدان ها را تحریک کنید. ( قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ )

2. شرک ، غیر منطقی است ، چون انگیزه ی پرستش ، کسب سود یا دفع ضرر است و بت ها قادر به هیچ نفع و ضرر رساندن نیستند. ( لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا )

ص: 65

3. از گزینه‌ی منفعت خواهی مردم، در راه تبلیغ و تربیت آنان استفاده کنیم. ( لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا )

4. شرک، نوعی عقب‌گرد و ارتجاع اعتقادی است. ( نَتَرَدُّنَا عَلٰی اَعْقَابِنَا )

5. شرک، مایه‌ی سرگردانی و تحیر است. ( حَيْرَان )

6. در برابر انحرافات، باید موضع‌گیری صریح و مکرر داشت. ( قُلْ اٰتَدْعُوْا... قُلْ اِنِّ هُدٰى اللّٰه... )

7. تسلیم خدا شدن، مایه‌ی رشد خود ماست. ( لِمُسْلِمٍ لِّرَبِّ الْعَالَمِيْنَ )

8. نماز، همراه تقوا کار ساز است. ( اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقُوْهُ )

9. ایمان به معاد و رستاخیز، عامل پیدایش تقوا در انسان است. ( وَ اتَّقُوْهُ وَ هُوَ الَّذِيْ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ )

### خدا محوری در زندگی

( قُلْ اِنِّ صَلَاتِيْ وَ نُسُكِيْ وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِيْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ) ( انعام، آیه 162 )

و: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

### پیام ها:

1. راه و روش و هدف خود را در برابر راه‌های انحرافی، با صراحت و افتخار اعلام کنیم. ( قُلْ )

2. با آن که نماز، جزو عبادات است، ولی، جدا ذکر شده تا اهمیت آن را نشان دهد. ( صَلَاتِيْ وَ نُسُكِيْ )

ص: 66

3. انسان های مخلص ، مسیر تکوینی ( مرگ و حیات ) و مسیر تشریحی خود ( نماز و نُسُك ) را فقط برای خداوند عالمیان می دانند. ( إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ )

4. آن گونه که در نماز قصد قربت می کنیم ، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می توان قصد قربت کرد. ( مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ ... )

5. مرگ و حیات مهم نیست ، مهم آن است که آن ها برای خدا و در راه خدا باشد. ( مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ )

6. آن چه برای خدا باشد ، رشد می کند. ( لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ )

7. مرگ و زندگی دست ما نیست ، ولی جهت دادن به آن دست ماست. ( لِلَّهِ )

8. اخلاص در کارها ، فرمان الهی است. ( بِذَلِكَ أُمِرْتُ )

9. پیشوای جامعه ، باید در پیمودن راه و پیاده کردن فرمان الهی ، پیشگام باشد. ( أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ )

### اصلاح واقعی در پرتو قرآن و نماز

( وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ) ( اعراف آیه 170 )

و کسانی که به کتاب ( آسمانی ) تمسک می جویند و نماز را به پا داشته اند ( بدانند که ما ) قطعاً پاداش اصلاح گران را تباہ نخواهیم کرد.

### نکته ها :

در روایات آمده است : این آیه بیانگر ویژگی های اهل بیت ( علیهم السلام ) و شیعیان آنان می باشد.

ص: 67

قرآن ، همواره در کنار اکثریت مفسد ، اقلیت صالح را هم مطرح می کند. ( در آیه ی قبل انتقاد و در این آیه ، ستایش است )

( الْكِتَابِ ) ، شامل همه ی کتاب های آسمانی می شود و مفهوم آیه اختصاص به پیروان دین خاص و یا کتاب خاصی ندارد ، ولی با توجه به آیات گذشته ، شاید مراد تورات باشد.

در این آیه از گروهی که به کتاب آسمانی تمسک می کنند تقدیر شده ، اما جای دیگر کسانی را که کتاب در اختیارشان است ، ولی به آن تمسک نمی کنند ، به الاغی تشبیه کرده که بار کتاب حمل می کند. ( مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْإِمْبَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا ) ( « مصلح » ) ، هم به کسی که در صدد اصلاح خویش است و هم به کسی که در تلاش برای اصلاح جامعه است ، گفته می شود.

با این که نماز ، جزو محتوای کتاب آسمانی است ، ولی به دلیل اهمیت آن ، به طور جداگانه ذکر شده است ، زیرا نماز ستون دین است و اقامه ی دین بستگی به آن دارد. چنان که پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) فرمودند : ( الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ ) و یا در جای دیگر فرمودند : هر چیزی دارای صورتی است و سیمای دین شما نماز است ، پس نباید سیمای دین خودتان را خراب کنید. ( وَ وَجْهَ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يُشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِكُمْ )

## پیام ها :

1. تلاوت ، حفظ ، چاپ و نشر کتاب آسمانی ، کافی نیست ، بلکه باید به آن عمل کرد تا نجات بخش باشد. ( يُمَسْكُونُ ) ( چنان که عمل به نسخه ی پزشک ، تنها راه درمان است. )
2. در ادیان و کتاب های آسمانی گذشته نیز نماز بوده است. ( أقاموا الصَّلَاةَ )
3. افراد بی نماز و جاهل به کتاب خدا ، نمی توانند مصلح کامل باشند.

( يُمْسِكُونَ بِالْكِتَابِ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ... الْمُصَلِّحِينَ )

4. دین علاوه بر آثار اخروی ، در اصلاح زندگی دنیوی نیز نقش دارد. ( الْمُصَلِّحِينَ )

5. اقامه ی نماز ، وسیله اصلاح جامعه است. ( أَقَامُوا الصَّلَاةَ الْمُصَلِّحِينَ ) ( اقامه یعنی اهتمام کامل به برپایی نماز در تمام شئون زندگی ، نه صرف خواندن نماز )

6. اصلاح واقعی ، دو شرط دارد : تمسک کردن به قانون الهی و رابطه ی استوار داشتن با خدا از طریق اقامه ی نماز. ( تمام آیه )

### توکل و اقامه نماز

(إِتْمَانًا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (2) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (3)) ( انفال ، آیات 2 و 3 )

آنان که نماز را بر پا می دارند و از آن چه به ایشان روزی داده ایم ، ( به محرومان ) انفاق می کنند.

### نکته ها :

خداوند در دومین آیه ی این سوره می فرماید : ( إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ ) ، یاد خداوند دل های مؤمنان را مضطرب می کند ، ولی در جای دیگر می فرماید : ( أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ) ، با یاد خداوند دل ها آرام می گیرد. این دو آیه با هم منافاتی ندارد ، زیرا در یک جا ترس از عظمت خداوند است. و در جای دیگر اطمینان داشتن به خداوند.

چنان که در آیه ای دیگر می خوانیم : ( اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا نَقَّشَ عَرْمِئَهُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ )

ص: 69

ذِكْرَ اللَّهِ) کسانی که از خداوند خشیت دارند و با خواندن یا شنیدن قرآن پوست بدنشان می لرزد، پس از مدتی آرام شده، دل هایشان نرم می شود.

آری، یاد قهر و عقاب الهی دل مؤمن را می لرزاند و با یاد لطف و مهر الهی، دلش آرام می گیرد، هم چون کودکی که از والدین خود، هم می ترسد و هم به آنان دل گرم است.

(وجل)، به حالت اضطراب و خوف و ترس انسان گفته می شود که گاهی به خاطر درک مسئولیت ها و احتمال عدم انجام وظایف است و گاهی به خاطر درک عظمت مقام و هیبت الهی است. لذا در قرآن می خوانیم: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ) « 1 »، تنها بندگان عالم و آگاه از خداوند خشیت دارند.

### پیام ها :

1. آن که با شنیدن ندای اذان و آیات الهی بی تفاوت باشد، باید در کمال ایمان خود شک کند. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ)
2. ذکر خدا از سوی هر کس که باشد، در مؤمن اثر می گذارد. (إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ)
3. ایمان، با عشق و خشیت درونی همراه است. (الْمُؤْمِنُونَ... وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ)
4. ایمان، مراتب و درجاتی دارد و قابل کاهش و افزایش است. (زَادَتْهُمْ إِيْمَانًا)
5. ترسی که ریشه در جهل داشته باشد بد است، ولی ترسی که از معرفت سر چشمه بگیرد پسندیده است. (الْمُؤْمِنُونَ... وَجِلَّتْ)
6. هر آیه ی قرآن، حجت و دلیل و نوری است که می تواند بر ایمان بیافزاید. (إِذَا تَلَّيْت... زَادَتْهُمْ إِيْمَانًا)
7. مؤمن، میان بیم و امید است. (الْمُؤْمِنُونَ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ، يَتَوَكَّلُونَ)
8. کسی که تنها خداوند را ربّ خود می داند، به او توکل می کند. (عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)

9. نشانه‌ی ایمان کامل آن است که دل مؤمن با یاد خدا خشیت پیدا کند، ( وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ )، با تلاوت و یادآوری آیات الهی بر ایمانش افزوده شود، ( زَادَتْهُمْ إِيمَانًا ) و توکل بر خدا کرده، ( يَتَوَكَّلُونَ ) نماز را به پا دارد، ( يُقِيمُونَ ) و به دیگران نیز کمک می‌رساند. ( يُنْفِقُونَ )

10. رفتار هر کس، برخاسته از انگیزه‌ها، دیدگاه‌ها و اعتقادات اوست. ( إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ... يُقِيمُونَ... يُنْفِقُونَ )

11. اسلام، انفاق بخشی از مال و دارایی را لازم دانسته است، نه تمام آن را. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ) ( یکی از معانی « مِنْ »، تبعیض است )

12. نماز و انفاق شخص مؤمن مقطعی نیست؛ بلکه مستمر و دائمی است. ( يُقِيمُونَ... يُنْفِقُونَ )

13. انفاق، باید از مال حلال و روزی الهی باشد. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ) ( چون رزق را به خدا نسبت داده است و خداوند رزق حرام نمی‌دهد )

14. مؤمن، دارایی خود را بخشش الهی می‌داند، نه محصول دست رنج خویش و این عقیده، گذشت و انفاق را بر او آسان می‌کند. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ )

## با گرفتن قالب و محتوای عبادات از شارع، دچار اشتباه نشویم

(وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ) (انفال آیه 35)

(دعا و) نمازشان نزد بیت الله (کعبه)، جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به خاطر آن که کفر می ورزیدید، عذاب الهی را بچشید.

### پیام ها :

- 1- بی احترامی و انجام امور لغو و بیهوده، هم چون کف زدن و سوت کشیدن در مکان مقدّس، نشان دهنده ی لیاقت نداشتن برای تولیت آن مکان است. (إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَكْفِرُونَ... وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَ تَصَدِيَةً)
2. در طول تاریخ، مراسم مذهبی دست خوش تحریف و یا آمیخته به اموری لغو شده است. (صَلَاتُهُمْ... مُكَاءً وَ تَصَدِيَةً)
3. گاهی مقدّس ترین مراکز، صحنه ی بالاترین خرافات می شود. (عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَ تَصَدِيَةً)
4. کفر و بی احترامی به مقدّسات، عذاب الهی را به دنبال دارد. (مُكَاءً وَ تَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ)
5. لجاجت و استمرار در کفر و انحراف، عامل نزول عذاب است. (فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ)



## نماز و زکات، نشانه توبه واقعی

(فَإِذَا انْسَدَّ لَخِ الْأَشْدُّ هُرُّ الْحُرْمِ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصِرُوا لَهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (توبه، آیه 5)

پس چون ماه های حرام سپری شود، مشرکان را هر جا یافتید بکشید و دستگیر کنید و در محاصره قرار دهید و در همه جا به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات پرداختند، راهشان را باز کنید (و آزادشان بگذارید) که همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است.

### نکته ها :

کافرانی که 13 سال پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان را در مکه آزار دادند و پس از هجرت نیز 9 سال از هیچ توطئه ای فروگذار نکردند، مستحق سرکوبی شدیدند.

کلمه ی (حَيْثُ) «هم در مورد زمان به کار می رود و هم در مورد مکان، یعنی هر جا و هر زمان که مشرکان را یافتید.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: راه توبه از شرک، ایمان آوردن است.

### پیام ها :

1. پس از طیی همه ی مراحل دعوت، استدلال و پیمان بستن، اگر مشرکان باز هم توطئه و دشمنی کردند، برای سرکوبشان از همه ی شیوه ها استفاده کنید. مثل کشتن، اسیر گرفتن، راه بستن و محاصره. (فَاقْتُلُوا، خُذُوهُمْ، أَحْصِرُوا)

2. هم قاطعیّت لازم است هم نرمش. (فَاقْتُلُوا، فَخَلُّوا)

3. آزادی مذهب آسمانی آری، اما انحراف فکری و سقوط عقل و انسانیت، قابل تحمل نیست. (فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ)

4. مسلمانان باید همواره در کمین توطئه گران باشند. ( وَ أَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ )

5. تشکیلات اطلاعاتی مسلمانان باید چنان باشد که حتی توطئه گران را در خارج از مرزها زیر نظر داشته باشند. ( كُلَّ مَرْصِدٍ )

6. برای سرکوبی دشمنان توطئه گر ، مرزها و تمام راه های نفوذ را کنترل کنیم. ( وَ أَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ )

7. توبه را حتی هنگام جنگ هم بپذیرید. چون اسلام دین سماحت بزرگواری است ، نه عقده گشایی و انتقام. ( فَأَقْتُلُوا... فَإِنْ تَابُوا )

8. توبه باید همراه با عمل باشد. از توبه ی بی عمل ، فریب نخوریم. ( فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا... )

9. توبه از شرک ، ایمان است و نشانه ی توبه ی واقعی ، نماز و زکات است. ( تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ... )

10. نماز ، در رأس عبادت هاست. به کسی که به شعائر دینی ( نماز و زکات ) احترام می گذارد ، تعرض نکنید. ( أَقَامُوا الصَّلَاةَ... فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ )

ص: 74

## نماز و زکات، شرط برادری و اخوت دینی

( فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنَفَصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ) ( توبه آیه 11 )

اما اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمايند. و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند ( و می اندیشند )، به تفصیل بیان می کنیم.

### نکته ها :

خداوند در آیات قبل فرمود: اگر مشرکان توبه کرده و نماز خواندند و زکات دادند، دیگر متعرض آنان نشوید، ( فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ) در این آیه می فرماید: نه تنها مزاحمشان نشوید بلکه گذشته ها را فراموش کرده، برادرانه با آنان رفتار کنید.

### پیام ها :

1. در شیوه ی برخورد، مسأله ی گام به گام و تدریج را مراعات کنید. ابتدا عدم تعرض، ( فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ) سپس الفت و برادری. ( فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ )
2. توبه ی واقعی، همراه با عمل است. ( تَابُوا وَأَقَامُوا... )
3. آنان که تارک نماز و زکاتند، برادران دینی ما نیستند. ( فَإِنْ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ )
4. شرط ورود به دایره ی اخوت دینی، نماز و زکات است. ( أَقَامُوا... فَإِخْوَانُكُمْ )
5. اساس روابط و حبّ و بغض یک مسلمان، مکتب است. ( فَإِنْ تَابُوا... فَإِخْوَانُكُمْ ) چنان که در آیه ی بعد آمده است: ( وَإِنْ نَكَثُوا... فَجَاتِلُوا )
6. با نادم و تواب، برخوردی برادرانه داشته باشید. ( فَإِنْ تَابُوا... فَإِخْوَانُكُمْ )

7. هدف جنگ های اسلامی بازگرداندن مشرکان به توحید است. (فَإِنْ تَابُوا... فَآخِزْنَاهُمْ)

8. آنان که تا دیروز، واجب القتل بودند، در سایه توبه و نماز و زکات، حقوق اجتماعی برابر با مسلمانان می یابند و جنگ با آنان حرام می شود. (فَآخِزْنَاهُمْ فِي الدِّينِ)

9. علم و دانش، زمینه ی اندیشه و تفکر در آیات الهی است. (لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)

### شرایط متولیان مسجد

(إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (توبه آیه 18)

مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می پردازند و جز از خدا نمی ترسند. امید است که آنان از ره یافتگان باشند.

### نکته ها :

مسجد، پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان است. بنابراین، هم متولیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه هایش سازنده و تربیت کننده، هم بودجه اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا و خدایی و مورد تکریم. وگرنه اگر سازندگان مساجد، جبّاران و سلاطین باشند و پیش نمازان، افراد بی سواد و ترسو و خادمان نیز وارفتگان بی حال، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند. به گفته ی مرحوم فیض

کاشانی در تفسیر صافی، تعمیر مسجد شامل مرمت، نظافت و فرش کردن، روشنایی، تدریس و تبلیغ می شود.

در قرآن 32 بار از زکات یاد شده که 28 بار آن در کنار نماز بیان شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: (اِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسْجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ) همین که دیدید کسی به مسجد رفت و آمد می کند، به ایمان او گواهی دهید.

در احادیث برای کسانی که به مسجد رفت و آمد می کنند، بهره های فراوان ذکر شده است، از جمله: پیدا کردن دوست و برادر دینی، آگاهی های مفید، ارشاد و دوری از گناه، برخوردار شدن از نعمت و رحمت الهی.

## پیام ها:

1. تولیت و تعمیر مسجد شرایطی دارد:

الف: از جهت اعتقادی، ایمان به مبدأ و معاد. (آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ)

ب: از نظر عملی، بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات. (أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ)

ج: از جهت روحی، شجاعت و نفوذ ناپذیری. (لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ) (اگر متولّی مسجد، شجاع باشد، مسجد نیز کانون حرکت های ضدّ ظلم خواهد بود)

2. وظیفه ی متولّیان مساجد و تعمیر کنندگان آن ها، رسیدگی به محرومان است. (إِنَّمَا يَعْمُرُ... آتَى الزَّكَاةَ)

3. ایمان از عمل جدا نیست، (آمَنَ... و أقام) نماز از زکات جدا نیست، (أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ) و مسجد از انقلاب جدا نیست. (مساجد الله... و لَمْ يَخْشَ)

4. با وجود ایمان، عمل صالح، نماز، زکات و شجاعت، باز هم مغرور نشویم، هنوز خطر انحراف و جو دارد. (فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ)

## نماز بی نشاط ، نشانه منافقان

( وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كُسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ ) ( توبه ، آیه 54 )

و چیزی منافقان را از پذیرفته شدن انفاقشان منع نکرد ، جز این که به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز را جز از روی کسالت و بی حالی به جا نمی آورند و جز از روی کراهت و بی میلی انفاق نمی کنند.

### نکته ها :

در آیه ی قبل ، به صورت فرض بیان شد که منافقان ، چه با علاقه و چه از روی بی میلی اگر انفاق کنند ، پذیرفته نیست. این جا صورت واقعی و وجود خارجی را بیان می کند که انفاقشان از روی کراهت است ، نه علاقه. از امتیازات درآمدهای دولت اسلامی از قبیل خمس ، زکات ، صدقات اتفاقات بر دیگر درآمدهای دولتی ، موارد ذیل است :

1. افراد ، با اراده و انتخاب و بر اساس وجدان دینی می پردازند.

2. بدون ترس و با قصد قربت می پردازند.

3. پرداخت های مالی را غنیمت و ذخیره ی قیامت می دانند.

4. گیرنده ی مال را عالم عادل انتخاب می کنند.

5. مورد مصرف را می دانند و زیر نظر دارند.

6. ساده زیستی را شرط گیرنده می دانند و خدا را شکر می کنند.

### پیام ها :

1. با کفر ، کسالت و کراهت ، اعمال خیر پذیرفته نیست. ( ما مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ... )

2. خداوند در قرآن، بارها منافق را کافر دانسته است. (أَنَّهُمْ كَفَرُوا)

3. متخلفان از جنگ تبوک، به ظاهر مسلمان، ولی در باطن کافرند. (أَنَّهُمْ كَفَرُوا)

4. ارزش دهنده به کارها، تبت و نشاط و عشق است. آری انگیزه مهم است، نه حرکات فیزیکی! (کسالی، کارهون)

5. هدف اسلام از انفاق، رشد انتخابی و معنوی است، نه تنها سیر کردن شکم. زیرا با کمک منافقین شکم‌هایی سیر می‌شود، اما رشد معنوی برای کمک کننده حاصل نمی‌شود. (كَفَرُوا بِاللَّهِ... وَ هُمْ كَارِهُونَ)

6. از نشانه های نفاق، نماز با کسالت، « کسالی » و انفاق با کراهت است. (کارهون)

### مأموریت دائمی مؤمنان

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (توبه، آیه 71)

مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یک دیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می‌دهند و از منکرات و بدی‌ها (مُنْكَرَاتُ) نهی می‌کنند، نماز بر پای داشته، زکات می‌پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می‌کنند. به زودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. همانا خداوند، توانای غالب و حکیم است.

### نکته ها :

آیه ی 67، درباره ی منافقان تعبیر (بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ) را آورده بود، اما این آیه درباره ی مؤمنان می‌فرماید: (بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ) شاید اختلاف تعبیر به خاطر

آن است که بر خلاف مؤمنان، وحدت عمیق و پیوند ولایت در میان منافقان نیست و هنگام بروز منافع شخصی، وفادار نیستند و وحدتشان ظاهری و صوری است، به قول قرآن: ( تَحَسَّبُ بِهِمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ) آنان را متحد می پنداری در حالی که دل هایشان پراکنده است. چون امر به معروف و نهی از منکر، عامل برپایی واجبات دیگر است، از این رو در آیه، قبل از نماز و زکات آمده است.

## پیام ها:

1. زن و مرد هر دو، در اصلاح جامعه تأثیر گذارند. ( الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ )

2. مؤمنان در جامعه ی اسلامی، نسبت به یک دیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند. ( بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ )

3. امر به معروف و نهی از منکر که بر همه ی مردان و زنان با ایمان واجب است، برخاسته از حق ولایت بر یک دیگر است. ( بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ... وَيَنْهَوْنَ )

4. امر و نهی، در سایه ی محبت و ولایت قابل اجراست. ( بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ، يَأْمُرُونَ... )

5. توجه به زندگی محرومان و تأمین اجتماعی فقرا، در کنار مسائل عبادی دیگر است. ( يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ... )

6. ایمان در اصلاح فرد و جامعه، نقش به سزایی دارد. ( الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ... يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ )

7. امر به معروف و نهی از منکر، اقامه ی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول، وظیفه و عملکرد دائمی مؤمنان است. ( يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُقِيمُونَ، يُؤْتُونَ، يُطِيعُونَ ) ( فعل مضارع رمز استمرار است )

8. کسانی که دیگران را به کارهای خوب دعوت می کنند، باید خود نیز اهل عمل باشند. ( يَأْمُرُونَ، يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ )



9. اطاعت از خدا و رسول باید با میل و رغبت باشد. (يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) (اطاعت در لغت به معنای پیروی با میل است)
10. هم اطاعت از خدا در برنامه های عبادی لازم است و هم اطاعت از رسول در برنامه های حکومتی. (يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ)
11. اعمال انسان، زمینه ساز رحمت الهی است. (يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُقِيمُونَ، يُؤْتُونَ، يُطِيعُونَ، سَيَرَحْمَهُمُ اللَّهُ)
12. زن و مرد در دریافت رحمت الهی یکسان می باشند. (الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ... سَيَرَحْمَهُمُ اللَّهُ)

### تنبیه منافقان

(وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ) (توبه، آیه 84)

و بر مرده ی هیچ یک از منافقان نماز مگزار و (برای دعا و استغفار) بر قبرش نایست، چون آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و از دنیا رفتند در حالی که فاسق بودند.

### نکته ها :

سیره ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن بود که در مراسم تشییع و تدفین مردگان مسلمان حاضر شود، برای آنان دعا کند و بر جنازه ی آنان نماز بخواند. خداوند با این آیه پیامبرش را از حضور در مراسم مردگان منافق، نهی کرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در نماز میت بعد از تکبیر چهارم، برای مرده دعا می کردند، اما پس از نزول این آیه، دیگر چنین کاری را انجام ندادند.

## پیام ها :

1. یکی از شیوه های مبارزه با منافقان ، مبارزه ی منفی است. ( لا تُصَلِّ ، لا تُقُمْ )
2. مرده ی منافق نیز باید تحقیر شود. در تشییع جنازه ی آنان شرکت نکنیم به زیارت قبور آن ها نرویم. ( لا تُصَلِّ ، لا تُقُمْ )
3. از اهرم نماز ، برای تنبیه متخلفان کمک بگیریم. ( لا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ )
4. نماز میّت و زیارت قبور ، نشانه ی حرمت و احترام مؤمن پس از مرگ و کاری پسندیده است و چون منافق حرمتی ندارد لذا فرمود : ( لا تُصَلِّ ، لا تُقُمْ )
5. منافق ، کافر و فاسق است. ( كَفَرُوا ، فَاسِقُونَ )
6. عاقبت کار ، مهم است. خطر وقتی است که انسان بدون توبه و در حال فسق بمیرد. ( مَاتُوا وَ هُمْ فَاسِقُونَ )

## نماز در شریعت موسی ( علیه السلام )

( وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ) ( یونس آیه 87 )

و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر ، برای قوم خودتان خانه هایی آماده کنید و خانه هایتان را مقابل هم ( یا رو به قبله ) بسازید و نماز به پا دارید و به مؤمنان بشارت بده که سرانجام پیروزی با آن هاست.

## نکته ها :

( قِبْلَةً ) ، هم به معنای مقابل و روبروی هم است و هم به معنای جهت کعبه ، یعنی خانه سازی رو به قبله. شاید معنای این آیه چنین باشد که تا قدرت فرعون باقی است و تصمیم بر نابودی شما دارد ، شما مراسم عبادی را در خانه هایتان برقرار سازید. مثل سه سال اول بعثت پیامبر اسلام. بهترین بشارت

به مؤمنان در بند، بشارت به استجاب دعایشان است که از تحت ستم فرعونیان و فتنه گری هایشان نجات یابند.

## پیام ها :

1. مسکن، یکی از نعمت های الهی است. (أَوْحَيْنَا... أَنْ تَبْوَأَ)

2. رهبران دینی باید به مسائل مادی و رفاهی امت هم توجه کنند. (تَبْوَأَ لِقَوْمِكُمْ)

3. منطقه ی مسکونی افراد مؤمن باید از کفار جدا باشد، تا زمینه ساز عزت، قدرت و استقلال گروه با ایمان گردد. (تَبْوَأَ لِقَوْمِكُمْ بِمِصْرَ بَيْوتاً)

4. تاریخ شهرسازی تا زمان حضرت موسی (علیه السلام) قطعی است. (تبوءا... بیوتاً)

5. معماری و شهرسازی اسلامی باید با اهداف مکتبی سازگار باشد و جهت قبله فراموش نشود. (وَ اجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قِبْلَةً)

6. به گونه ای خانه بسازیم که انجام مراسم مذهبی و اقامه ی نماز در آن عملی باشد. (وَ اجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قِبْلَةً)

7. خانه ی افراد مکتبی باید نمازخانه باشد. (بَيْوتَكُمْ قِبْلَةً)

8. خانه های مقابل یک دیگر، از نظر تمرکز، حفاظت، نظارت و انس با هم مناسب تر است. (وَ اجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قِبْلَةً)

9. نگذاریم بیگانگان در محله و جامعه ی ما رخنه کنند. (اجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قِبْلَةً)

10. نماز در رأس برنامه همه ی پیامبران و زمینه رهایی بوده است. (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ)

## نماز و انفاق، عامل دستگیری در قیامت

(قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ) (ابراهیم، آیه 31)

(ای پیامبر) به بندگان من (آنان) که ایمان آورده اند، بگو: نماز را برپا دارند، و از آن چه به آنان روزی داده ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند قبل از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی و رابطه ای.

### نکته ها :

انفاق آشکار، سبب تربیت نسل و تشویق دیگران و رفع تهمت از خود است و انفاق پنهانی عامل رشد و اخلاص است. البته بعضی مفسران گفته اند: انفاق علنی مربوط به انفاق های واجب مثل خمس و زکات است و انفاق مخفی مربوط به موارد مستحب مثل صدقه است. با این که هر یک از انفاق آشکار و پنهان آثاری دارند، ولی شاید بتوان گفت، انفاق پنهان بهتر است، چون در این آیه (سِرًّا) بر (عَلَانِيَةً) مقدم شده است.

### پیام ها :

1. برای فرمان دادن، به طرف خود شخصیت دهید. (لِعِبَادِي)

بندگی خدا مدال افتخار مومنان است.

2. ایمان قلبی کافی نیست، نماز، انفاق و عمل صالح لازم است. (آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا)

3. اسلام دین جامع است. رابطه با خدا و کمک به محرومان، در کنار هم و شرط قبولی یک دیگرند. (يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا)

4. مورد انفاق، تنها مال نیست، از هر چه داریم باید انفاق کنیم. (چه علم و ثروت، چه آبرو و قدرت) (مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ)

5. انفاق باید از رزق خدا یعنی مال حلال باشد، نه از هر مالی که داشتیم. فرمود: (رَزَقْنَاهُمْ) و نفرمود (عِنْدَكُمْ)

6. انفاق باید گاهی پنهان و گاهی آشکارا باشد. (سِرًّا وَ عَلَانِيَةً)

7. از فرصت ها استفاده کنید. (مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ...)

8. اگر دنبال تجارت هستید در دنیا با خدا معامله کنید، زیرا که در قیامت هیچ داد و ستدی نیست. (يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ)

9. با پول و پارتی نمی توان از عذاب قیامت فرار کرد. (يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالًا)

### تحمل دشواری ها برای اقامه نماز

(رَبَّنَا إِنِّي أَسَدُ كُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ) (ابراهیم، آیه 37)

پروردگارا! من (یکی) از ذریّه ام را در وادی (ودّه ای بی آب و) بی گیاه، در کنار خانه ی گرامی و با حرمت تو ساکن ساختم. پروردگارا! (چنین کردم) تا نماز بر پا دارند، پس دل های گروهی از مردم را به سوی آنان مایل گردان و آنان را از ثمرات، روزی ده تا شاید سپاس گزارند.

### نکته ها :

وقتی خداوند در زمان پیری ابراهیم، اسماعیل را به او عطا کرد، او را فرمان داد که این کودک و مادرش را در مکه اسکان دهد. ابراهیم فرمان الهی را اطاعت نمود و سپس برای آنان دعا کرد.

در روایات می خوانیم که امام باقر (علیه السلام) فرمود: ما اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه و آله)، بقیه ذریّه ابراهیم هستیم که دل های مردم به سوی ما

گرایش دارد ، سپس این آیه را تلاوت فرمودند : ( رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ... فَأَجْعَلُ أَفْنِدَةً مِّنَ النَّاسِ )

کعبه در منطقه ای بی آب و علف قرار گرفت تا مردم به واسطه ی آن آزمایش شوند. چنان که حضرت علی ( علیه السلام ) در خطبه قاصعه چنین بیان فرمود : اگر کعبه در جای خوش آب و هوایی بود ، مردم برای خدا به زیارت آن نمی رفتند.

دعای انبیا مستجاب است. ( وَ أَرْزُقُهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ ) ، ( حَرَمًا آمِنًا يُحْيِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ ) حرمی امن که همه گونه ثمرات در آن فراهم می شود. امام باقر ( علیه السلام ) فرمود : هر میوه ای که در شرق و غرب عالم هست در مکه یافت می شود.

## پیام ها :

1. انتخاب مسکن انبیا بر اساس نماز و عبادت بود. ( أَسْكَنْتُ لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ )

2. دینداری ، گاهی با آوارگی ، هجرت ، دوری از خانواده و محرومیت از امکانات رفاهی همراه است. ( أَسْكَنتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ )

3. کعبه و اطراف آن در زمان حضرت ابراهیم نیز محترم و دارای محدودیت و ممنوعیت بوده است. ( بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ )

4. محور و مقصد حرکت ابراهیم نماز است. ( رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ )

5. اهل نماز ، باید محبوب باشد. ( لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَأَجْعَلُ أَفْنِدَةً مِّنَ النَّاسِ )

6. نماز در ادیان قبل نیز بوده است. ( لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ )

7. محبوبیت و گرایش دل ها به دست خداست. ( فَأَجْعَلُ أَفْنِدَةً... )

8. همه ی مردم لیاقت دوست داشتن اولیای خدا را ندارند. ( مِّنَ النَّاسِ )

9. مردان خدا ، دنیا را برای هدفی عالی می خواهند. ( مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ )

## برای اقامه نماز از خدا کمک بگیریم

( رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ ) ( ابراهیم ، آیه 40 )

پروردگارا! مرا بر پا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه ام نیز. پروردگارا! دعای مرا ( نماز و عبادتم را ) بپذیر.

### نکته ها :

در آیاتی که تاکنون درباره ی حضرت ابراهیم در این سوره خوانده ایم ، او از خداوند هفت درخواست دارد : امنیّت مگه ، دور ماندن از بت پرستی ، توجّه قلوب و افکار مؤمنان نسبت به فرزندان و مکتب او ، بهره مند شدن ذریه ی او از ثمرات ، توفیق اقامه ی نماز ، قبول شدن دعاها و آموزش برای خود و والدین و همه ی مؤمنان.

« والد » تنها به پدر واقعی گفته می شود ، ولی « أب » به غیر پدر از جمله به عمو و پدر زن نیز گفته می شود. چون والدین ابراهیم مؤمن بودند ، لذا در این آیه حضرت ابراهیم به والدین خود دعا می کند ، ولی در آیات دیگر که « أب » به کار رفته و مراد عموی ابراهیم است ، به دلیل مشرک بودن او ، حضرت از او بیزاری می جوید.

در آیه ی 133 بقره نیز خواندیم که فرزندان یعقوب در پاسخ پدر که پرسیده بود : ( مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي ) پس از من چه چیز را می پرستید ؟ گفتند : ( نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ ) ما پروردگار تو و پروردگار پدران ابراهیم و اسماعیل را می پرستیم. با آن که اسماعیل عموی یعقوب است ، ولی به عمو « أب » گفته شده است.

1. تکرار « رب » در آغاز دعاهای حضرت ابراهیم ، نشانه تأثیر آن در استجابت دعا و یا یکی از آداب آن است. ( رَبِّ اجْعَلْنِي )

2. برای اقامه ی نماز خود و فرزندان ، از خداوند استمداد کنید. ( رَبِّ اجْعَلْنِي )

3. نماز ، محور دعاهای حضرت ابراهیم است. ( رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ ) ، ( رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ )

4. با آن که رسالت انبیا اقامه ی دین است اما دعا برای اقامه ی نماز به جای آن ، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام نمای دین است. ( مُقِيمَ الصَّلَاةِ )

5. اقامه ی نماز ، عدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهیم در دو مورد عبارت ( وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي ) را به کار برد : یکی درباره ی نماز نسل خود ( مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي ) و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهیم فرمود : ( اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي ) من تو را امام مردم قرار دادم ابراهیم گفت : پروردگارا ذریه مرا نیز به این مقام برسان.

6. در دعا هم به خود توجه کنید ، ( وَ اجْنُبْنِي . وَ اجْعَلْنِي . وَ اغْفِرْ لِي ) و هم به دیگران. ( وَ بَنِي وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ )

7. انسان ، هم باید به فکر نسل قبل باشد ، ( وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ ) و هم به فکر نسل بعد. ( وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي )

8. در دعا ، به فکر قیامت خود ، فرزندان و جامعه باشید. ( يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ )



( قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ) ( هود ، آیه 87 )

اما مردم مدین در جواب گفتند : ای شعیب ! آیا نمازت به تو فرمان می دهد که ( به ما بگویی ) آن چه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم ؟ ( و ) یا این که ( نتوانیم ) آن گونه که خود می خواهیم ، در اموالمان تصرف کنیم ؟! تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی این چه توقعی است که از ما داری ؟

### پیام ها :

1. همه ی انبیا ( علیهم السلام ) با مخالفانی روبرو بوده اند. ( قَالُوا يَا شُعَيْبُ .. )
2. نماز ، در ادیان گذشته نیز بوده است. ( أَصْلَاتُكَ )
3. نماز ، بارزترین نمود آیین شعیب بوده است. ( أَصْلَاتُكَ )
4. نماز واقعی ، انسان را به ارشاد دیگران و امر به معروف و نهی از منکر آن ها و ایا می دارد. ( أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ )
5. تقلید از نیاکان ، در مقابل دلیل و نصّ ، سرچشمه ی بسیاری از انحرافات است. ( يَعْبُدُ آبَاؤُنَا )
6. دین ، نه از سیاست جداست و نه از اقتصاد. ( أَصْلَاتُكَ ... تَتْرَكَ ... فِي أَمْوَالِنَا )
7. راه انبیا ، مانع از آزادی بی قید و شرط است. ( نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ )
8. مالکیت بر چیزی ، دلیل جواز بر هر نوع مصرف کردن آن نیست. ( تَتْرَكَ ... أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ ) ( در قوانین شعیب ، قانون کنترل مصرف بوده است )
9. تجلیل و ستایش مخالفان از ما ، گاهی به خاطر سکوت و نگفتن حقّ است. ( إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ )
10. تعریف و تمجید مخالفان ، گاهی جنبه استهزا دارد. ( لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ )

## نماز، روشن ترین نمونه کار نیک

( وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ ) ( هود، آیه 114 )

و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب به پادار، ( زیرا ) بدرستی که کارهای نیکو ( هم چون نماز )، بدی ها را محو می کند، این ( فرمان )، تذکری است برای اهل ذکر

### نکته ها :

در روایات، مراد از دو طرف روز، صبح و مغرب، و مراد از اوایل شب، نماز عشا بیان شده است. البته این آیه در مقام بیان تمام نمازهای روزانه نیست. شخصی از اعمال زشت خویش ناراحت بود، لذا پس از نماز در مسجد از پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) خواست تا او را حدّ بزند، حضرت به او فرمود: چون بعد از آن عمل خلاف، در نماز جماعت شرکت کرده ای، خداوند تو را بخشید.

از امام صادق ( علیه السلام ) سؤال شد که شخصی از طریق طاغوت درآمدهایی را به دست آورده و با امید به آیه ی ( إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ) به فقرا کمک می کند و به حج می رود؟

حضرت فرمود: ( إِنَّ الْأَخْطِيئَةَ لَا تُكَفِّرُ الْأَخْطِيئَةَ ) گناه را نمی توان با گناه پوشاند. آن چه را به دست آورده مال مردم است و تصرف در مال مردم به هر شکل حرام است.

### امید بخش ترین آیه ی قرآن :

حضرت علی ( علیه السلام ) بر جمعی وارد شده و از آن ها سؤال فرمودند: آیا می دانید امید بخش ترین آیه ی قرآن کدام است؟! هر کس به فراخور حال خویش آیه ای را عنوان کرد:

بعضی گفتند: آیه ی ( إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ ) یعنی خداوند جز شرک ، گناهان دیگر را می بخشد.

بعض دیگر بر آن بودند که این آیه است ؛ ( وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ) یعنی هر کس خلاف کار و ظالم باشد ولی استغفار کند ، خداوند را بخشنده و مهربان خواهد یافت.

عده ای اظهار داشتند آیه ی ( يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ) یعنی ای بندگان من که در حق خود اسراف کرده اید ! از رحمت خدا مأیوس نشوید ، زیرا او همه ی گناهان را می بخشد.

تعدادی هم نظر به این آیه داشتند ؛ ( وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ ) یعنی کسانی که کار زشتی انجام دادند و به خودشان ظلم کردند ، اگر یاد خداوند می کنند و برای گناهان خویش استغفار می نمایند ، و کیست جز خداوند که گناهان را ببخشد. بعد از این که حضرت نظرات آنان را شنید ، فرمودند : از حبیب رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) شنیدم که فرمود : امید بخش ترین آیه در قرآن این آیه است : ( أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيْ النُّهَارِ وَزَلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ) سپس پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) ادامه دادند : یا علی ! سوگند به خداوندی که مرا بشیر و نذیر به سوی مردم مبعوث کرد ، وقتی که انسان برای نماز وضو بگیرد ، گناهانش ریخته می شود ، و زمانی که رو به قبله کند ، پاک می شود. یا علی ! مثال اقامه کننده ی نمازهای روزانه ، مثل کسی است که هر روز پنج مرتبه در نهر آبی که جلوی منزل اوست خود را شستشو کند.

## پیام ها :

1. رهبر باید الگوی مردم باشد. ( فَاسْتَقِمْ... أَقِم... )

2. نماز را باید با شرایط و آداب کامل بجای آورد. در کلمه ی « اقامه » ، معنای کمال و تمام نهفته است. ( أَقِمِ الصَّلَاةَ )

3. نماز ، قوت قلب مؤمنان است. چون در آیات گذشته ، فرمان به استقامت و عدم اعتماد به ظالمان مطرح شد و این امور نیاز به روحیه ی بالا دارد ، لذا در این آیه ، خداوند امر به تقویت روح با اهرم نماز می فرماید. ( فَاسْتَقِمُّ... وَأَقِمِ الصَّلَاةَ )

4. نمازها را باید در وقت مقرر انجام داد. ( طَرَفِي النَّهَارِ )

5. نماز ، روشن ترین نمونه ی کار نیک است. ( أَقِم... إِنَّ الْحَسَنَاتِ )

6. اعمال انسان در یک دیگر تأثیر دارند. ( إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ )

7. دستور به نماز ، روشن ترین پند خداست. ( ذَلِكَ ذِكْرِي ) ( نماز ، ذکر الهی است )

8. همه ی افراد از تذکرات الهی ، بهره مند نمی شوند. ( ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ )

9. برپایی و اقامه ی نماز ، پشت کار و حوصله می خواهد. ( أَقِمِ الصَّلَاةَ ، وَاصْبِرْ )

## نماز ، عامل زدودن آلودگی ها

( وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ) ( رعد ، آیه 22 )

و ( خردمندان ) کسانی هستند که برای جلب توجه پروردگارشان صبر پیشه کرده و نماز به پا داشتند و از آن چه روزیشان کردیم پنهانی و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی پاک می کنند. آنانند که سرای آخرت مخصوص آن هاست.

### نکته ها :

« صبر » ، فقط به معنای تحمل مشکلات نیست ، بلکه شامل پایداری در عبادت ، مقابله با معصیت ، بردباری در مصیبت ، تسلیم در اطاعت و عدم غرور و

مستی در نعمت نیز می شود. ( وَجِهَ رَبِّهِمْ ) به معنای جلب توجه ، عنایت و رضایت پروردگار است. اقامه نماز یکی از مصادیق پیمان های الهی ( عَهْدَ اللَّهِ ) است که در آیات سابق آمد ، چنان که در روایت نیز آمده است ؛ ( الصَّلَاةُ عَهْدَ اللَّهِ ). صبر و صلاة پیوند با خالق ، انفاق و حسنه ، ارتباط با مردم است.

انفاق دارای درجاتی است :

گام اول : بخشش از فضل و داده های الهی. ( أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ )

گام دوم : بخشش از دست رنج و کسب حلال. ( أَنْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ )

گام سوم : بخشش از آن چه دوست دارند. ( لَنْ تَتَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ) گام چهارم : ( اِيثارَ وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ )

به فرموده ی المیزان ، ( عُقْبَى الدار ) به معنای عاقبت به خیری در دنیا است ، ولی می توان گفت که شامل هر دو سرا ( دنیا و آخرت ) می شود.

معنای این که بدی را با خوبی برطرف کنیم ، این است که اگر از مومنان کسی کار ناشایستی در رابطه با ما انجام داد اغماض کنیم ، نه این که با افراد ظالم و مفسد چنین رفتاری داشته باشیم ، زیرا در مورد آن ها باید مقابله به مثل نمود. به هر صورت اگر چه اسلام دین اخلاق عاطفه و بخشش است ، ولی در جای خود ( لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ ) نیز دارد.

اسلام مکتب جامع و اولوالالباب افراد کاملی هستند. وجود جملاتی هم چون : ( يُوفُونَ ) ، ( يَصِلُونَ ) ، ( يَحْشُونَ ) ، ( يَخَافُونَ ) ، ( صَبَرُوا ) ، ( أَقَامُوا ) ، ( أَنْفَقُوا ) و ( يَدْرُونَ ) نشانه آن است که انسان های کامل هم متعهد به پیمان های خود هستند ، هم تمام ارتباطات خود را حفظ می کنند ، هم تقوای والایی دارند و هم به جای انزوا ، در همه ی میدان ها حاضر و فعال اند.

1. صبر و استقامتی ارزش دارد که برای خداوند و در راه او باشد. ( نه هر تعصب و لجاجت و یک دندگی ) ( صَبِرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ )
2. نماز باید اقامه شود ، نه آن که فقط خوانده شود. یعنی باید آداب ، شرایط ، حدود و دستورات آن مراعات شود. ( أَقَامُوا الصَّلَاةَ )
3. رابطه با خدا بدون کمک به دیگران مقبولیتی ندارد ، گر چه کمک هم تنها کمک مالی نیست. ( أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَانْفَقُوا )
4. به انفاق خود مغرور نشوید ، آن چه می دهید از اوست. ( انْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ )
5. وقتی تبت کار ( ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ ) یعنی رضایت پروردگار شد ، دیگر پنهان و آشکار عمل مهم نیست. ( سِرًّا وَعَلَانِيَةً )
6. حکمت اقتضا می کند که بعضی از کمک ها علنی و بعضی دیگر مخفی باشد. ( سِرًّا وَعَلَانِيَةً )
7. گناه را با توبه ، منکر را با معروف ، ظلم را با عفو ، ناسزا را با سلام ، عذاب را با صدقه ، جفا را با صلّه ، استبداد را با مشورت و ولایت طاغوت و شیطان را با ولایت حق جبران نماییم. ( يَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ )
8. خوش عاقبتی در دنیا و آخرت از آن صاحبان خرد است. ( اُولُوا الْأَلْبَابِ... اُولَئِكَ لَهُمْ عُقُوبَةُ الدَّارِ )

## جایگاه ویژه نماز صبح

( أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ) (اسراء، آیه 78)

نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به سمت مغرب) تا تاریکی شب، به پادار، و هم چنین قرآن سپیده دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است.

### نکته ها :

« دلوک »، هنگامی است که خورشید از وسط آسمان رو به مغرب میل می کند که زوال نامیده می شود، و وقت نماز ظهر و عصر است. و (غَسَقِ اللَّيْلِ) وقت نماز مغرب و عشاء است که تاریکی، فراگیر می شود و « فجر »، وقت نماز صبح است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: اولین نمازی که واجب شد نماز ظهر بود و آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند. در روایت دیگری آمده است: اگر نماز صبح در اول فجر اقامه شود، فرشتگان شب و روز هر دو آن را ثبت می کنند. و « مشهود » بودن نماز صبح نیز ممکن است به همین معنا باشد. یعنی هر دو گروه فرشتگان آن را مشاهده کرده و بر آن گواهی می دهند.

### پیام ها :

1. معیار شناخت اوقات در اسلام، طبیعی است به نحوی که قابل فهم و درک همه کس در همه جا و همیشه باشد. (لِدُلُوكِ الشَّمْسِ غَسَقِ اللَّيْلِ الْفَجْرِ)
2. برنامه های دینی، زمان بندی شده است. (لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ)
3. نماز تنها عبادتی است که به نام « قرآن » توصیف شده است. (قُرْآنَ الْفَجْرِ)
4. قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است. (قُرْآنَ الْفَجْرِ)
5. در میان نمازها، نماز صبح جایگاه ویژه ای دارد. (إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا)

(قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُتُمْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا) (اسراء، آیه 110)

بگو: نام الله را بخوانید یا نام رحمان را، هر کدام را بخوانید، پس بهترین نام ها از آن اوست و نمازت را خیلی بلند یا خیلی آهسته نخوان و میان این دو، راه

### نکته ها :

در بعضی تفاسیر آمده است: پیامبر در مسجد الحرام دعا می خواند و می گفت: (يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ) عده ای پنداشتند که او دو خدا را می خواند که یکی (الله) است و دیگری «رحمان». آیه نازل شد و این شبهه را زدود.

بعضی نام ها تنها علامت و نشان است و کاری به تطابق معنا با مسمی ندارد، مثل شناسایی افراد از طریق صدا، لباس، ماشین، یا شناسایی کشور یا مؤسسه ای از راه آرم و نشان. اما گاهی اسامی تنها آرم نیستند، بلکه محتوا و پیام دارند، مثل نام های مبارک خدا که هر یک، گویای کمالی از ذات اوست. هرگاه پیامبر بلند نماز می خواند، کفار با شعر خواندن بلند، مزاحم می شدند و هر گاه آهسته می خواند، اصحاب نمی شنیدند. نزول این آیه، دستور به قرائتی بین بلند و آهسته بود.

در روایات شیعه و سنی آمده است: خداوند 99 اسم دارد که هر که در دعا خداوند را به آن ها بخواند، رستگار و پیروز می شود.

### پیام ها :

1. پیامبر باید شبها را برطرف کند. (قُلْ)

2. نام های خدا، همه به یک حقیقت بر می گردد و عین ذات اوست. (أَيًّا مَا تَدْعُوا)



3. اسمای حُسنی و برترین صفات ، مخصوص خداوند است. ( فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى )

4. چون از سوئی خدا و کمالاتش بی نهایت است ، و از سوی دیگر عقل و کلمات انسان محدود ، بهترین راه آن است که خدا را به نام هایی بخوانیم که از خود او و قرآن گرفته ایم ، وگرنه انسان ممکن است به انحراف افتد و اسم های نا مناسب برای خدا بترشد. ( الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى )

5. در دعا خواندن ، انسان آزاد است که خدا را به هر یک از نام هایش که می خواهد ، بخواند. ( أَيُّهَا مَا تَدْعُوا ... )

6. در همه ی نام های خدا ، بهترین معانی و مقدّس ترین مفاهیم به کار رفته است. ( فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى )

7. اسلام ، دینی میانه و معتدل است ، حتّی قرائت نمازش باید با صدایی میانه باشد. ( وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا )

8. اسلام ، غیر از نیت و عمل ، به شیوه و کیفیت عمل هم نظر دارد. نماز باید روی آداب خاصّ خوانده شود. ( لَا تَجْهَرُ لَا تُخَافُ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ )

### نماز ، سفارش خداوند به پیامبران الهی

( وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيَّنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ) ( مریم ، آیه 31 )

و هر جا که باشم ، خداوند مرا مایه ی برکت قرار داده و تا زنده ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.

### نکته ها :

چیزی با برکت است که در آن منفعت زیاد ، تعلیم و تأدیب دیگران و با ثبات باشد ؛ حضرت عیسی ( علیه السلام ) هم عمر با برکتی دارد و تا بعد از ظهور

ص: 97

امام زمان (علیه السلام) زنده است و هم پیروانش بسیارند و بر کافرانی که در پی قتل آن حضرت بودند، پیروزند. (و جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ) سرچشمه ی خیرات و برکات، یت ها، اهداف، حالات و خصلت های درونی است. لذا بعضی انسان ها هر جا که باشند مبارکند. (جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ) و بعضی به خاطر مشکلات روحی و دوری از معنویت، در هر جا که باشند گرفتار خصلت های ناروای خویش اند و خیرشان به دیگران نمی رسد.

عیسی (علیه السلام) با کلمه (بِوَالِدَتِي) به پاک دامنی مادر و نداشتن پدر اشاره کرد. (وَبَرًّا بِوَالِدَتِي) و فرمود: (بِوَالِدَتِي).

## پیام ها:

1. امتیازات و برتری های خود را از خدا بدانید. (جَعَلَنِي)
2. ستایش از خود، اگر برای فخر فروشی نباشد مانعی ندارد. (و جَعَلَنِي مُبَارَكًا...)
3. پیامبران، سرچشمه ی خیر و برکت و آثار ابدی هستند. (مُبَارَكًا)
4. ارزش های معنوی، فوق زمان و مکان است. (این ما کُنْتُ... ما دُمْتُ حَيًّا)
5. نماز و زکات از مشترکات ادیان آسمانی است. (وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ) (شاید بتوان شرط مبارک بودن را اقامه نماز و پرداخت زکات دانست.)
6. رابطه با خدا (انجام نماز) از رابطه با محرومان (پرداخت زکات) جدا نیست. (بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ)
7. نماز و زکات، در طول عمر تعطیل بردار نیست (ما دُمْتُ حَيًّا)
8. نیکی به مادر، از اخلاق انبیاست. (وَبَرًّا بِوَالِدَتِي)
9. کسی که به مادرش بی مهری کند، به مردم نیز رحم نخواهد کرد. (بَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا)
10. پیامبران به دنبال استبداد و سلطه گری بر مردم نیستند. (لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا)

( وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ) ( مریم ، آیه 55 )

و همواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می کرد و پیوسته نزد پروردگارش مورد رضایت بود.

### نکته ها :

مراد از اسماعیل ، یا فرزند حضرت ابراهیم است ، یا یکی دیگر از پیامبران بنی اسرائیل به نام اسماعیل بن حزقیل . همه پیامبران ، صادق الوعد بوده اند ، اما بروز این خصلت در اسماعیل ( علیه السلام ) بیش تر بوده است . درباره ی رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) روایت شده است که آن حضرت با شخصی در کنار کعبه قرار ملاقات داشتند و آن شخص فراموش کرد . حضرت تا سه روز منتظر ماند تا به آن شخص خبر دادند ، آن شخص آمد و عذر خواهی کرد . هم چنین پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) با کسی وعده گذاشت که هنگام ظهر او را ملاقات کند ، ولی چون او نیامد ، حضرت تا غروب منتظر ماند .

صادق الوعد بودن ، صفتی الهی است ، ( إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ) و تخلف در وعده ، نشانه ی نفاق است . در احادیث می خوانیم : علامت منافق سه چیز است : خیانت در امانت ، دروغ در سخن ، تخلف در وعده . مقام رضوان و رضایت ، بزرگ ترین خواسته و هدف انبیا است . ( وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ) ، ( وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ) در حدیث می خوانیم : چون اهل بهشت در بهشت مستقر شوند ، خطاب می رسد آیا حاجت دیگری دارید ؟ می گویند : ( رَبَّنَا رِضَاكَ ) پروردگارا رضای تو هدف ماست .

1. تجلیل از بزرگان لازم است. ( وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ )

2. تجلیل از بزرگان ، باید پایدار و عمیق باشد ، نه سطحی و زودگذر. ( فِي الْكِتَابِ )

3. ملاک تجلیل باید کمالات معنوی پایدار باشد. ( كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ )

4. وفای به عهد ، از صفات ارزشمند انسانی است. ( كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ )

5. پیامبران ، علاوه بر مسئولیت اجتماعی ، مسئولیت خانوادگی هم دارند. ( وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ )

6. سفارش به نماز و زکات ، از وظایف پدر خانواده است. ( وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ ) ( با این که سفارش به نماز در خانواده ها کم و بیش هست ، اما سفارش به زکات نیست. )

7. امر به نماز و زکات ، از مصادیق امر به معروف است. ( وَكَانَ يَأْمُرُ )

8. نماز و زکات ، سابقه ای بس طولانی دارند. ( وَكَانَ يَأْمُرُ... )

9. نماز ( ارتباط با خالق ) و زکات ( ارتباط با مخلوق ) ، از هم جدا نیست. ( عبادت بدنی به تنهایی شرط کمال نیست. ) ( بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ )

10. در امر به معروف و توصیه به نماز ، باید از نزدیکان شروع کنیم. ( كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ )

11. ارشاد و توصیه به نماز باید دائمی باشد. ( وَكَانَ يَأْمُرُ... )

## کیفر تباه کردن نماز

( فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ) ( مریم ، آیه 59 )

آنگاه پس از آنان ، جانشینان بد و ناشایسته ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوس ها را پیروی کردند. پس به زودی ( کیفر ) گمراهی خود را خواهند دید.

### نکته ها :

( خَلْفٌ ) ، فرزند صالح را گویند و ( خلف ) فرزند ناصالح است. کلمه ی « غی » در مقابل رشد است. ( قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ) « 1 » ضایع کردن نماز ، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می خواند ، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر ، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است. در روایتی می خوانیم : همین که حضرت رسول ( صلی الله علیه و آله ) این آیه را تلاوت می فرمودند ، منقلب شده ، فرمودند : بعد از شصت سال ، گروهی نماز را ضایع خواهند کرد. اگر این سخن در اوایل سال اول هجری گفته شده باشد ، سال شصت همان سال شهادت امام حسین ( علیه السلام ) و سال به قدرت رسیدن یزید است.

### توبه در قرآن :

معمولاً قرآن کریم به دنبال آیات عذاب ، جمله ی ( إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا ) یا جمله ی ( إِنَّا مَنْ تَابَ ) را آورده تا بگوید : راه اصلاح ، هرگز بر کسی بسته نیست.

توبه ، واجب است. زیرا فرمان خداوند است. ( تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ )

قبول توبه ی واقعی قطعی است ، زیرا نمی توان باور کرد که ما به امر او توبه کنیم ولی او نپذیرد. ( هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ ) ، ( هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ )

خداوند هم توبه را می پذیرد و هم کسانی را که بسیار توبه می کنند دوست دارد. (يُحِبُّ التَّوَّابِينَ)

توبه ، باید با عمل نیک و جبران گناهان همراه باشد. (تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا) ، (تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ) ، (تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا)

توبه ، رمز رستگاری است. (تُوبُوا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

توبه ، وسیله ی تبدیل سیئات به حسنات است. (إِلَّا مَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ)

توبه ، سبب نزول باران است. (تُوبُوا... يُرْسِلِ السَّمَاءَ)

توبه ، سبب رزق نیکو است. (تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا)

توبه ، در هنگام دیدن آثار مرگ و عذاب پذیرفته نمی شود. (حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ)

خداوند علاوه بر قبول توبه ، لطف ویژه نیز دارد. (هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

(ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ غُفُورٌ رَحِيمٌ) ، (ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رُؤُفٌ رَحِيمٌ) ، (إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ) (ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ) در این آیات در کنار توبه به مسئله رحمت و رأفت و محبت الهی اشاره شده است.

قرآن ترک توبه را ظلم و هلاکت دانسته است. (وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) « 10 » (ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ)

## پیام ها :

1. گاهی فرزندان و نسل آینده ، زحمت های پدران را تباه می کنند. (گاهی از خوبان ، نسل نا اهل پیدا می شود) (خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ)

2. نماز محور دین است. (برای نشان دادن چهره ی نسلی به نسل دیگر ، ضایع کردن نماز آنان را نشان می دهد) (فَخَلَفَ.. خَلْفَ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ)

3. نماز، سدّی است میان انسان و شهوت‌ها و اگر این سدّ شکسته شود، پیروی از شهوت‌ها برای انسان آسان می‌شود. (أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ)

4. کسی که از رابطه با خدا (نماز) جدا شد، به شهوات پیوند می‌خورد. (أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ)

5. رونق یافتن شهوات، غیّ و گمراهی است. (وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ... يَلْقَوْنَ غَيًّا)

6. کیفر ضایع کردن نماز، سردرگمی است. (يَلْقَوْنَ غَيًّا) (رشد واقعی در سایه ی معنویت است)

7. سرنوشت ملت‌ها به دست خود آن‌هاست (أَضَاعُوا... يَلْقَوْنَ... إِنَّا مَنْ تَابَ...)

8. توبه، یک تحول است نه تظاهر. (تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا)

9. شرط رستگاری و ورود به بهشت، توبه و ایمان و عمل صالح است. (تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا... يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ)

### یاد خدا، بهترین فلسفه نماز

(إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) (طه، آیه 14)

همانا منم الله، جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را به یادار تا به یاد من باشی.

### پیام‌ها:

1. پیامبران، از جانب خداوند منصوب می‌شوند، نه از طرف مردم. (أَنَا اخْتَرْتُكَ)

2. باید کلمات وحی را با تمام وجود و با جان و دل شنید. (فَاسْتَمِعْ) نه «فاسمع».

3. از آداب گفتگو، معرفی خود است. (إِنِّي أَنَا اللَّهُ)

4. در نظام الهی، شناخت، اساس عمل است. (إِنِّي أَنَا اللَّهُ. فَاعْبُدْنِي)

5. شناخت اصول دین، بر انجام فروع دین مقدم است. (لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي) توحید نظری مقدم بر توحید عملی است. (إِنِّي أَنَا اللَّهُ. فَاعْبُدْنِي)

6. عبادت باید خالصانه باشد. ارزش عبادت به میزان خلوص آن است. (فَاعْبُدْتِي)

7. توحید در رأس همه عقاید و نماز در رأس همه عبادات است. (لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْتِي وَاقِمِ الصَّلَاةَ)

8. نماز، اولین دستور کار و برنامه ی عملی انبیاست. (اقِمِ الصَّلَاةَ)

9. نماز، در ادیان دیگر نیز بوده است. (اقِمِ الصَّلَاةَ)

10. هدف از اقامه نماز، تنها رعایت قالب آن نیست، بلکه توجه به قلب آن، یعنی احساس حضور است. (اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي)

### شکبایی در دعوت به نماز

(وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسَأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى) (طه، آیه 132)

و خانواده ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می دهیم، و سرانجام (نیکو) برای (اهل) تقواست.

### نکته ها :

در روایات متعددی آمده است که پس از نزول این آیه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا چندین ماه در خانه ی حضرت علی و فاطمه (علیهما السلام) را می زدند و در آستانه در می فرمودند: (الصلاة) آنگاه به قرائت آیه تطهیر می پرداختند.



هرگاه وضع زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تنگ می شد، این آیه را تلاوت می فرمود، آنگاه به افراد خانه دستور می دادند تا نماز بخوانند.

( اَصْطَبِرْ عَلَيْهَا ) یعنی هم در انجام نماز و هم در امر به آن تأکید و پایداری کن.

## پیام ها :

1. امر به معروف در کسانی اثر بیش تری دارد که خود جذب مادیات نشده باشند. ( لا تَمُدَّنْ ... وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ )
2. رهبر جامعه ی اسلامی نباید از خانواده خود غافل باشد. ( وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ )
3. مرد نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادی آنان کافی نیست. ( وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ )
4. یکی از مهم ترین زمینه های امر به معروف، خانواده و نزدیکان انسان است. ( وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ ... ) ( دایره ی اهل، به زن و فرزند منحصر نیست، بلکه همه ی افراد خاندان را شامل می شود. )
5. مبلغ باید در مرحله ی اول به تبلیغ خانواده خود پردازد. ( وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ )
6. اولین مرحله ی تربیت، کانون خانواده است. ( وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ )
7. فرمان به نماز از میان سایر واجبات، رمز بیمه شدن اعضای خانواده است. ( وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ )
8. برای عدم وابستگی به زرق و برق دنیا، به نماز پناهنده شویم. ( لا تَمُدَّنْ ... وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ )
9. یکی از مصادیق روشن و بلند معروف، نماز است. ( وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ )
10. موضوع نماز در خانواده دارای اهمیت خاصی است، باید والدین بر اصرار کنند. ( وَ أُمِّرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اَصْطَبِرْ عَلَيْهَا )
11. امر به معروف، مداومت و پایداری لازم دارد. ( اَصْطَبِرْ عَلَيْهَا )

12. خداوند از عبادت ما سودی نمی برد ، ثمره ی آن به خود ما باز می گردد. ( لا نَسْأَلُكَ رِزْقاً )

13. سفارش به نیکی ها باید جدی و همراه بیان آثار باشد. ( وَ أَمْرُ أَهْلِكَ... وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى )

14. نماز ، زمینه ساز پاک دامنی و تقواست. ( وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ... وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى )

15. حسن عاقبت در سایه ی تقوای الهی است ، نه مادیات. ( وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى )

## نماز ، رکن اساسی همه ادیان

( وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ) ( انبیاء ، آیه 73 )

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما ( مردم را ) هدایت می کردند و به آنان ، انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکاة را وحی کردیم و آنان فقط عبادت کنندگان ما بودند.

## پیام ها :

1. امامت نیز هم چون نبوت ، باید با انتخاب خداوند باشد. ( جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً )

2. پیامبران بزرگ علاوه بر مقام رسالت ( رساندن پیام وحی ) ، امامت و رهبری جامعه را نیز بر عهده داشته اند. ( جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً )

3. اگر امامت با زور و قلندری به دست آید ، دعوت به دوزخ است ( أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ) ، اما اگر خداوند آن را عنایت فرمود ، مبارک و در مسیر حق خواهد بود. ( جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا )

4. هدایت کردن انبیا ، نه از پیش خود و سلیقه شخصی است ، ( مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى ) بلکه با فرمان خداست. ( يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا )

5. توجّه به انجام کارهای خیر، از الطاف ویژه الهی است. (أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ )

6. نماز و زکات در میان کارهای خیر، جایگاه ویژه ای دارند. (فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ )

7. نماز و زکات، دو رکن اساسی در همه ادیان بوده است. (إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءُ الزَّكَاةِ )

8. بدون نماز و زکات، انسان به درجه بندگی خدا نمی رسد. (إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ )

9. رهبران الهی، بندگان مخلص خدا هستند. (كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ )

10. نعمت های الهی، ما را از بندگی خدا غافل ن سازد. ( وَهَبْنَا لَهُ... كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ) انبیا با این که به مقام رهبری ( جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً ) نائل

آمدند، اما با این وجود، باز بنده ی خدا هستند. ( وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ )

11. دین از سیاست جدا نیست. ( جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا... كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ )

12. رهبر باید به آن چه هدایت می کند، عامل باشد. ( أُمَّةً يَهْدُونَ... كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ )

### نماز، نشانه متواضعان ( مُخْبِتِينَ )

( الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ) ( حج، آیه 35 )

( مُخْبِتِينَ ) کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل هایشان از خوف ( خداوند ) می لرزد و بر آن چه ( از سختی ها ) به آنان می رسد مقاومند و برپاکنندگان نمازند و از آن چه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند.

### نکته ها :

یاد خدا هم آرام بخش و هم برای اهل ایمان است، خوف آور، همانند کودکی که با یاد والدین، هم آرام می گیرد و هم از آنان پروا می کند و حساب می برد.

## پیام ها :

1. ترس از خدا و پروای درونی ، یک ارزش است. ( وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ )
2. تقوا ، بر همه ی کمالات مقدم است. ( وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ... وَ الصَّابِرِينَ... )
3. زیر بنای انجام وظیفه بعد از تقوا ، مقاومت و صبر است. ( وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ )
4. صبری ارزش دارد که در برابر مشکلات دوام بیاورد. ( الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ )
5. رابطه با خدا ، از رابطه با محرومان جدا نیست. ( وَ الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ. يُنْفِقُونَ )
6. بخشش ، مخصوص مال نیست ، از علم و آبرو و هنر نیز می توان انفاق کرد. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ )
7. انفاقی ارزش دارد که دائمی باشد. ( يُنْفِقُونَ ) فعل مضارع نشانه استمرار است )
8. در انفاق نیز اعتدال و میانه روی لازم است. ( وَمِمَّا... )
9. اموال و دارایی های انسان رزق الهی است. ( رَزَقْنَاهُمْ )

## اقامه نماز ، نخستین وظیفه کارگزاران اسلامی

( لَدَيْنَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ) ( حج ، آیه 41 )

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم ، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و (دیگران را) به خوبی ها دعوت می کنند و از بدی ها باز می دارند ؛ و پایان همه ی امور برای خداست.

## نکته ها :

اگر قدرت و امکانات ، در دست افراد صالح باشد ، بهره برداری صحیح می کنند و اگر در اختیار نا اهلان قرار گیرد سوء استفاده می کنند.  
بنابراین دنیا و قدرت ،

برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است : اگر مؤمنان به قدرت برسند ، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می روند ولی انسان های منحرف و نا اهل ، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است ، ( إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ) و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می دارند ، ( وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ) و عاقبت ، مردم را به دوزخ می کشانند. ( أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ )

## پیام ها :

1. یاری خداوند از طریق احیای دین اوست. ( وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ) ، ( وَ الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ ... )

2. امر به معروف و نهی از منکر ، به قدرت نیاز دارد. ( مَكَتَاهُمْ )

3. پیروزی مؤمنان ، زمینه ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می کند و غفلت و غرور را از بین می برد. ( إِنْ مَكَتَاهُمْ ... )

4. برای مؤمنان ، تمام زمین یکسان است ، آنان هر کجا که توان دارند هدف مقدس خود را پیاده می کنند. ( فِي الْأَرْضِ )

5. همه ی قدرت ها را از خدا بدانیم. ( مَكْنَا )

6. اولین ثمره ی حکومت صالحان ، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. ( إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... )

7. رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد ، از هم جدا نیست. ( أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ ... )

( وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ )  
( حج ، آیه 78 )

و در راه خدا جهاد کنید چنان که شایسته جهاد ( در راه ) اوست ، او شما را ( بر همه ی اُمّت ها ) برگزید و در دین ( اسلام ) هیچ گونه دشواری بر شما قرار نداد ، آیین پدرتان ابراهیم ( را پیروی کنید ) ، او که شما را از قبل مسلمان نامید و در این ( کتاب نیز مطلب چنین است ) تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید ، پس نماز بر پا دارید و زکات پردازید و به خدا تمسک جوئید ، که او مولا و سرپرست شماست ، پس چه خوب سرپرستی است و چه خوب یاورى .

### نکته ها :

مى دانيم که گواه بودن ، به علم و عدالت نیاز دارد و همه ی مردم نه عادلند و نه آگاه که بتوانند بر دیگران شاهد باشند ، بنابراین ، مراد از گواه بودن مسلمانان که در این آیه عنوان شده است ، بعضى از آنان هستند که هم به اعمال و رفتار مردم علم دارند و هم امين و عادلند و چنین فردى همان گونه که در روایات مى خوانيم ، اهل بیت پیامبر و امامان معصوم ( عليهم السلام ) هستند که اعمال و رفتار ما بر آنان عرضه مى شود .

خداوند در آغاز این سوره از زلزله عظیم قیامت و عذاب شدید الهی یاد کرده و در پایان سوره از جهاد و نماز و زکات سخن می گوید و یادآور می شود که او برای همه بندگان، مولا و سرپرست و یاور و نیکوست، این نکته به ما می آموزد که برای نجات از خطرهای زلزله عظیم قیامت و عذاب شدید الهی، بنده ی او باشیم و به او پناه ببریم که (فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ).

نفی (حَرَج) به معنای سخت نبودن احکام الهی نیست، زیرا در همین آیه که می فرماید: جهاد کنید آن گونه که حق جهاد است. و نا گفته پیداست که جهاد کار بس سختی است. پس مراد از نبودن حرج در دین آن است که اسلام بن بست ندارد. مثلاً در فرمان جهاد افراد بیمار، لنگ، نابینا، سالمند و زنان و کودکان و ناتوانان معافند، ولی دفاع با همه ی سختی آن وظیفه است.

## پیام ها :

1. ارزش کارها، به انگیزه و شیوه و مقدار آن بستگی دارد. (جهادی ارزش دارد که با تمام توان در راه خدا باشد) (فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ)
2. هم به مردم شخصیت دهید، (اجتَبَاكُمْ. أَيْبِكُمْ. تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ) و هم سخت گیری نکنید. (مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ)
3. در وضع قانون، مراعات توان مردم را بکنیم. (مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ)
4. اسلام، دین آسان و احکام آن انعطاف پذیر است. در زمان ها و مکان های مختلف، شایستگی اجرا شدن را دارد. (مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ)
5. اسلام آیین ابراهیمی و سابقه بس درخشان دارد. (هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ)
6. پیامبران، پدران امت ها هستند. (أَيُّكُمْ)
7. «مسلمان» نام مبارکی است که از قبل برای ما انتخاب شده است. (مِنْ قَبْلُ)

8. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر اعمال ما گواه است. (لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً)

9. نماز و زکات، تشکر از خداوند است. (باید به شکرانه ی برگزیدگی و سابقه و لیاقت و گواه بودن امت اسلام، نماز به پا داشت. )  
فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ... )

10. تنها به برگزیده بودن و نام اسلام و مسلمانی تکیه نکنیم، با نماز و زکات تمسک به خدا، این افتخارات را پاسداری کنیم. (فَأَقِمْوَا  
الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ)

11. مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری در گرو منتهی شدن به ولایت الهی است. (هُوَ مَوْلَاكُمْ)

### نماز خاشعانه، عامل رستگاری و فلاح

(قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (1) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (2)) (مؤمنون، آیات 1 و 2)

قطعاً مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند.

#### نکته ها :

در قرآن، یازده مورد کلمه ی فلاح (رستگاری) با کلمه ی (لعل) (شاید) همراه است: (لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ) لکن در سه مورد بدون این کلمه و به طور حتمی مطرح شده است، یکی در همین سوره و یکی در سوره ی شمس: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) و دیگری در سوره اعلی: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى). از مقایسه این سه مورد با یک دیگر روشن می شود که ایمان و تزکیه دارای جوهر واحدی

هستند.

برترین و آخرین هدف تمام برنامه های اسلام، فلاح و رستگاری است. در بسیاری از آیات قرآن از تقوا سخن گفته شده و هدف از احکام  
دین هم

ص: 112



رسیدن به تقواست: (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) و آخرین هدف تقوا نیز فلاح است: (وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) جالب است که مهم ترین و آخرین هدف دین اسلام در اولین شعار آن آمده است: (قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا) به یگانگی خداوند ایمان آورید و (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) بگوئید تا رستگار شوید.

هر شبانه روز، در اذان و اقامه ی نمازهای یومیّه جمله ی (حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ) را بیست بار بر زبان می آوریم و هدف نهایی را با فریاد رسا اعلام می کنیم، تا راه را گم نکنیم.

اسلام می گوید: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ)، (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى) کسانی رستگارند که ایمان و تزکیه ی نفس داشته باشند، ولی کفر می گوید: (قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى) فرعون می گفت: امروز هر کس زور و برتری دارد رستگار است.

کلمه ی «فلاح» به معنای رستن است، شاید دلیل این که به کشاورز، (فَلَّاح) می گویند آن باشد که وسیله ی رستن دانه را فراهم می کند. دانه که در خاک قرار می گیرد با سه عمل خود را نجات می دهد و به فضای باز می رسد: اول آن که ریشه ی خود را به عمق زمین بند می کند.

دوم این که مواد غذایی زمین را جذب می کند. سوم آن که خاک های مزاحم را دفع می کند.

آری، انسان هم برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی های مادیات و هوس ها و طاغوت ها باید مثل دانه همان سه عمل را انجام دهد: اول ریشه ی عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند. دوم از امکانات خدا دادی آن چه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند. سوم تمام دشمنان و مزاحمان را کنار زند و هر معبودی جز خدا را با کلمه (لَا إِلَهَ) دفع کند تا به فضای باز توحیدی برسد.

شخصی در حال نماز با ریش خود بازی می کرد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر او در دل خشوع داشت، در عمل این گونه نماز نمی خواند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مراد از خشوع در نماز، فرو نهادن چشم است. چه کسانی رستگارند؟

1. عابدان. (وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) پروردگارتان را پرستش کنید، شاید رستگار شوید.
2. آنان که اعمالشان ارزشمند و سنگین است. (فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)
3. دوری کنندگان از بخل. (وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)
4. حزب الله. (أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) حزب خدا رستگارند.
5. اهل ذکر کثیر. (وَأذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.
6. تقوا پیشگان. (فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) ای خردمندان! تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید.
7. مجاهدان. (وَجاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) در راه خدا جهاد کنید تا رستگار شوید.
8. توبه کنندگان. (تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) ای اهل ایمان! همگی توبه کنید تا رستگار شوید.

### پیام ها :

1. رستگاری مؤمنان حتمی است. (قَدْ أَفْلَحَ)
2. ایمان، شرایط و نشانه هایی دارد. (الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ...)
3. نماز، در رأس برنامه های اسلامی است. (فِي صَلَاتِهِمْ)
4. در نماز، حالت و کیفیت مهم است. (خَاشِعُونَ)

## پاسداری از نماز ، نشانه ایمان

( وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ( 8 ) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ( 9 ) ) ( مؤمنون ، آیات 8 و 9 )

و ( مؤمنان رستگار ) کسانی هستند که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند. و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند.

### پیام :

در معرفی سیمای مؤمنان ، نماز هم در ابتدا مطرح شد : ( فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ) و هم در پایان ( عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ) این تکرار و تأکید ، نشان اهمیّت نماز است.

## نماز ، نشانه معاد باوری

( رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَحَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ) ( نور ، آیه 37 )

مردانی که هیچ تجارت و معامله ای ، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات ، به خود مشغول نمی سازد ، آن ها از روزی که در آن ، دل ها و چشم ها دگرگون می شود ، بیم ناکند.

### نکته ها :

کلمه ی ( رِجَالٌ ) در این آیه شامل همه بندگان خدا می شود ، چه مرد و چه زن. ( تجارت ) ، داد و ستد دائمی برای به دست آوردن سود است ، ولی ( بَيْعٌ ) خرید و فروش مقطعی برای رفع نیازهای زندگی است.

در حدیث می خوانیم : مراد از کسانی که در این آیه از آن ها یاد شده است ، تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان ، تجارت را رها می کنند و به سوی نماز می روند.

تجارت ، تنها عاملی نیست که انسان را سرگرم می کند و از یاد خدا باز می دارد ، عوامل دیگری نیز در قرآن کریم ذکر شده است ، از جمله : تکاثر ، آرزو ، فرزند و دوست بد.

## پیام ها :

1. کسانی که تجارت آنان را غافل نکند ، مردان بزرگی هستند. ( رِجَالٌ ) با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است )
2. اگر ایمان و اراده ی قوی باشد ، ابزار و وسایل اثری ندارند. ( لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ )
3. بازار اسلامی ، هنگام نماز باید تعطیل شود. ( لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ )
4. حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند ، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. ( لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ )
5. ترک تجارت ، ارزش نیست ، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است. ( لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ...عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ... ) ( مردان خدا برای زندگی دنیوی تلاش می کنند ، ولی از آخرت غافل نیستند. )
6. ایمان به آخرت ، دنیا را نزد انسان کوچک می کند. ( لَا تُلْهِیهِمْ... يَخَافُونَ يَوْمًا )
7. با این که نماز ذکر خداست ، ولی به خاطر اهمیت ، جداگانه مطرح شده است. ( ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ )

8. نماز و زکات، در کنار یک دیگرند و کسانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. (إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ)

9. دنیا، شما را از آخرت غافل نکند. (يَخَافُونَ يَوْمًا)

10. صحنه های قیامت، چشم ها را خاشع و دل ها را منقلب می سازد. (تَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ)

### نماز آگاهانه موجودات

(أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (41) وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (42)) (نور، آیات 41 و 42)

آیا ندیدی که هر که در آسمان ها و زمین است و پرندگان بال گشوده (در حال پرواز) برای خدا تسبیح می گویند، و هر یک نیایش و تسبیح خود را می داند؟ و خداوند به آن چه می کنند، داناست. و فرمانروایی آسمان ها و زمین، مخصوص خداست. و بازگشت (همه) به سوی اوست.

### نکته ها :

قرآن، بارها مسأله ی تسبیح موجودات و سجده و نماز آن ها را با صراحت بیان کرده و فرموده است : شما تسبیح آن ها را نمی فهمید. از این آیات به دست می آید که علم و شعور مخصوص انسان ها نیست. گر چه بعضی مفسران تسبیح موجودات هستی را تسبیح تکوینی و زبان حال آفرینش دانسته اند، ولی ظاهر آیات بر خلاف این مطلب است.

ص: 117

خداوند ، در این آیه چند مرتبه به صورت غیر مستقیم ، به انسان هشدار داده است :

الف : موجودات آسمان و زمین و پرندگان در حال تسبیح هستند. چرا انسان غافل است؟!

ب : تسبیح موجودات ، آگاهانه است. چرا انسان در نماز حضور قلب ندارد؟!

ج : پرندگان ، هنگام پرواز در هوا در حال تسبیح و نمازند ، اما برخی انسان ها هنگام پرواز در آسمان ، در حال غفلت و مستی به سر می برند!

در روایات می خوانیم : امام صادق ( علیه السلام ) هنگامی که صدای گنجشکی را شنید فرمود : این پرنده مشغول دعا و تسبیح است.

### پیام ها :

1. تنها به خود نیندیشید ، به اطراف خود هم بنگرید و در هستی نیز مطالعه اندیشه کنید. ( أَلَمْ تَرَ )
2. در میان موجودات هستی ، پرندگان ، آن هم در حال پرواز ، توجه خاصی به خدا دارند. ( وَ الطَّيْرُ صَافَاتٍ )
3. همه ی موجودات ، شعور دارند و نماز و تسبیح آن ها ، آگاهانه است. ( كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ )
4. نماز ، در صورتی ارزش دارد که نمازگزار بداند چه می گوید و چه می کند. ( كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ )
5. نماز و تسبیح هر موجودی به صورت خاصی است. ( صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ )
6. خداوند ، بر جزئیات تمام اعمال آگاه است. ( عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ )
7. نظام هستی ، هم فرمانروا دارد ؛ ( وَ لِلَّهِ مُلْكٌ ... ) و هم هدفدار است. ( وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ )

## نماز و اطاعت از رهبری الهی

( وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ) ( نور ، آیه 56 )

و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و از پیامبر اطاعت کنید. شاید مورد رحمت قرار گیرید.

### نکته ها :

امام صادق ( علیه السلام ) با تلاوت آیه 56 فرمود : زکاتِ فطره ، مصداقِ زکاتِ آیه و واجب است. شاید آیه 57 پاسخ سؤالی باشد که با آن همه کفر و نفاق و امکاناتی که مخالفان دارند ، چگونه خداوند به مؤمنان وعده حاکمیت بر زمین را می دهد ؟ این آیه می فرماید : و ( لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ) تردید نکن ، زیرا مخالفان نمی توانند در هیچ کجای زمین اراده و راه

خداوند را مختل و عاجز نمایند. بر خلاف میل و پندار نا درست دشمنان ، روزی حکومت امام زمان ( علیه السلام ) محقق خواهد شد.

### پیام ها :

1. اقامه نماز و ادای زکات ، نمونه بارز عمل صالحی است که در حاکمیت مؤمنان انجام می شود. ( وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ... )
2. در اسلام ، مسائل عبادی ( أَقِيمُوا الصَّلَاةَ ) و مسائل مالی ( آتُوا الزَّكَاةَ ) و مسائل سیاسی و حکومتی ( أَطِيعُوا الرَّسُولَ ) از یک دیگر جدا نیستند.
3. وعده های الهی ( در آیه قبل ) ، سبب تن پروری نشود ! ( أَقِيمُوا... آتُوا الزَّكَاةَ ... )
4. شرط رسیدن به رحمت الهی ، پیروی از خدا و رسول است. ( لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ )
5. کفار ، اگر چه ابر قدرت باشند ، اما در برابر قدرت خدا شکست خواهند خورد. ( لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ ... )

## تنظیم برنامه زندگی بر اساس اوقات نماز

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ) (نور، آیه 58)

ای کسانی که ایمان آورده اید! غلامان و فرزندان که به سن بلوغ و احتلام نرسیده اند، در سه وقت (برای ورود به اتاق) از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و هنگام نیم روز، که لباس از تن بیرون می کنید، و بعد از نماز عشاء. این سه وقت، هنگام خلوت شماس است، اما در غیر این سه وقت، بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت

و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می کند و خداوند دانا و حکیم است.

### نکته ها :

اگر بار دیگر، از ابتدای سوره نگاهی به آیات آن بکنیم، خواهیم دید که سیاست پیشگیری از گناه در احکام الهی نهفته است، مثلاً زن و مرد زنا کار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید، (آیه 1) ازدواج آنان را محدود کنید، (آیه 3) اگر کسی بدون چهار شاهد نسبت ناروا داد، هشتاد تازیانه بزنید، (آیه 4) اگر تهمتی را شنیدید بر خورد کنید، (آیه 12) هر کس اشاعه فحشا را دوست بدارد، عذاب دردناک خواهد داشت، (آیه 19) به دنبال گام های شیطان نروید، (آیه 21) کسانی که به زنان پاک دامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت،

ص: 120



( آیه 23 ) پاکان به سراغ ناپاکان نروند ، ( آیه 26 ) سر زده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید بپذیرید و برگردید ، ( آیه 27. 28 ) چشمان خود را از نا محرم پیش کشید و خیره نشوید ، ( آیه 30 . 31 ) زنان زیور خود را نشان ندهند ، برای ازدواج افراد بی همسر قیام کنید و از فقر نترسید ، ( آیه 32 ) و در این آیه می فرماید : ساعاتی با همسران خلوت کنید که بدانید فرزندان و خادمان منزل سر زده وارد نمی شوند. آری تمام این دستورات برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زود رس و حفظ حریم و حیا و آبرو است.

## پیام ها :

1. مسئول آموزش احکام دین به فرزندان ، والدین مؤمن هستند. ( یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ )
2. محل خواب والدین ، اگر جدا از فرزندان باشد ، نیاز به اذن دارد. ( لِيَسْتَأْذِنَكُمْ )
3. کودکی و بردگی ، بهانه ای برای شکست حریم دیگران نیست. ( لِيَسْتَأْذِنَكُمْ )
4. مرد باید در طول شبانه روز ، اوقاتی را به همسر خود اختصاص دهد. ( ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ )
5. حتی فرزندان نا بالغ باید احکام خانواده را بدانند و مراعات کنند. ( لِيَسْتَأْذِنَكُمْ... الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ )
6. اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسائل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی ( که در آیه 55 آمده است ) طرح و برنامه دارد. و هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اطاق والدین. ( لِيَسْتَأْذِنَكُمْ... الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ )
7. کودکان باید پاک دامنی را از محیط خانه بیاموزند. ( لِيَسْتَأْذِنَكُمْ )

8. تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. (الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ)

9. لباس کار و لباس بیرون را باید در خانه کنار گذاشت. (تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ)

1. استراحت بعد از ظهر و در میان ساعات کار، مفید و مناسب است. (تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ)

11. تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد. (قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ. بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ)

12. تمام احکام الهی بر اساس علم و حکمت است. (عَلِيمٌ حَكِيمٌ)

### نماز، زمینه هدایت و بشارت مؤمنان

(هُدًى وَ بُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (2) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ) (نمل، آیات 2 و 3)

که (وسیله ی) هدایت و بشارت برای اهل ایمان است. کسانی که نماز بر پا می دارند و زکات می پردازند و تنها ایشانند که به آخرت یقین دارند.

### نکته ها :

زکات دو معنا دارد : یکی معنای خاص که زکات معروف است و دیگری معنای عام که کمک به نیازمندان به هر نحو است. در این آیه مراد معنای دوم زکات است، زیرا این سوره در مکه نازل شده و دستور زکات رسمی در مدینه صادر شده است. (يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ)

کلمه ی (مُبِينٍ) از (ابانه)، هم به معنای « روشن » به کار می رود که به اصطلاح فعل لازم است و هم به معنای « روشنگر » که فعل متعدی است.

1. یکی از سنت های الهی این است که وحی را با برتری و مقامی که دارد در دسترس انسان قرار دهد. ( تِلْكَ )
2. دایره ی ارشاد از طریق گفتن و شنیدن ، گسترده تر از نوشتن و خواندن است. ( کلمه ی قرآن قبل از کتاب آمده است ) ( الْقُرْآنِ وَ كِتَابِ )
3. حرکت انبیا فرهنگی و باقرائت و کتابت همراه است. ( آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابِ )
4. قرآن ، کتابی بس بزرگ است. ( كِتَابِ ) بدون « الف و لام » و همراه با تنوین نشانه ی عظمت است (
5. قرآن برای مردم قابل درک است. ( كِتَابِ مُبِينِ )
6. ارشاد و تبلیغ ، باید با محتوای روشن و شیوه ای صریح و قاطع همراه باشد. ( تِلْكَ مُبِينِ )
7. هدایت ، درجات و مراحل دارد : هدایت ابتدایی : ( هُدًى لِلنَّاسِ ) هدایت تکمیلی : ( هُدًى... لِلْمُؤْمِنِينَ )
8. از امتیازات قرآن ، مکتوب بودن : ( كِتَابِ ) روشن و روشنگر بودن : ( مُبِينِ ) هدایت کردن : ( هُدًى ) و بشارت دادن است. ( بشری )
9. رسالت اصلی قرآن ، هدایت و بشارت است و توجه قرآن به علوم و مسائل دیگر جنبی است. ( هُدًى وَ بُشْرَى )
10. ایمان ، کلید هدایت و نجات است. ( هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ )
11. در هدایت شدن ، قابلیت شرط اصلی است. ( لِلْمُؤْمِنِينَ )
12. برای ترویج خوبی ها ، از خوبان تجلیل کنیم. ( الَّذِينَ... )
13. در تجلیل ، محور کردار مردم است ، نه نام و عنوان آن ها. ( يَقِيمُونَ... يُؤْتُونَ... )
14. عمل ، نشانه ی ایمان است. ( لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يُعْمَلُونَ... )

15. حَتَّىٰ مُؤْمِنَانِ اَهْلِ نَمَازٍ وَزَكَاتٍ لِتَدَاوَمِ كَارِ خُودِ بِهٖ هِدَايَةِ اَلْهٰى نِيَاذِ دَارِنْدِ. ( هُدًى... لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ... ) در قیامت نیز انسان به مرحله ای از هدایت محتاج است. ( يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِاِيْمَانِهِمْ )
16. نَمَازِى اَرْشِ دَارِدِ كِهٖ بِاِشْرَاطِ صِحْتِ وَ كَمَالِ اِنْجَامِ گيرد. ( يَقِيْمُوْنَ ) ( معنای اقامه ی نماز ، انجام دادن آن با شرایط است )
17. رَابِطَهٗ بِاِخْدَاوِنْدِ بِرِ رَابِطَهٗ بِاِ مَرْدَمِ مَقْدَمِ اِسْتِ. ( يَقِيْمُوْنَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوْنَ الزَّكَاةَ ) ( نماز ، قبل از زکات آمده است )
18. چون نماز و رابطه با خدا ، زمینه ساز سایر کارهای خیر است ، نام آن در ابتدا آمده است. ( الصَّلَاةُ )
19. تَدَاوَمِ عَمَلِ ، بِهٖ عَمَلِ اَرْشِ مِى دَهْدِ. ( يَقِيْمُوْنَ. يُؤْتُوْنَ ) ( فعل مضارع نشانه ی استمرار و تداوم است )
20. يَكِى اِز اَمْتِيَاذَاتِ اِسْلَامِ اَيْنِ اِسْتِ كِهٖ مَسْاَلِ اَلْهٰى وَ مَرْدَمِى ، مَعْنَوِى وَ مَادِّى ، اَيْنِ جِهَانِى وَ اَنْ جِهَانِى رَا دَر كِنَارِ هَمِ قَرَارِ دَاڤِهٖ اِسْتِ. ( الصَّلَاةُ. الزَّكَاةُ )
21. دَر تَبْلِيغِ ، اَوَّلِ كَارِهَآيِى رَا مَطْرَحِ كَنِيدِ كِهٖ بَرَاى مَرْدَمِ خَرَجِ نِدَارِدِ. ( اَوَّلِ نَمَازِ ، بَعْدِ زَكَاتِ ) ( الصَّلَاةُ. الزَّكَاةُ )
22. مَؤْمِنِ دَر بَرَابَرِ مَسْاَلِ اِجْتِمَاعِى وَ نِيَاذِ مَحْرُومَانِ وَ گَرَسَنگانِ ، اِحْسَاسِ مَسْئُولِيَّتِ مِى كِنْدِ. ( يُؤْتُوْنَ الزَّكَاةَ )
23. هَر كَجَا حَسَّاسِيَّتِ لَازِمِ اِسْتِ ، كَلَامِ رَا تَكَرَّرِ كَنِيدِ. ( نَمَازِ وَ زَكَاتِ بَا يَكِ كَلِمَهٗ ( اَلَّذِيْنَ ) اَمْدَهٗ ، ولى يقين به معاد با دو بار کلمه ی ( هُمْ ) به کار رفته است. )
24. نَمَازِ وَ زَكَاتِى اَرْشِ دَارِدِ كِهٖ بِاِ اِيْمَانِ بِهٖ مَعَادِ هَمْرَاهِ بَاشْدِ. ( وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ )
25. اَهْلِ يَقِيْنِ ، تَنَهَا گَرُوهٖ خَاصِّى هَسْتِنْدِ. ( هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُوْنَ ) تَكَرَّرِ كَلِمَهٗ ي ( هُمْ ) نَشَانَهٗ ي اَيْنِ اِسْتِ كِهٖ اَيْنِ گَرُوهٖ ، گَرُوهٖ خَاصِّى هَسْتِنْدِ.

26. مؤمنین برنده هستند؛ با نماز خود سازی می کنند و با زکات مشکلات جامعه را حل و با یقین به معاد، آینده ی خود را تأمین می کنند. (يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ... الزَّكَاةَ... يُؤْتُونَ)

27. علم، به فراموشی تبدیل می شود ولی یقین، با توجه دائمی همراه است. (يُؤْتُونَ)

28. گمان و دانستن کافی نیست، باور قلبی و یقین لازم است. (يُؤْتُونَ)

### نقش نماز در سازندگی جامعه

(اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ) (عنکبوت، آیه 45)

آن چه را از کتاب (آسمانی قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را به پادار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر باز می دارد و البتّه یاد خدا بزرگ تر است و خداوند آن چه را انجام می دهد می داند.

### نکته ها :

در این آیه خداوند به پیامبرش دستور تلاوت قرآن و نماز را در کنار هم داده و این به خاطر آن است که قرآن و نماز دو منبع نیرو بخش می باشند. خداوند که به پیامبرش از یک مسئولیت سنگین خبر می دهد، (إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا) به او می فرماید: برای انجام این مسئولیت سنگین، از دو منبع نیرو بخش کمک بگیر:

یکی تلاوت قرآن. (وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا)

و دیگری نماز شب. (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْناً وَأَقْوَمُ قِيلاً)

البَّتَّةَ علاوه بر این آیه، نماز و قرآن، بارها در کنار هم آمده است؛ از جمله: (يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ) و (يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ)

برای جمله (لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ) چند معنا بیان شده است:

الف: نماز، بزرگ ترین ذکر الهی است. به دلیل آیه ی (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) «6» که نماز را ذکر خداوند می داند.

ب: یاد خدا (و حضور قلب)، بالاتر از ظاهر نماز است.

ج: یاد خدا برای انسان از همه کارها برتر است.

د: یاد خدا، برای جلوگیری از فحشا و منکر بالاتر از هر اهرم دیگر است.

ه: یاد خدا از شما، بزرگ تر از یاد شما از خدا است. (البَّتَّةَ این معنا با توجه به روایات در ذیل آیه (فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ) برداشت شده است.

به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گفته شد: فلانی هم نماز می خواند و هم خلاف می کند، فرمود: (إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا) بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام (علیه السلام) فرمود: (فَبِقَدْرِ مَا مَنَعَتْهُ قَبِلَتْ مِنْهُ) به اندازه ای که نماز، انسان را از منکرات باز می دارد، به همان اندازه قبول می شود.

## پیام ها:

1. تنها آشنایی با مفاهیم، تلاوت و آموزش قرآن کافی نیست، بلکه عمل لازم است. (اتل. اقم)
2. قرآن و نماز، در رأس برنامه های تربیتی است. (اتل. اقم)
3. رابطه پیامبر با مردم از طریق تلاوت آیات قرآن و ابلاغ اوامر خداوند به آنان و رابطه او با خدا از طریق عبادت و نماز است. (اتل. اقم)

4. در تبلیغ و ارشاد ، حکمت و آثار دستورها دینی را بیان کنیم. ( اَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ )
5. در پیشگاه خداوند ، نماز از عظمت و جایگاه خاصی برخوردار است. ( اقم الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ ) ( تکرار کلمه ی ( صلاة ) )
6. نقش اصلاحی نماز در فرد و جامعه حدسی و پیشنهادی نیست ، بلکه قطعی است. ( إِنَّ الصَّلَاةَ ) ( کلمه ی ( ان ) و جمله ی اسمیه )
7. اگر نماز انسان ، او را از فحشا و منکر باز نداشت ، باید در قبولی نماز خود شک کند. ( إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى )
8. گسترش کارهای نیک و معروف ، به طور طبیعی مانع رشد منکر است. ( الصَّلَاةُ تَنْهَى )
9. علم خداوند ، ضامن اجرای صحیح دستوره‌های اوست. ( وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ )
10. در نماز ، انواع راز و رمزها ، هنرها و سلیقه ها نهفته است. ( مَا تَصْنَعُونَ )

### نماز و باز دارندگی از منکرات

سؤال : چگونه نماز فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می دارد ؟

1. ریشه ی تمام منکرات غفلت است و خداوند در آیه 179 سوره ی اعراف ، انسان غافل را از حیوان بدتر شمرده است. ( أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ) و نماز چون یاد خدا و بهترین وسیله ی غفلت زدایی است ، پس زمینه ی منکرات را از بین می برد.
2. اقامه ی نماز و داشتن رنگ الهی ، مانع گرفتن رنگ شیطانی است. چنان که کسی که لباس سفید بپوشد ، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند.
3. در کنار نماز ، معمولاً توصیه به زکات شده است ، که فرد را از منکر بخل و بی تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از منکر فقر که زمینه ی رویکرد به منکرات است ، رها می سازد.

4. نماز، دارای احکام و دستوراتی است که رعایت هر یک از آن‌ها انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد، مثلاً:

شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد.

رعایت شرط پاک بودن آب وضو، مکان، لباس و بدن نمازگزار، انسان را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌کند.

شرط اخلاص، انسان را از منکر شرک، ریا و سُمعه باز می‌دارد.

شرط قبله، انسان را از منکر بی‌هدفی و به هر سو توجّه کردن باز می‌دارد. رکوع و سجده، انسان را از منکر تکبر باز می‌دارد.

توجّه به پوشش مناسب در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌کند.

توجّه به عدالت امام جماعت، سبب دوری افراد از فسق و خلاف می‌شود.

نماز جماعت، انسان را از گوشه‌گیری نابجا نجات می‌دهد.

احکام و شرایط نماز جماعت، بسیاری از ارزش‌ها را زنده می‌کند از جمله: مردمی بودن، جلو نیافتادن از رهبر، عقب نماندن از جامعه، سکوت در برابر سخن حق امام جماعت، نظم و انضباط، ارزش‌گذاری نسبت به انسان‌های با تقوا، دوری از تفرقه، دوری از گرایش‌های مذموم نژادی، اقلیمی، سیاسی و حضور در صحنه که ترک هر یک از آن‌ها، منکر است.

لزوم تلاوت سوره حمد در هر نماز، رابطه‌ی انسان را با آفریننده‌ی جهان، (رَبِّ الْعَالَمِينَ)، با تشکر، تعبد و خضوع در برابر او، (إِيَّاكَ نَعْبُدُ) با توکل و استمداد از او، (إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) با توجّه و یادآوری معاد، (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) با رهبران معصوم و اولیای الهی، (أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ)، با برائت از رهبران فاسد، (غَيْرِ الْمَغْضُوبِ) و رابطه‌ی انسان را با دیگر مردم جامعه (نَعْبُدُ وَنَسْتَعِينُ) بیان

می‌کند که غفلت از هر یک از آن‌ها منکر، یا زمینه ساز منکری بزرگ است.



## شکوفایی فطرت در پرتو نماز

( مُنِيبِينَ اِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ) ( روم ، آیه 31 )

( شما نیز بر اساس همان فطرت ) ، به سوی او روی آورید و از او پروا کنید و نماز را بر پا کنید و از مشرکان نباشید.

### نکته ها :

کلمه ی ( مُنِيبِينَ ) از ( انابه ) به معنای رجوع مکرر و مداوم است.

در آیه ی قبل ، به شخص پیامبر فرمود : ( فَأَقِّمِ وَجْهَكَ ) ، در این آیه به همه ی مردم دستور انابه و بازگشت به سوی خدا می دهد. ( مُنِيبِينَ اِلَيْهِ )

### پیام ها :

1. گرایش فطری و درونی به دین را با مناجات و انابه و تقوا و نماز شکوفا نمایید. ( مُنِيبِينَ اِلَيْهِ... )
2. تقوا و نماز ، هم سوی فطرت است. ( فِطْرَتَ اللّٰهِ... وَ اتَّقُوهُ وَ اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ )
3. توبه و انابه ، باید با کناره گیری از گناه و انجام واجبات همراه باشد. ( مُنِيبِينَ... وَ اتَّقُوهُ وَ اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ )
4. در سایه ی توبه و تقوا و نماز ، قدرت فاصله گرفتن از شرک و تفرقه را پیدا می کنید. ( مُنِيبِينَ اِلَيْهِ... وَ لَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ )
5. اگر عبادت فردی ، با کناره گیری از تفرقه های مذهبی همراه نباشد ، کارساز نیست. ( لَا تَكُوْنُوْا... مِنَ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا )
6. اقامه ی نماز ، تجلّی روح تقوا در انسان است. ( وَ اتَّقُوهُ وَ اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ )

## اقامه نماز ، نشانه نیکوکاران ( محسنین )

( الَّذِينَ يَتَّقُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ )

آنان که نماز به پا می دارند و زکات می پردازند و تنها آنان به آخرت یقین دارند. ( لقمان ، آیه 4 )

### پیام ها :

1. نماز و زکات ، از یک دیگر جدا شدنی نیستند. ( يَتَّقُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ )
2. اقامه ی نماز و پرداخت زکات باید سیره ی دائمی باشد. ( ( يَتَّقُونَ ) و ( يُؤْتُونَ ) در قالب مضارع آمده که نشان استمرار است )
3. چون اسلام دین جامعی است ، تکلیف های آن نیز جامع و همه جانبه است. تکلیف بدنی : « نماز » ، مالی : « زکات » و قلبی : « یقین ». ( الصلاة ، الزكاة ، يوقنون )
4. ارتباط با خدا ( اقامه ی نماز ) و ارتباط با مردم ( پرداختن زکات ) ، همراه با ایمان به قیامت ارزشمند است. ( وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ )
5. نیکوکار کسی است که هم به مسائل اقتصادی توجه دارد و هم به مسائل معنوی. ( لِلْمُحْسِنِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ ... يُؤْتُونَ )

( يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ) ( لقمان ، آیه 17 )

فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آن چه از سختی ها به تو می رسد مقاومت کن که این ( صبر ) از امور واجب و مهم است.

### نکته ها :

مراد از (عزم) در این جا ، یا عزم و اراده ی قطعی خداوند بر انجام این امور است و یا لزوم عزم و تصمیم جدی انسان بر انجام آن ها.

با این که در قرآن ، 28 مورد در کنار نماز از زکات یاد شده ؛ اما در این جا کنار نماز امر به معروف ذکر شده است. شاید به خاطر آن که در این آیه مورد خطاب فرزند است و فرزندان معمولاً ثروتی ندارند که زکات بپردازند. ( أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ )

حضرت علی ( علیه السلام ) می فرماید : در مشقت و سختی هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو می رسد ، صبر کن.

صبر ، گاهی در برابر مصیبت است ، ( وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ ) گاهی در برابر انجام وظیفه ، ( وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ ) و گاهی در برابر گناه ، چنان که یوسف در زندان گفت : ( رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ ... ) پروردگار! زندان نزد من بهتر از ارتکاب گناهی است که مرا به آن می خوانند ، تا آن جا که فرمود : ( إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ )

### پیام ها :

1. یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان ، سفارش به نماز است. ( يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ )

2. پاک سازی درونی را با دوری از شرک و باز سازی روحی را با نماز آغاز کنیم. ( لا تُشْرِكْ... أَقِمِ الصَّلَاةَ )

3. وجوب امر به معروف و نماز ، مخصوص دین اسلام نیست. ( قبل از اسلام نیز ، لقمان سفارش به نماز کرده است ) ( يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ )

4. فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز ، مؤمن و خدایی ، و از طریق سفارش به امر به معروف و نهی از منکر ، افرادی مسئول و اجتماعی تربیت کنیم. ( يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ )

5. آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببریم که معروف ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند. ( يَا بُنَيَّ وَ أْمُرْ وَ أَنَّهُ )

6. بعد از توجه به مبدأ و معاد ، مهم ترین عمل ، نماز است. ( أَقِمِ الصَّلَاةَ )

7. کسی که می خواهد در جامعه امر و نهی کند و قهراً با هوس های مردم درگیر شود ، باید به وسیله ی نماز خود سازی و خود را از ایمان سیراب کند. ( أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ )

8. فرزندان خود را امر به معروف و ناهمی از منکر بار آوریم. ( وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ... )

9. امر به معروف ، همیشه قبل از نهی از منکر است. ( وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ الْمُنْكَرِ ) رشد معروف ها در جامعه ، مانع بروز بسیاری از منکرات می گردد.

10. در مسیر حق بودن کافی نیست ، لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم. ( وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ) چنان که در سوره عصر می خوانیم : ( الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ )

11. در تبلیغ دین و اجرای فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر ، باید صبر و سعه ی صدر داشته باشیم. ( وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ ) نهی از منکر ، با تلخی ها و نیش زدن های گناهکاران همراه است ، مبادا عقب نشینی کنیم.

12. پدر حکیم ، رسیدن سختی به فرزندش را می پذیرد و فرمان صبر می دهد ، ولی ضربه به مکتبش را که سکوت در برابر فساد باشد ، هرگز. ( وَ إِنَّهُ الْمُنْكَرُ وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ )

13. امر به معروف و نهی از منکر از مسائل مهم است و صبر در برابر آن چه در این راه به انسان می رسد ارزش دارد. ( اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ )

### سیمایی از نماز :

به مناسبت سفارش به نماز و امر به معروف در این آیه ، اکنون به توضیح مختصری پیرامون این دو فریضه می پردازیم :

نماز ، ساده ترین ، عمیق ترین و زیباترین رابطه ی انسان با خداوند است که در تمام ادیان آسمانی بوده است.

نماز ، تنها عبادتی است که سفارش شده قبل از آن ، خوش صداترین افراد بر بالای بلندی رفته و با صدای بلند ، شعار ( حَيَّ عَلٰی الصَّلَاةِ ، حَيَّ عَلٰی الْفَلَاحِ ، حَيَّ عَلٰی خَيْرِ الْعَمَلِ ) را سر دهند ، با اذان خود سکوت را بشکنند و یک دوره اندیشه های ناب اسلامی را اعلام و غافلان را بیدار کنند.

نماز به قدری مهم است که حضرت ابراهیم ( علیه السلام ) هدف خود را از اسکان زن و فرزندش در صحرای بی آب و گیاه مکه ، اقامه ی نماز معرفتی می کند ، نه انجام مراسم حج.

امام حسین ( علیه السلام ) ظهر عاشورا برای اقامه ی دو رکعت نماز ، سینه ی خود را سپر تیرهای دشمن قرار داد.

قرآن ، به حضرت ابراهیم و اسماعیل ( علیهما السلام ) دستور می دهد که مسجد الحرام را برای نمازگزاران آماده و تطهیر نمایند. آری ، نماز به قدری مهم است که زکریا و مریم و ابراهیم و اسماعیل ( علیهم السلام ) خادم مسجد و محل برپایی نماز بوده اند.

نماز، کلید قبولی تمام اعمال است و امیر المؤمنین (علیه السلام) به استاندارش می فرماید: بهترین وقت خود را برای نماز قرار بده و آگاه باش که تمام کارهای تو در پرتو نمازت قبول می شود.

نماز، یاد خداست و یاد خدا، تنها آرام بخش دل هاست.

نماز، در بیش تر سوره های قرآن، از بزرگ ترین سوره (بقره) تا کوچک ترین آن (کوثر) مطرح است.

نماز، از هنگام تولد در زایشگاه که در گوش نوزاد اذان و اقامه می گویند تا پس از مرگ که در گورستان بر مرده نماز می خوانند، جلوه می کند.

هم برای حوادث زمینی مانند زلزله و بادهای ترس آور آمده و هم برای حوادث آسمانی مانند خسوف و کسوف، نماز آیات واجب شده و حتی برای طلب باران، نماز باران آمده است.

نماز، انسان را از انجام بسیاری منکرات و زشتی ها باز می دارد.

در نماز، تمام کمالات به چشم می خورد که ما چند نمونه از آن را بیان می کنیم: نظافت و بهداشت را در مسواک زدن، وضو، غسل و پاک بودن بدن و لباس می بینیم.

جرات، جسارت و فریاد زدن را از اذان می آموزیم.

حضور در صحنه را از اجتماع در مساجد یاد می گیریم.

توجه به عدالت را در انتخاب امام جماعت عادل می یابیم.

توجه به ارزش ها و کمالات را از کسانی که در صف اول می ایستند، به دست می آوریم.

جهت گیری مستقل را در قبله احساس می کنیم. آری، یهودیان به سویی و مسیحیان به سوی دیگر مراسم عبادی خود را انجام می دهند و مسلمانان باید

مستقل باشند و لذا به فرمان قرآن، کعبه، قبله ی مستقل مسلمانان می شود، تا استقلال در جهت گیری آنان حفظ شود.

مراعات حقوق دیگران را در این می بینیم که حتی یک نخ غصبی، نباید در لباس نمازگزار باشد.

توجه به سیاست را آن جا احساس می کنیم که در روایات می خوانیم: نمازی که همراه با پذیرش ولایت امام معصوم نباشد، قبول نیست.

توجه به نظم را در صف های منظم نماز جماعت و توجه به شهدا را در تربت کربلا و توجه به بهداشت محیط را در سفارش هایی که برای پاکی و نظافت مسجد و مسجدی ها داده شده است، می بینیم.

توجه به خدا را در تمام نماز، توجه به معاد را در ( مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ )، توجه به انتخاب راه را در ( اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ )، انتخاب همراهان خوب را در ( صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ )، پرهیز از منحرفان و غضب شدگان را در ( غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ )، توجه به نبوت و اهل بیت پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) را در تشهد و توجه به پاکان و صالحان را در ( اَلْسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ ) می بینیم.

توجه به تغذیه سالم را آن جا می بینیم که در حدیث آمده است: اگر کسی مشروبات الکلی مصرف کند، تا چهل روز نمازش قبول نیست.

آراستگی ظاهر را آن جا می بینیم که سفارش کرده اند از بهترین لباس، عطر و زینت در نماز استفاده کنیم و حتی زن ها وسایل زینتی خود را در نماز همراه داشته باشند.

توجه به همسر را آن جا می بینیم که در حدیث می خوانیم: اگر میان زن و شوهری کدورت باشد و یا یک دیگر را بیازارند و بد زبانی کنند، نماز هیچ کدام پذیرفته نیست.

این ها گوشه ای از آثار و توجّهاتی بود که در ضمن نماز به آن متذکّر می شویم. امام خمینی قدس سره فرمود: « نماز ، کارخانه ی انسان سازی است ».

## امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف ، یعنی سفارش به خوبی ها و نهی از منکر ، یعنی باز داشتن از بدی ها.

انجام این دو امر مهم نیاز به سنّ خاصی ندارد ، زیرا لقمان به فرزندش می گوید : ( يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ... )

امر به معروف ، نشانه ی عشق به مکتب ، عشق به مردم ، علاقه به سلامتی جامعه و نشانه ی آزادی بیان ، غیرت دینی ، ارتباط دوستانه بین مردم و نشانه ی فطرت بیدار و نظارت عمومی و حضور در صحنه است.

امر به معروف و نهی از منکر ، سبب تشویق نیکو کاران ، آگاه کردن افراد جاهل ، هشدار برای جلوگیری از خلاف و ایجاد نوعی انضباط اجتماعی است. قرآن می فرماید : شما مسلمانان بهترین اّمت هستید ، زیرا امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

حضرت علی ( علیه السلام ) می فرماید : امر به معروف و نهی از منکر ، مصلحت عامّه است چنان که در حدیث دیگر می خوانیم : کسی که جلوی منکر را نگیرد ، مانند کسی است که مجروحی را در جاده رها کند تا بمیرد.

پیامبرانی هم چون حضرت داود و حضرت عیسی ( علیهما السلام ) به کسانی که نهی از منکر نمی کنند ، لعنت فرستاده اند.

قیام امام حسین ( علیه السلام ) برای امر به معروف و نهی از منکر بود. ( إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْحَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أُرِيدُ أَنْ أْمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ ) در حدیث می خوانیم : به واسطه ی امر به معروف و نهی از منکر ، تمام واجبات به پا داشته می شود. قرآن می فرماید : اگر در مجلسی به آیات الهی



توهین می شود، جلسه را به عنوان اعتراض ترک کنید تا مسیر بحث عوض شود. انسان باید هم در دل از انجام گناه ناراحت باشد، هم با زبان، آن را نهی کند و هم با اعمال قدرت و قانون، مانع انجام آن شود.

اگر کسی را به کار خوبی دعوت کردیم، در پاداش کارهای خوب او نیز شریک هستیم، ولی اگر در برابر فساد، انحراف و گناه ساکت نشستیم، به تدریج فساد رشد می کند و افراد فاسد و مفسد بر مردم حاکم خواهند شد.

سکوت و بی تفاوتی در مقابل گناه، سبب می شود که گناه کردن عادی شود، گناه کار جرأت پیدا کند، ما سنگ دل شویم، شیطان راضی گردد و خدا بر ما غضب نماید.

امر به معروف و نهی از منکر، دو وظیفه ی الهی است و توهّماتی از این قبیل که: گناه دیگران کاری به ما ندارد، آزادی مردم را سلب نکنیم، من اهل ترس و خجالت هستم، با یک گل که بهار نمی شود، عیسی به دین خود موسی به دین خود، ما را در یک قبر قرار نمی دهند، دیگران هستند، من چرا امر به معروف کنم؟ با نهی از منکر، دوستان یا مشتریان خود را از دست می دهم، و امثال آن، نمی توانند این تکلیف را از دوش ما بردارند. البتّه امر به معروف و نهی از منکر باید آگاهانه، دلسوزانه، عاقلانه و حتّی المقدور مخفیانه باشد.

گاهی باید خودمان بگوییم، ولی آن جا که حرف ما اثر ندارد، وظیفه ساقط نمی شود، بلکه باید از دیگران بخواهیم که آنان بگویند. حتّی اگر برای مدّت کوتاهی می توان جلوی فساد را گرفت، باید گرفت و اگر با تکرار می توان به نتیجه رسید، باید تکرار کرد.

( وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ) ( احزاب ، آیه 33 )

و در خانه های خود قرار گیرید و هم چون دوران جاهلیتِ نخستین ، با خود آرایی ظاهر نشوید ( وزینت های خود را آشکار نکنید ) ، و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید ، و از خدا و رسولش اطاعت کنید ؛ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی ( گناه ) را از شما اهل بیت ( پیامبر ) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

### نکته ها :

( قَرْنَ ) از « وقار » یا « قرار » است ، و نتیجه ی هر دو معنا یکی است. یعنی برای خود نمایی از خانه های خود خارج نشوید.

( تَبَرُّج ) از « برج » به معنای خود نمایی است ، همان گونه که برج در میان ساختمان های دیگر جلوه ی خاصی دارد.

جاهلیتِ اولی نشان دهنده ی ظهور جاهلیتِ آخری است که ما امروز شاهد آنیم. در حدیث نیز آمده است : ( سَتَكُونُ الْجَاهِلِيَّةُ الْآخِرَى ) به زودی جاهلیتِ دیگری فرا می رسد.

اگر در جاهلیتِ آن روز دختر را زنده به گور می کردند ، امروز با سقط جنین ، هم دختر را نابود می کنند ، هم پسر را.

اگر در جاهلیتِ آن روز قتل و آدم کشی وجود داشت ، امروز در جنگ های بزرگ و جهانی کشتارهای میلیونی انجام می گیرد.

جاهلیتِ آن روز مدرسه نبود و جنایت انجام می گرفت ، امروز با وجود هزاران دانشگاه ، مهم ترین حقوق انسان ها پایمال می شود.

## پیام ها :

1- خانواده های شخصیت های بزرگ توصیه های ویژه لازم دارند. (مخاطب آیه ، همسران پیامبر است )

2- زنان نیز هم چون مردان باید نماز را به پا دارند و زکات بپردازند. ( أَقِمْنَ الصَّلَاةَ .... آتَيْنَ الزَّكَاةَ )

3- در این آیه ، اقامه نماز در کتاب پرداخت زکات و اطاعت از خدا رسول (صلی الله علیه و آله و سلم ) ، سخن گفتن معروف و پسندیده ، نشستن زنان در خانه ، تلاوت قرآن ، حکمت اندوزی و توجه به الگوهای معصوم ( اهل بیت ) آمده است. (1)

## نماز ، عامل تربیت پذیری جامعه

( وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ) ( فاطر ، آیه 18 )

و هیچ فردی بار (گناه) دیگری را بر دوش نکشد ، و اگر سنگین باری برای حمل بارش ، حتی از نزدیکان خود دعوتی کند ، چیزی از بارش حمل نشود ( و کسی به او رحم نکنند . ) تو تنها کسانی را که در نمان از پروردگارشان می ترسند و نماز به پا می دارند هشدار می دهی ، و هر کس از گناه پاک شود ، پس این پاکی به نفع خود اوست و بازگشت ( همه ) تنها به سوی خداوند است.

## نکته ها :

کلمه ی ( وِزْرٌ ) به معنای سنگینی و بار است. ( مُثْقَلَةٌ ) یعنی سنگین بار. « حمل » بار پشت و « حمل » بار شکم را گویند. در قرآن می خوانیم که گروهی برای

ص: 139

اغفال و فریب دیگران می گویند: ( اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَ لِنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ ) ما گناه شما را به دوش می گیریم ، این آیه جواب آن ها را می دهد.

سؤال : آیا می توان به استناد این آیه که در قیامت بار هر کس به دوش خود اوست و ضربه ای به دیگری نمی زند ، بگوییم پس ما کاری به گناه کاران نداشته باشیم زیرا بار گناهشان به دوش خودشان است و به ما کاری ندارد ؟

پاسخ : این آیه ، توجیه سکوت در برابر منکرات نیست زیرا خود سکوت ، گناهی است بر گردن افراد ساکت. وظیفه ما امر به معروف و نهی از منکر است ولی اگر گوش ندادند گناهشان به دوش ما نیست. گر چه هر کس تنها مسئول کار خویش است ، اما اگر کسی راه و سنت غلطی را در جامعه پایه گذاری کرد علاوه بر منحرفان ، این سنت گزار نیز مسئول است زیرا راهنمای انحراف و گناه ، شریک در انحراف و گناه است.

### پیام ها :

1. بر اساس عدالت ، هر کس باید بار خودش را بر دوش کشد. ( لَأُتْرَ وَارِزَةٌ... )
2. گناه خود را به گردن نیاکان ، دوستان و محیط نیندازیم. ( وَ لَأُتْرَ وَارِزَةٌ )
3. حساب و کتاب هر کس در قیامت ، جداگانه است. ( لَأُتْرَ وَارِزَةٌ )
4. گناه ، بار است. ( وَرِزٌّ مُثْقَلَةٌ )
5. در قیامت روابط خویشاوندی در قیامت هیچ تأثیری در سرنوشت انسان ندارد و بستگان باری از دوش انسان بر نمی دارند. ( وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى )
6. خشیت و نماز به انسان قابلیت پذیرش می دهد. ( إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ... )
7. تزکیه از طریق تقوا و نماز به دست می آید. ( يَخْشَوْنَ. أَقَامُوا الصَّلَاةَ. تَزَكَّى )
8. تزکیه ی انسان ، به سود خود اوست. ( لِنَفْسِهِ )
9. ممکن است سود تزکیه را در دنیا دریافت نکنید ولی در آخرت قطعاً دریافت می کنید. ( إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ )
10. هستی ، هدفمند و دارای حرکت تکاملی است. ( إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ )

## نماز ، تجارتي زوال ناپذیر

( إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ ) ( فاطر ، آیه 29 )

همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز بر پا می دارند و از آن چه ما روزیشان کرده ایم ، پنهان و آشکار انفاق می کنند ، به تجارتي دل بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد.

### نکته ها :

در آیه قبل سخن از این بود که تنها علما خشیت الهی دارند ، گویا این آیه سیمای علمای واقعی را شرح می دهد که آنان : انس با قرآن دارند. نماز به پا می دارند و انفاق آنان خالصانه است زیرا هم علنی انفاق می کنند و هم پنهانی و اگر ریاکار بودند تنها علنی انفاق می کردند.

( تَبُورَ ) از « بوار » به معنای کسادی شدید در تجارت است. از آن جا که این امر موجب فساد و نابودی است به هلاکت هم بوار گفته می شود.

در آیه قبل ( يَخْشَى اللَّهَ ) مطرح شد و در این آیه ( يَرْجُونَ ) ؛ آری ، مردان خدا میان خوف و رجاء هستند.

در قرآن بارها نماز و قرآن ، در کنار هم مطرح شده اند :

( يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ) کتاب خداوند را تلاوت می کنند و نماز به پا می دارند.

( يُمْسِكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ) به کتاب آسمانی تمسک می کنند و نماز به پا می دارند.

( اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ) آن چه از کتاب به سوی تو وحی شده تلاوت کن و نماز به پا دار.

## امتیازات تجارت با خدا :

1. آن چه از سرمایه داریم ، ( سلامتی ، علم ، عمر ، آبرو ، مال و... ) از اوست پس به خود او بفروشیم. آری ، اگر فرزندی زمین و مصالح و پولی از پدر گرفت و منزلی ساخت بعد افرادی خریدار منزلش شدند که یکی از آنان همان پدر بود ، عقل و وجدان می گوید خانه را به پدر بفروشد ، زیرا خود فرزند و تمام دارایی هایش از اوست و فروش به بیگانه جوان مردی نیست.

2. خداوند به بهای بهشت ابدی می خرد ، ولی دیگران هر چه بخرند ، ضرر و خسارت است ، چون ارزان می خرند و زود گذر است.

3. خداوند کم را می پذیرد ، ( فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ) ولی دیگران کم را نمی پذیرند.

4. خداوند ، از روی عفو و اغماض ، عیب جنس را می پوشاند و با همان نواقص می خرد. در دعای بعد از نماز می خوانیم : خداوندا ! اگر در رکوع و سجود نماز خلل و نقصی است نادیده بگیر و نماز را قبول فرما. در دعای ماه رجب می خوانیم : ( حَابَ الْوَأْفِدُونَ عَلَيَّ غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ ) یعنی باختند کسانی که در خانه غیر تو آمدند و خسارت کردند کسانی که به سراغ دیگران رفتند.

## پیام ها :

1. تلاوت قرآن ( گرچه مستحب است ، ) اما قبل از واجبات آمده است. ( يَتْلُونَ... أَقَامُوا... أَنْفَقُوا )

2. فکر و فرهنگ ، مقدمه ی عمل است. ( يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ. أَقَامُوا الصَّلَاةَ )

3. کسی که عاشقانه مکتب را بپذیرد ، نماز و انفاقش قطعی است. ( تلاوت کتاب به صورت مضارع آمده که نشانه تداوم عمل و علاقه به تلاوت است ،

ص: 142

(يَتْلُونَ) ولی نماز و انفاق به صورت ماضی آمده که نشانه قطعی بودن انجام آن است. ( أَقَامُوا. أَنْفَقُوا )

4. نماز ، باید با رسیدگی به محرومان همراه باشد. ( أَقَامُوا. أَنْفَقُوا )

5. دارائی های انسان ، داده الهی است. ( رَزَقْنَاهُمْ )

6. اگر توجه داشته باشیم که دارایی های ما از خداوند است ، در انفاق ، بخل نمی ورزیم. ( أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ )

7. بخشی از داده ها انفاق شود ، باقی برای خودتان است. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ ) ( کلمه « من » به معنای بعضی است )

8. مورد انفاق ، تنها مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به مردم کمک کرد. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ )

9. انفاق ، هم سری باشد هم آشکارا. ( در انفاق پنهان ، خلوص آدمی رشد می کند و در انفاق آشکار ، مردم تشویق می شوند. ) ( سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ) البته انفاق مخفیانه برتری دارد ، لذا نام آن قبل از انفاق علنی برده شده است. ( سِرًّا وَ عَلَانِيَةً )

10. امید به رستگاری ، باید با فکر و عمل و انفاق همراه باشد وگرنه امید بدون کار ، پنداری بیش است. ( يَتْلُونَ ، أَقَامُوا ، أَنْفَقُوا ، يَرْجُونَ )

11. با داشتن علم و خشیت الهی ( که در آیه قبل بود ) و با تلاوت قرآن و اقامه نماز و کمک به محرومان ، باز هم خود را مستحق ندانید ، تنها امیدوار باشید. ( يَرْجُونَ )

12. در معامله با خدا ، حتی یک درصد زیان نیست. ( تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ )

13. گمان نکنید با انفاق ، مال شما تمام می شود. ( تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ )

14. در فرهنگ اسلام، دنیا بازار است و انسان فروشنده و نعمت های الهی، سرمایه و انتخاب مشتری با انسان است. او می تواند با خدا معامله کند و می تواند غیر خدا را انتخاب کند.

## نماز، لبیک دعوت خداوند

( وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ) ( شوری، آیه 38 )

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پا داشته و کارشان با مشورت میانشان انجام می گیرد و از آن چه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.

## نکته ها :

طلحه و زبیر به حضرت علی ( علیه السلام ) گفتند : ما به شرطی با تو هستیم که در هر کار با ما مشورت کنی ، زیرا حساب ما از دیگران جداست ، حضرت فرمودند : ( نَظَرْتُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ فَأَمْضَيْتُ مَا دَلَّنِي عَلَيْهِ وَ اتَّبَعْتُهُ وَ لَمْ أَحْتِجْ إِلَىٰ رَأْيِكُمْ فِيهِ وَ لَا رَأْيٍ غَيْرِكُمْ وَ لَوْ وَقَعَ حُكْمٌ لَيْسَ فِي كِتَابِ اللَّهِ بَيَانُهُ وَ لَا فِي السُّنَّةِ بُرْهَانُهُ وَ أَحْتِجُّ إِلَىٰ الْمُشَاوَرَةِ فِيهِ لِشَاوَرْتُكُمْ فِيهِ ) من در کتاب خدا و سنت رسول او نگاه می کنم هر چه بود پیروی می کنم و نیازی به رأی و مشورت شما و دیگران ندارم ولی هرگاه امری بود که در کتاب و سنت برهانی بر آن نداشتم و نیاز به مشورت بود با شما مشورت خواهم کرد. در آیه 38 ، نظام شوری برای اداره امور جامعه مورد تأکید قرار گرفته و به همین جهت این سوره شوری نام گرفته است. ما نیز به همین مناسبت ، بخشی از روایات در باب مشورت و شوری را در این جا می آوریم.

( شَاوَرِ الْعُلَمَاءَ الصَّالِحِينَ ) با دانشمندان وارسته مشورت کن.



( وَاجْعَلْ مَشُورَتَكَ مِنْ يَخَافُ اللَّهَ ) در مشورت خود کسانی را قرار ده که خدا ترس باشند.

( شَاوِرِ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْتِرُونَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا ) با اهل تقوی که معاد را بر معاش ترجیح می دهند مشورت نما.

( خَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ ذُوَ النَّهْيِ وَالْعِلْمِ وَأَوْلَا النَّجَارِ وَالْحَزْمِ ) با عقلایی که دارای علم و تجربه هستند مشورت کن.

( لَا تَدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا وَلَا جَبَانًا وَلَا حَرِيصًا ) با افراد بخیل و ترسو و حریص مشورت مکن.

( رَأْيُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ تَجَرِبَتِهِ ) ارزش هر رأی به مقدار تجربه صاحب رأی است.

( أَنْ يَكُونَ حُرًّا مُتَدَيِّنًا صَدِيقًا أَنْ تُطْلِعَهُ عَلَى سِرِّكَ ) با افرادی مشورت کن که راستگو باشند و وابستگی نداشته باشند و او را بر راز خود آگاه کن تا بتواند رأی جامع و کامل ارائه دهد.

( مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ ) در مشورت با عاقل خیر خواه رشد و برکت و توفیق الهی است.

( شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ مَنْ فِيهِ حَمْسٌ خِصَمَالٍ ... ) در کارهای خود با کسی مشورت کن که در او پنج خصلت باشد: عقل، علم، تجربه، خیرخواهی و تقوا.

سؤال: چرا در نامه 31 نهج البلاغه از مشورت با زنان نهی شده است؟

پاسخ: مشورت تابع جنسیت نیست، بلکه تابع معیار و ملاک است. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

( فَإِنَّ زَيْهِنَّ إِلَى أَفْنٍ ) چون زن عاطفی و احساساتی است، معمولاً رأی و نظر او استدلالی نیست. لذا در حدیث دیگری می فرماید: هرگاه تجربه ای از عقل و کمال یک زن داشتید، با او مشورت کنید. بنابراین دلیل نهی از مشورت با

زنان ، سستی رأی بوده است و هرگاه مردی نیز این گونه باشد نباید مورد مشورت قرار گیرد.

سؤال : با این که قرآن می فرماید : اکثر مردم اهل اندیشه نیستند ، ( أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ) ، ( أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ) ، بسیاری از آنان فاسقند ، ( أَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ) و بسیاری در برابر حق تسلیم نیستند ، ( أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ) پس سفارش به مشورت برای چیست ؟

پاسخ : قرآن اکثریت مردمی را در نظر دارد که گرفتار شرک و فساد و هوس هستند و هرگز مرادش ( اکثر المتقین ) و ( اکثر المؤمنین ) نیست.

## فواید مشورت

- احتمال خطا را کم می کند
- استعدادها را شکوفا می کند
- مانع استبداد می شود.
- مانع حسادت دیگران است. اگر با مشورت کامیاب شدیم ، چون دیگران رشد ما را در اثر فکر و مشورت خودشان می دانند نسبت به ما حسادت نمی ورزند. فرزندی که رشد می کند هرگز پدرش به او حسادت نمی ورزد ، چون رشد او را بازتابی از رشد خود می داند.
- امداد الهی را به دنبال دارد ، در فرهنگ دینی ماست که ( يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ )
- استفاده از آرای دیگران طرح را پخته و جامع می کند. ( مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا )
- مشورت نوعی احترام به مردم است ، ممکن است در مشورت حرف تازه ای به دست نیاید ولی احترام به شخصیت مردم است.

- وسیله شناخت دیگران است. تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد با مشورت می توان درجه علمی و فکری و تعهد و برنامه ریزی افراد را شناخت.

سؤال: آیا مشورت پیامبر با مردم جنبه ظاهری داشت؟

پاسخ: هرگز زیرا اگر مشورت می فرمود و خلاف آن را انجام می داد نه تنها به امت احترام نگذاشته بود، بلکه به نوعی روح آنان را جریحه دار می کرد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جنگ های بدر، احد، خندق، حدیبیه، جنگ با بنی قریظه و بنی نظیر و فتح مکه و جنگ تبوک با مسلمانان مشورت فرمود.

مشورت در مسائلی است که مربوط به مردم باشد، ولی در اموری که مربوط به خداوند است نظیر بعثت، امامت و عبادت، جای مشورت نیست. نماز پیمان الهی است، (الصَّلَاةُ عَهْدٌ اَللّٰهِ) عهد خدا را باید انجام داد و نیازی به مشورت ندارد. امامت و رهبری امت نیز عهد الهی است، زیرا همین که حضرت ابراهیم از خداوند درخواست کرد که نسل او رهبر جامعه شود، خداوند فرمود: رهبری و امامت پیمان و عهد من است و سپردن آن مربوط به گزینش من است نه دعای تو و اگر از شخصی ظلمی سر بزند لایق رهبری نیست، (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) پس در رهبری امت، باید تسلیم او باشیم، چنان که قرآن می فرماید: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) امامت به انتخاب من است. اسلام دین جامع و کامل است و در همه امور پرداخته است:

- در مسائل اعتقادی: (آمَنُوا وَ يَتَوَكَّلُونَ)

- در مسائل اخلاقی: (يَجْتَنِبُونَ، يَغْفِرُونَ)

- در مسائل اجتماعی: (شُورَى بَيْنَهُمْ)

- در مسائل عبادی: (أَقَامُوا الصَّلَاةَ)

ص: 147

- در مسائل اقتصادی : ( يُنْفِقُونَ )

- در مسائل سیاسی و نظامی : ( يَنْتَصِرُونَ )

جالب است این صفات در قالب فعل مضارع آمده که نشان استمرار است.

### پیام ها :

1. شیفتگان نماز و انفاق ، از نعمت های برتر و ابدی قیامت برخوردارند. ( مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى... وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا... )
2. توجه به ربوبیت خداوند سبب شیفتگی انسان نسبت به انجام دستورات است. ( اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ )
3. اجابت دعوت خدا ، باید با عمل باشد نه ادعا. ( اسْتَجَابُوا... أَقَامُوا )
4. غرائز را کنترل و موانع را بر طرف کنیم تا راه بندگی خدا باز شود. ( يَجْتَنِبُونَ. يَغْفِرُونَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ )
5. مؤمن استبداد ندارد ، اهل انزوا نیست و به رأی دیگران احترام می گذارد. ( وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ )
6. آن چه مورد سفارش است ، اقامه نماز است نه فقط خواندن نماز. ( یعنی انجام باشکوه نماز با تمام شرایط ) ( أَقَامُوا الصَّلَاةَ )
7. حساب نماز از سایر عبادات جداست. ( با این که نماز جزو امور موجب استجاب رب است ، ولی نام آن جداگانه آمده است. ) ( اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ )
8. شوری و مشورت ، مربوط به امور اجتماعی مردم است ، نه احکام و دستورات دینی. ( أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ )
9. از بیگانگان نظریه نخواهید. ( بَيْنَهُمْ )
10. انفاق مخصوص مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به دیگران کمک کرد. ( مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ )

11. انفاق کننده بداند آن چه دارد از خودش نیست ، رزق خداست. (رَزَقْنَاهُمْ)

12. نماز ، تکبر را ؛ مشورت ، استبداد را و انفاق ، بخل را در جامعه محو می کند. (الصَّلَاةُ ، سُورَى ، يُنْفِقُونَ)

13. دفاع لازم است گر چه با استمداد از مؤمنان باشد و سکوت و ظلم پذیری ممنوع است. (يَنْتَصِرُونَ)

14. در برابر خودی ها گذشت و بخشش و در برابر ستم کاران ، استمداد دفاع لازم است. (يَغْفِرُونَ يَنْتَصِرُونَ)

## نماز ، جبران کوتاهی ها

(أَلَسْتُمْ مَقْتَمُونَ أَنْ تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاتِكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ  
بِمَا تَعْمَلُونَ) (مجادله ، آیه 13)

آیا نگران شدید از این که قبل از نجوایتان صدقه دهید ؟ پس اکنون که صدقه ندادید و خدا هم لطف خود را لطف خود را بر شما باز گرداند ، نماز به پا دارید و زکات پردازید و خدا و رسولش را اطاعت نمایید و خداوند به آن چه انجام می دهید ، آگاه است.

## نکته ها :

« اشفاق » به معنی دلهره و دل نگرانی به خاطر از دست دادن چیزی است. این آیه نشان می دهد که پرداخت صدقه ، پیش از گفتگوی خصوصی با پیامبر ، از ابتدا فرمانی آزمایشی بود تا مؤمنان صادق و عاشق ، از دیگران باز شناخته شوند. نه آن که چون خداوند دید مردم عمل نمی کنند ، عقب نشینی کرد. در این آیه ، برخی اصحاب پیامبر که به خاطر ترس از بذل مال ، به هر اندازه که

باشد گفتگو با رسول الله (صلی الله علیه و آله) را ترک کردند، مورد عتاب الهی قرار گرفته اند.

## پیام ها :

1. با آن که نجوا با پیامبر، امری واجب یا مستحب نبود، ولی چون بخل ورزیدند، مورد توبیخ قرار گرفتند. (أَشْفَقْتُمْ)
2. همه اصحاب پیامبر اکرم مطیع او نبودند. (فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا) (آنان به فرمان صریح (فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً) عمل نکردند).
3. اگر مستحبات را انجام نمی دهید، حداقل در انجام واجبات کوتاهی نکنید. خداوند به کسانی که حاضر به پرداخت صدقه نشدند، می فرماید: زکات بدهید. (أَشْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدِمُوا... صَدَقَاتٍ... آتُوا الزَّكَاةَ)
4. توبیخ باید همراه با راه جبران باشد. (أَشْفَقْتُمْ... تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...)
5. از کسانی که نافرمانی می کنند مأیوس نشوید و با آنان برخورد عادلانه داشته باشید. خداوند از کسانی اطاعت می خواهد که در مورد فرمانی دیگر اطاعت نکردند. (لَمْ تَفْعَلُوا... أَطِيعُوا اللَّهَ)
6. اهتمام به نماز و زکات، مصالح فوت شده را جبران کنید. (لَمْ تَفْعَلُوا... فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ)
7. دین، یک رابطه فردی و شخصی با خدا نیست، رسیدگی به فقرا و اطاعت از فرمان های حکومتی پیامبر نیز از احکام دینی است. (فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ)
8. در چگونگی عمل خود دقت کنیم که خداوند به همه اعمال آگاه است. (وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)

## شتاب برای حضور در نماز جمعه

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ) ( جمعه ، آیه 9 )

ای کسانی که ایمان آورده اید ! آنگاه که برای نماز روز جمعه ندا داده شد ، پس به سوی یاد خدا ( نماز ) شتاب کنید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است ، اگر بدانید .

### نکته ها :

رسول گرامی اسلام در معراج مشاهده فرمود که فرشتگان برای کسانی که روز جمعه به نماز جمعه حاضر شوند و غسل جمعه کنند ، طلب مغفرت می نمایند و می گویند : ( اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ يَحْضُرُونَ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ يَغْتَسِلُونَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ )

### جایگاه روز جمعه

در اسلام ، در میان روزها ، روز جمعه از اهمیّت خاصی برخوردار است روایات در این باره بسیار است که به برخی از آن ها اشاره می شود :

پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) فرمودند : جمعه ، سرور روزهای هفته دارای بزرگ ترین مرتبه در نزد خداوند متعال است .

جمعه ، روز کمک به محرومان و فقر است . در حدیث می خوانیم که پرداخت صدقه و انفاق خود را در روز جمعه پرداخت کنید .

جمعه ، عید مسلمانان است .

جمعه روز ظهور امام زمان ( علیه السلام ) و پایان غیبت آن حضرت است :

( يَخْرُجُ قَائِمُنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ )

در روز جمعه درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان باز می شود .

پیامبر می فرماید: در روز جمعه خداوند کارهای نیک را چند برابر و کارهای زشت را محو می کند، به درجات مؤمنان می افزاید، دعاها را اجابت می کند، بلاها را دور و حاجات مؤمنان را برآورده می سازد.

هر کس روز جمعه به زیارت قبر پدر و مادر یا یکی از آن ها برود، گناهانش بخشیده و نام او در زمره نیکان نوشته می شود.

در روز جمعه، غسل جمعه را ترک نکنید که سنت پیامبر اسلام است (صلی الله علیه و آله) و از بوی خوش بهره گیرید و لباس نیکو در بر کنید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آیا به شما خبر دهم چه کسی اهل بهشت است؟ کسی که گرما و سرمای شدید او را از اعمال روز جمعه باز ندارد. در روز جمعه تا آن جا که توان دارید، کارهای خیر انجام دهید. (وَلْيَفْعَلِ الْخَيْرَ مَا اسْتَطَاعَ)

برای کسی که در روز جمعه به نظافت پردازد و ناخن و موی سر و صورت خود را کوتاه کند و مسواک زند... و به سوی نماز جمعه برود، هفتاد هزار فرشته او را بدرقه کنند و برای او استغفار و شفاعت نمایند.

### جایگاه نماز جمعه :

اولین اقدام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از هجرت به مدینه، اقامه نماز جمعه بود.

نمازی که دعوت به آن با جمله (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) شروع شده است.

نمازی که با جمله (فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ) مردم به اقامه آن ترغیب شده اند.

نمازی که فرمان ترک داد و ستد را به همراه دارد.

نمازی که در روایات، هم وزن حج شمرده شده است. (عَلَيْكَ بِالْجُمُعَةِ فَانْهَاجِ حَجَّ الْمَسَاكِينِ)

نمازی که بعد از خطبه اش دعا مستجاب می شود.



نمازی که با تکیه امام جمعه به اسلحه اقامه می شود.

نمازی که سبک شمردن و استخفاف آن ، نشانه ی نفاق شمرده شده است.

نمازی که در آن امام جمعه باید مردم را به تقوا سفارش کند.

نمازی که در آن مردم از مسائل جهان آگاه می شوند.

نمازی که باید به جماعت برگزار شود و نمی توان آن را فردی خواند.

نمازی که سفارش شده تسهیلات لازم برای حضور زندانیان مالی در آن فراهم شود.

نمازی که سزاوار است سفر به خاطر حضور در آن به تأخیر افتد. حضرت علی (علیه السلام) در نامه ای به حارث همدانی می فرماید : روز جمعه مسافرت مکن تا در نماز حاضر شوی مگر سفری که در راه خدا باشد و یا کاری که به انجام آن معذوری. نمازی که سفارش شده از روز قبل ، خود را برای حضور در آن آماده کنید. حضرت علی (علیه السلام) از این که روز پنجشنبه داری مصری کنند که سبب ضعف (و عدم شرکت در نماز) در روز جمعه شود ، مردم را نهی می فرمودند و امام باقر (علیه السلام) در وصف یاران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند : آنان از روز پنجشنبه خود را برای نماز جمعه آماده می کردند. نمازی که ثواب شرکت در آن برای مسافر ، بیش از ثواب افرادی است که مقیم همان شهرند. نمازی که یک شب مانده به انجام آن ، به تلاوت آیات آن سفارش شده است. در روایات سفارش شده که در نماز مغرب شب جمعه ، سوره جمعه تلاوت شود که به نوعی تذکر و یادآوری و آماده شدن برای نماز جمعه است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود : هر قدمی که مؤمن به سوی نماز جمعه بر می دارد ، خداوند هول و هراس روز قیامت را از او کم می کند. نماز جمعه کفاره گناهی است که انسان در طول هفته انجام

می دهد ، البته مادامی که گناهان کبیره را رها کند.

کسی که کارگری را اجیر کرده او را از رفتن به نماز جمعه باز ندارد که گناه می کند. هر کس سه جمعه پی در پی بدون عذر موجه نماز جمعه را ترک نماید، نام او به عنوان منافق ثبت می شود. ( مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثًا مُتَّابِعَةً لِعَيْرِ عِلَّةٍ كُتِبَ مُنَافِقًا ) و در روایت دیگری می خوانیم هر کس به غیر از بیماری و عذر موجه دیگری سه جمعه در نماز جمعه حضور نیابد، خداوند بر قلب او مهر

می زند. هر کس نتوانست در نماز جمعه شرکت کند، پس مبلغی را صدقه دهد ( تا کفاره ی عدم حضور او در نماز جمعه باشد ). رسول گرامی اسلام ( صلی الله علیه و آله ) فرمود: هر کس در زمان حیات و یا پس از مرگ من، نماز جمعه را از روی انکار یا استخفاف و سبک شمردن ترک کند، خداوند کارش را جمع نمی کند، در امورش برکت قرار نمی دهد و حج و صدقه او قبول نیست، مگر آن که توبه کند. هنگامی که امام جمعه برای خواندن خطبه می ایستد، بر مردم لازم است که سکوت کنند و نماز نخوانند و با ادب بنشینند.

### وظیفه امام جمعه :

1. خطبه های نماز، طولانی نباشد. پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) فرمودند: بعد از شما اقوامی می آیند که خطبه ها را طولانی و نماز را کوتاه می خوانند: ( سَأَيَاتِي بَعْدَكُمْ أَقْوَامٌ يُطِيلُونَ الْخُطْبَ وَيُقْصِرُونَ الصَّلَاةَ ) اما شما نماز را طولانی بخوانید و خطبه ها را کوتاه کنید: ( أَطِيلُوا الصَّلَاةَ وَاقْصِرُوا الْخُطْبَةَ )

2. خداوند، در نماز جمعه دو خطبه را قرار داد تا یکی از آن ها به حمد و ثنای الهی و تقدیس خداوند، و دیگری به حوائج مردم و هشدار و آموزش آنان و نیایش اختصاص یابد.

3. در حال قیام، به ایراد خطبه پردازد. ( مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَطَبَ إِلَّا وَهُوَ قَائِمٌ )

4. خطیب ، اسلحه دست گیرد ولی آن را به کار نبرد بلکه به موعظه و ارشاد پردازد. ( یعنی قدرت داریم ولی در عین حال ، دل سوز و مهربانیم ) چنان که پیامبر به کمان یا عصا تکیه می دادند و خطبه می خواندند. ( يَتَوَكَّأُ عَلَى قَوْسٍ أَوْ عَصَا )

5. هنگامی که امام جمعه از منبر بالا می رود و رو به مردم می ایستد به مردم سلام کند. ( مِنْ السُّنَّةِ إِذَا صَدَّعَ الْإِمَامُ الْمُنْبِرَ أَنْ يُسَلِّمَ إِذَا اسْتَقْبَلَ النَّاسَ )

6. خواندن سوره جمعه و منافقون در نماز جمعه. پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) در نماز جمعه سوره جمعه و سوره منافقون را قرائت می فرمودند ؛ سوره جمعه را برای بشارت دادن به مؤمنان و برحذر داشتن آنان از دنیا و سوره منافقون را برای مأیوس کردن و توبیخ منافقان.

7. آگاه نمودن مردم را به مسائل روز. امام رضا ( علیه السلام ) فرمود : نماز جمعه یک گردهمایی عمومی است تا امام جمعه مردم را به عبادت و اطاعت ترغیب کند و از گناه و معصیت پرهیز دهد و آنان را از آن چه در اطراف آن ها روی می دهد و از آن چه بر ایشان مفید و یا مضر است ، آگاه کند.

( وَ يُخْبِرُهُمْ بِمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْأَفَاقِ مِنَ الْأَهْوَالِ الَّتِي لَهُمْ فِيهَا الْمَضَرَّةُ وَالْمَنْفَعَةُ )

8. امام جمعه ، مردم را از آن چه خداوند به آن امر کرده و آن چه از آن نهی فرموده و آن چه مایه ی صلاح و فساد آنان است ، آگاه سازد و آنان را تعلیم دهد. ( أَنْ يُعَلِّمَهُمْ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ مَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَالْفَسَادُ )

## پیام ها :

1. برای دعوت مردم به عبادت باید بستر سازی کرد. ( در ابتدای سوره قبل از دستور به شرکت در نماز جمعه ، سخن از تسبیح موجودات است. ) ( يُسَبِّحُ لِلَّهِ... فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ )

2. برای دعوت مردم ، آنان را با احترام و نام نیک یاد کنیم. ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا )

3. حضور در نماز جمعه ، نشانه ایمان است. ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ ... )

4. نماز ، مایه ی ذکر خدا است. ( إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ )

5. برای حضور در نماز جمعه ، شتاب کنید. ( لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا )

6. برای حضور در نماز جمعه ، باید موانع موجود را برطرف کرد. ( وَذَرُوا الْبَيْعَ ) (رها کردن کسب و کار و تجارت از باب نمونه است وگرنه همه کارها را باید در هنگام نماز ، رها کرد و در نماز جمعه حضور یافت. )

7. خداوند که فرمان ترک تجارت می دهد ، آن را با وعده های حق جبران می کند. ( ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ )

8. نشانه علم واقعی ، انتخاب بهترین ها در هر زمان است. ( ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ )

9. در تربیت دینی ، هم تشویق لازم است. ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ) ، هم فرمان لازم است ، ( فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ )

هم نهی لازم است ، ( ذَرُوا الْبَيْعَ ) ، هم استدلال لازم است. ( ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ )

### نماز و فعالیت های اقتصادی

( فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ) ( جمعه ، آیه 10 )

پس هنگامی که نماز پایان یافت ، در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید ، باشد که رستگار شوید.

### نکته ها :

در فرهنگ قرآن ، مال دنیا فضل الهی است ، لذا در این آیه می فرماید : ( وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ) ، بعد از پایان نماز جمعه ، به سراغ فضل خدا یعنی درآمد و تجارت بروید. چنان که در جای دیگر ، آن را « خیر » شمرده و می فرماید: ( إِنْ

تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ) اگر کسی خیری باقی گذارده، وصیت کند که در این جا مراد از خیر، مال دنیاست.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس در بازار و محل کسب و کار با اخلاص خدا را یاد کند، در حالی که مردم از خدا غافلند و به کارهای خود مشغولند، خداوند برای او هزار حسنه ثبت می کند و روز قیامت او را مورد مغفرت ویژه خویش قرار می دهد.

نشاط انسان برای عبادت باید بیش از نشاط او برای کسب درآمد باشد. درباره عبادت فرمود: (فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ) و در این آیه درباره تجارت می فرماید: (وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ) هر دو کلمه (فَاسْعَوْا) و (ابْتَغُوا) به معنای تلاش و حرکت است، لیکن در آیه اول واژه «سعی» و حرف «فاء» وجود دارد که عشق و نشاط و سرعت در آن نهفته است. فضل الهی گاهی مادی و گاهی معنوی است. در آیه چهارم همین سوره درباره بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: (ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ) و در این آیه درباره کسب و کار و تجارت می فرماید: (وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ).

### پیام ها :

1. زمان تعطیلی کسب و کار و تجارت به خاطر عبادت، نباید زیاد به درازا کشیده شود. (در آیه قبل، فرمان ترک داد و ستد صادر شد و در این آیه بلافاصله پس از انجام عبادت آن منع برطرف شد). (فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ...)

2. خداوند، تعطیل بازار مسلمانان و رها کردن کار، حتی در یک روز کامل را نمی پسندد. (فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا)

3. کسب درآمد و دریافت فضل الهی، نیاز به هجرت و حرکت و مسافرت در زمین دارد. (فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ)

4. در انجام عبادت سرعت بگیرید ، ( فَاسْعُوا ) ولی در کار مادی به سراغ آن روید و نیازی به عجله نیست ، زیرا رزق نزد خداوند مقدر است. ( وَابْتَغُوا )
5. لطف و فضل خداوند بسیار است ولی انسان باید برای به دست آوردن آن تلاش کند. ( وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ )
6. در اسلام ، تن پروری ممنوع است. ( وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ )
7. دنیا ، گوشه ای از فضل الهی است. ( مِنْ فَضْلِ اللَّهِ )
8. رستگاری ، در سایه انجام فرمان های الهی است. ( فَاسْعُوا... دَرُوا... وَابْتَغُوا... وَادْكُرُوا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ )
9. تلاش برای رسیدن به امور معنوی و مادی ، هر دو فرمان خداست. در آیه قبل فرمود : ( فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ) و در این آیه می فرماید : ( وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ )
10. اگر داد سستد با اراده انسان باشد معامله ای بیش نیست ، ( وَدَرُوا الْبَيْعَ ) ، اما اگر بعد از انجام عبادت به سراغ داد و سستد رفتیم ، به فضل الهی تبدیل می شود. ( وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ )
11. تلاش برای دنیا نباید همراه با غفلت از یاد خدا باشد. ( وَابْتَغُوا فَضْلَ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا )
12. اسلام هم خواهان کیفیت در عبادت است ، ( فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ) و هم به دنبال کمیت. ( وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا )
13. آن جا که زمینه غفلت و لغزش بیش تر است مثل بازار ، یاد خدا ضروری تر است. ( وَابْتَغُوا فَضْلَ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا )
14. یاد خدا در همه حال لازم است ، چه در حال عبادت ، ( فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ) و چه در حال تجارت. ( وَابْتَغُوا فَضْلَ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ )
15. انسان با عملکرد و انتخاب خوب خود می تواند زمینه رستگاری را فراهم آورد. ( فَاسْعُوا... وَابْتَغُوا... وَادْكُرُوا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ )

16. یاد خدا، زمانی عامل رستگاری می شود که مداوم و مستمر باشد. ( وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ )

### نماز، راه نجات از اخلاق ناپسند

( اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوْعًا ( 19 ) اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوْعًا ( 20 ) وَاِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوْعًا ( 21 ) اِلَّا الْمُصَلِّيْنَ ( 22 ) الَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ دَائِمُوْنَ ( 23 ) ) ( معارج ، آیات 19 الی 23 )

همانا انسان، بی تاب و حریص آفریده شده است. هرگاه بدی به او رسد، نالان است. و هرگاه خیری به او رسد، بخیل است. مگر نمازگزاران. آنان که بر نمازشان مداومت دارند.

### نکته ها :

« هلوع » به معنای انسان بی صبر و حریص است.

سؤال : خداوند در برخی آیات، آفرینش انسان را بهترین : ( خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ اَحْسَنِ تَقْوِيْمٍ ) و خود را بهترین خالق برشمرده است : ( اَحْسَنُ الْخَالِقِيْنَ ) اما در این آیات، تصریح شده که انسان، حریص و بخیل آفریده شده است. این دو چگونه با یک دیگر قابل جمع است ؟

پاسخ : در آفرینش انسان، امور متضاد قرار داده شده و این رمز تکامل است. نفس، انسان را به بدی سوق می دهد : ( اِنَّ النَّفْسَ لَآمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ ) ولی عقل، انسان را از آن باز می دارد.

( نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰی ) و رشد انسان در انتخاب میان این تقابل هاست که به تربیت و تزکیه انسان می انجامد.

ص: 159

براساس روایات ، بهترین عمل آن است که تداوم داشته باشد. (الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ)

روایات زیادی در مورد حرص وارد شده که به برخی از آن ها اشاره می کنیم :

(الْحِرْصُ لَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ) حرص ، رزق را زیاد نمی کند.

(مَنْ كَثُرَ حِرْصُهُ ذَلَّ قَدْرُهُ) کسی که حرصش بیش تر باشد ، خوار و ذلیل می شود.

(رُبَّ حَرِيصٍ قَتَلَهُ حِرْصُهُ) چه بسا انسان حریص که حرصش او را بکشد.

(ليس الحريص غناء) حریص ، هرگز بی نیاز نمی شود.

(الْحِرْصُ يَرْزِي بِالْمَرْوَةِ) حریص ، مروّت و جوان مردی خود را از دست می دهد.

(الْحِرْصُ مَطِيئَةُ النَّعْبِ) حرص ، بستر رنج هاست.

(لَا حِيَاءَ الْحَرِيصِ) حریص ، به خاطر رسیدن به مال ، عفت و حیا را کنار بگذارد.

(الْحَرِيصُ أُسَيْرٌ) حریص ، اسیر است.

(الْحِرْصُ عَلَامَةُ الْفَقْرِ) حرص ، نشانه فقر است.

(الْحِرْصُ يُفْسِدُ الْإِبْقَانَ) حرص ، یقین به مقدرات الهی را فاسد می کند.

(الْحِرْصُ مَوْجِعٌ فِي كَثِيرِ الْعُيُوبِ) حرص ، انسان را در عیوب بسیاری قرار می دهد.

(لَا يَلْقَى الْحَرِيصُ مُسْتَرِيحًا) انسان حریص ، آسایش و راحتی ندارد.

## پیام ها :

1. نشانه حریص بودن دو چیز است : جَزَع به هنگام سختی و بُخْل به هنگام کامیابی. (هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا)

2. ریشه بسیاری از ناهنجاری ها ، حرص و بخل است. (جَزُوعًا... مَنُوعًا)

3. انسان بسیار کم ظرفیت است ، با تماس با سختی فریاد می زند و بخل می ورزد. (مَسَّهُ... مَسَّهُ)

4. راه نجات از اخلاق ناپسند ، مداومت به نماز است. (خُلِقَ هَلُوعًا... إِنَّا الْمُصَلِّينَ)



5. طبع مادی انسان به سوی حرص و بخل میل دارد و نماز و یاد خدا آن را مهار می کند. (إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا... إِلَّا الْمُصَلِّينَ)

6. انسان بدون نماز مضطرب است. (جَزُوعًا.. مَنُوعًا.. إِلَّا الْمُصَلِّينَ)

7. آثار نماز در گرو مداومت بر آن است. (الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ)

### بهشت، پاداش نمازگزاران

(وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (32) وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (33) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (34) أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (35)) (معارج، آیات 32 الی 35)

و آنان که رعایت کننده امانت ها و قراردادهای خویشند. و آنان که به (ادای) شهادت های خود قیام می کنند. و آنان که بر نمازشان مراقبت دارند. اینان در بهشت ها گرامی داشته می شوند.

### نکته ها :

آیات 22 تا 35 سوره معارج، سیمای امت اسلامی و جامعه ایده نال ترسیم شده است :

رابطه دائمی و کامل با خداوند از طریق نماز دارند.

به مشکلات محرومان توجه دارند و بخشی از مال خود را حق آنان می دانند.

به خاطر ایمان به معاد و ترس از حساب، بر افکار و گفتار و رفتارشان تقوا حاکم است.

به امانات و تعهداتشان پایبندند.

ص: 161

نسبت به حقوق مردم قیام می کنند و اگر برای شهادت و گواهی دعوت شوند رد نمی کنند.

در ارضای غریزه جنسی، به دنبال راه حلال و تشکیل خانواده و نسل پاک هستند.

امانت شامل امانت معنوی نیز می شود، هم چون مسئولیت ها، اسرار مردم و آبروی آنان.

هر عهد و پیمانی لازم الاجرا می باشد: با مردم، با خدا، با رهبران دینی، با همسر و ...

شاید مراد از عبارت (عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ) ترک نکردن و مراد از (عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ) جدی گرفتن نماز باشد. هم چون انتظار نماز، وضو گرفتن قبل از رسیدن وقت، با جماعت و در مسجد خواندن نماز و مراعات شرایط صحّت و قبولی و کمال نماز.

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، خیانت در امانت، عدم وفای به عهد و دروغ گویی، از نشانه های نفاق شمرده شده است.

## پیام ها:

1. نشانه ایمان، تنها نماز و انفاق نیست، رعایت عهد و پیمان های اجتماعی نیز شرط ایمان است. (وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ)

2. سکوت آگاهان، جرم و گواهی به حق، نشانه ایمان است. (بَشَاهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ)

3. آغاز و پایان تمام کمالات، توجه به نماز است. در آغاز فرمود: (الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ) و در پایان نیز می فرماید: (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ)

4. بهشتیان از نظر مادی، (فِي جَنَّاتٍ) و معنوی (مُكْرَمُونَ) تأمین هستند.

(إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (مزمل ، آیه 20)

همانا پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند ، نزدیک به دو سوم شب یا نصف آن یا یک سوم آن را به عبادت برمی خیزید و خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند. او می داند که شما نمی توانید به طور دقیق آن را احصا کنید. از این رو شما را بخشید ( و حساب دقیق شب را از شما برداشت ) پس آن چه میسر است از قرآن بخوانید. خداوند می داند که برخی از شما بیمار خواهند شد و گروه دیگری به سفر می روند تا از فضل خدا ( رزق ) جویند و گروه دیگری در راه خدا به جهاد مشغولند ( و از تلاوت قرآن باز می مانند ) پس ( اکنون که فرصت دارید ) هر چه می توانید از قرآن بخوانید و نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خداوند وام دهید ، وامی نیکو ( بدانید که ) آن چه برای خود از پیش فرستید ، آن را نزد خدا نیکوتر و با پاداشی بزرگ تر خواهید یافت و از خداوند طلب آمرزش کنید که همانا خداوند آمرزنده مهربان است.

این آیه می فرماید : با انجام کارهای نیک هم چون نماز شب و تلاوت قرآن و رسیدگی به محرومان ، مغرور نشوید که باز هم نیاز به استغفار دارید. این آیه ، جامعیت اسلام را از اشک شبانه تا جهاد روزانه ، از رابطه با خدا تا کمک به فقرا ، از تلاوت قرآن تا سفرهای تجاری و از انجام کارهای خیر همراه با استغفار نمایان می کند. در آیات قبل ، فرمود : نصف یا ثلث و یا دو ثلث شب را به عبادت برخیزید. این آیه می فرماید : چون محاسبه این مقدار کار مشکلی است که از عهده شما بر نمی آید ، لذا خداوند آن را بر شما بخشید و از این پس ، هر مقدار که می توانید و برای شما مقدور است به عبادت برخیزید و نماز و قرآن بخوانید. خصوصاً هنگامی که بیمار هستید و یا در سفر به سر می برید. امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه (فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که آن حضرت فرمود : تا آن جا که خشوع و صفای دل دارید ، قرآن بخوانید. در این آیه ، سفر به قصد تجارت با سفر به قصد جهاد در کنار هم آمده است ، با آن که اولی امری دنیوی است و دومی امری اخروی. بر اساس روایات ، اگر تاجر در کارش خدا را مراعات کند و از کم فروشی و گران فروشی و احتکار و کلاهبرداری دوری کند ، معیشت مردم را تامین کرده و همانند مجاهدی است که در میدان قدم می گذارد تا دشمن را از پای درآورده و امنیت جامعه را تضمین کند.

گر چه تلاوت قرآن ، از تکالیف واجب نیست ، اما مورد سفارش بسیار است ، تا آن جا که در یک آیه ، دوبار فرمان آمده و مورد تاکید قرار گرفته است. (فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَأَقْرُوا...)

احکام اسلام ، هماهنگ با توان و امکانات انسان است و هیچ گاه عسر و حرج به دنبال ندارد. چنان که برای بیمار ، تیمم را به جای وضو قرار داده نماز را در

هر حالتی که می تواند بخواند ، تکلیف کرده ، روزه را از او برداشته و به جای آن کفاره قرار داده است. اکنون به برخی آیات که این ویژگی دستورات الهی را بیان می دارد ، اشاره می کنیم :

(عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ) خداوند دانست که شما توان احصا ندارید ، پس بر شما آن را بخشید.

(فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) به مقدار میسر قرآن بخوانید.

(الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ) اکنون به شما تخفیف داد.

(أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ) به مقداری که استطاعت دارید ، عِدّه و عُدّه جمع کنید.

(اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتَطَاعَ) هر کس که توان و استطاعت دارد ، باید حج بگذارد.

(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) خداوند هیچ کسی را جز به اندازه توانش ، تکلیف نمی کند.

(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا) خداوند هیچ کسی را جز به مقداری که به او عطا کرده ، تکلیف نمی کند.

(فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ) آن که بیمار است یا در سفر است ، در رمضان روزه نگیرد و به زمانی دیگر موکول کند.

(وَقَلِمَ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا) اگر آب نیافتید ، تیمم کنید.

(يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ) خداوند برای شما آسانی خواسته است.

(لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ) بر فرد نابینا و بیمار ، تکلیف حضور در میدان جهاد نیست.

## پیام ها :

1. علم خداوند به حالات بندگان ، بهترین انگیزه برای انجام کارهای نیک است. (إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومٌ)

2. یکی از برکات عبادت شبانه آن است که تنها خداوند از آن آگاه است و از هرگونه ریا و تظاهر به دور است. (إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ)
3. پیامبر طبق دستور خداوند عمل می کند. در آیات قبل فرمود: (قُمِ اللَّيْلَ... نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ... أَوْ زِدْ... ) در این آیه می فرماید: (تَقُومُوا مِنْ لَيْلٍ مِنْ ثُلُثَيْ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ)
4. خداوند در مقدار عبادت شبانه انسان را آزاد گذاشته است تا افراد بیش تری توفیق آن را بیابند و هر کس به مقدار توانایی اش از فیض آن بهره مند شود. (ثُلُثَى اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ)
5. سحر خیزی، سیره گروهی از اصحاب پیامبر بوده است. (طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ)
6. اقامه نماز و تلاوت قرآن از بهترین آداب شب زنده داری است. (تَقُومُوا فَاَقْرَأُوا...)
7. تکالیف الهی آسان است و انسان را به مشقت نمی اندازد. (فَاَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ)
8. ارتباط با قرآن و تلاوت آن در هر حال لازم است، حتی در بستر بیماری یا سفر و جهاد. (مَرْضَى يَصْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ، يُقَاتِلُونَ... فَاَقْرَأُوا) (اگر در فراز و نشیب ها تلاوت قرآن لازم است، در شرایط عادی به طریق اولی لازم خواهد بود.)
9. کسب مال حلال، فضل الهی است. (يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ)
10. امکانات زندگی، لطف و فضل الهی است، هر چند که با تلاش انسان به دست آید. (يَصْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ)
11. ذکر سفرهای تجاری و اقتصادی در کنار سفرهای جهادی و جنگ، نشانه اهمیت تجارت از دیدگاه اسلام است. (آخَرُونَ يَصْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)
12. شیوه قرض دادن باید نیکو باشد. (با سرعت و خلوص و بی منت پرداخت شود.) (قَرْضًا حَسَنًا)

13. شب زنده داری ، تلاوت قرآن ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و قرض دادن به دیگران نمونه ای از کارهای خیر است. ( مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ... )

14. پیش از مرگ ، کارهای خیر را برای خودتان ذخیره کنید یا به دست خود و یا از طریق وصیت. ( تَقَدَّمُوا )

15. کارهای خیر ذخیره قیامت است. ( وَمَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ )

16. کارهای خیر نزد خدا محفوظ است و هرگز از بین نمی رود. ( تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ )

17. پاداش های خداوند از هر نظر چند برابر است. ( هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا )

18. هیچ کس نباید خود را از قصور و تقصیر به دور بداند ، زیرا با انجام همه تکالیف ، باز هم به استغفار نیاز داریم. ( وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ )

19. خداوند ، آمرزش اهل استغفار را تضمین کرده است. ( وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ... غَفُورٌ رَحِيمٌ )

20. گذشت خداوند همراه با مهربانی است. ( غَفُورٌ رَحِيمٌ )

## کیفر بی نمازی

(كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (38) إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (39) فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (40) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (41) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (42) (قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (43) وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ (44) وَكُنَّا نَحُوصُ مَعَ الْخَائِضِينَ (45) وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ (46) حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ (47)) (مدثر، 38 الی 47)

هر کسی در گرو چیزی است که کسب کرده است. مگر اصحاب یمین، که در باغ های بهشتی از مجرمان می پرسند: چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. و افراد مسکین را اطعام نمی کردیم و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می رفتیم. و پیوسته روز جزا را تکذیب می کردیم تا آن که مرگ به سراغ ما آمد.

### نکته ها:

مراد از اصحاب یمین همان گروهی هستند که در آیه 27 سوره واقعه از آنان یاد شده است:

(وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ... ) کسانی که نامه عمل آنان را در قیامت به دست راستشان می دهند.

در قیامت، گفتگوهای تلخ و شیرین، سلام یا نفرین، سؤال و توبیخ، انداختن گناه و جرم به گردن دیگران و لعنت به یک دیگر بسیار است و گفتگوی مؤمنان با مؤمنان، مجرمان با مجرمان، مؤمنان با مجرمان و نیز فرشتگان با مؤمنان و مجرمان در قرآن آمده است.

ص: 168



مراد از اطعام مسکین، یا زکات واجب است که ترک آن مستوجب دوزخ است و یا آن است که حتی اگر زکات پرداخت شد ولی در جامعه گرسنه ای وجود داشت، سیر کردن او واجب است و بی تفاوتی نسبت به او، سبب دوزخی شدن می گردد.

شاید مراد از اطعام مسکین، تمام نیازهای او باشد نظیر پوشاک، مسکن، نه فقط خوراک و غذا.

هم تکذیب قیامت، مقدمه گناه است: (أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْبَيْتِمْ) و هم گناه، انسان را به سوی کفر و تکذیب می کشاند: (ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا). بنابراین آیه ( وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ) هم می تواند علت کارهای مجرمین در آیات قبل باشد و هم می تواند معلول گناهان آنان باشد.

مراد از « یقین » در این آیه، مرگ است، یا به خاطر آن که یقینی ترین امر در نزد همه است و احدی در آن شک ندارد و یا به خاطر آن که در لحظه مرگ تمام حقایق برای انسان کشف می شود و همه به درجه یقین و باور می رسند. ( حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ )

نمازی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار نمی دهد. ( لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ) یعنی نماز ما استمرار نداشت. در سوره ماعون نیز آمده است: ( فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ) و این - چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی دهد، ( لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ... فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ) و این همان حدیث معروف امام صادق ( علیه السلام ) است که در آستانه شهادت فرمودند که بستگانم را حاضر کنید و خطاب به آنان فرمودند: ( لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ )

مردم یا فائزند یا خائض ؛ یعنی یا به فوز و فلاح و رستگاری می رسند که فائز هستند و یا در یاوه و باطل خوض می کنند و فرو می روند که خائض هستند. قرطبی از مفسرین معروف اهل سنت از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده که فرمود : ما و شیعیان ما اصحاب یمین هستیم و هر کس کینه و بغض ما اهل بیت را داشته باشد ، در گرو است. ( نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا اَصْحَابُ الْيَمِينِ وَ كَذَلُّ مَنْ اَبْغَضَنَا اَهْلَ الْبَيْتِ فَهُمْ المرتهاون )

## پیام ها :

1. رفتار انسان ، سازنده شخصیت اوست. ( كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ )

2. نجات انسان در قیامت و رهایی او از عذاب الهی ، در گرو پاسخگویی به سؤالات در دادگاه عدل خداوند است. ( كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ )

3. پرسیدن سؤالات پی در پی از مجرمان در قیامت ، نوعی عذاب روحی برای آنان است. ( يَسْأَلُوْنَ عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ )

4. کسی با یک بار گناه به دوزخ نمی رود اصرار و مداومت به گناه و فساد ، سبب رفتن به دوزخ است. ( عبارت ( لَمْ نَكْ ) و ( كُنَّا ) نشانه استمرار فعل است. )

5. اطعام مسکین لازم است ، اگر چه مسلمان نباشد. ( لَمْ نَكْ نَطْعِمُ الْمِسْكِيْنَ )

6. گذراندن عمر به بطالت ، جرمی نابخشودنی است. ( كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِيْنَ )

7. یکی از عوامل دوزخی شدن ، هم رنگ شدن با جماعت فاسد است. ( كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِيْنَ )

8. دوست و هم نشین بد ، زمینه ساز دوزخی شدن است. ( كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِيْنَ )

9. مرگ، فنا نیست، بلکه آزاد شدن از اسارت دنیای مادی و دیدن حقایق ماورایی است. (كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ)

### آثار بی‌نمازی در لحظه مرگ

(كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (26) وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (27) وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (28) وَالتَّتَمَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (29) إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (30) فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ (31) وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (32) ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ (33) أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ (34) ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ (35) (قیامت، آیات 26 الی 35)

چنین نیست (که انسان می‌پندارد) آنگاه که (در آستانه مرگ) جان به گلوگاه رسد. و گفته شود: چه کسی شفا دهنده است؟ و (محتضر بدانند که هنگام جدایی است. و ساق پا به ساق دیگر بچسبد) و دیگر حرکتی نکند) در آن روز به سوی پروردگارت سوق داده شود. او که نه حق را تصدیق کرد و نه نماز گزارد. بلکه تکذیب کرد و روی گردانید. و سپس با کبر و غرور به سوی اهلش رفت. (عذاب الهی) برای تو شایسته تر است، شایسته تر. باز هم شایسته تر است، شایسته تر.

### نکته ها :

(تراقی) جمع «ترقوة» به معنای استخوانی است که دور گلو را فرا گرفته است. «راق» در اصل «راقی»، اسم فاعل از «رقی» است. به اوراد و اذکاری که موجب شفای مریض می‌شود، «رقیة» گویند. پس «راق»: هر چیزی که مایه نجات بیمار از مرگ است.

کلمه « ظن » گاهی به معنای علم می آید ، همان گونه که در این آیه آمده است : انسان در حال احتضار به جدا شدن و فراق یقین پیدا می کند.

در روایت آمده است که در لحظه مرگ ، مال و اولاد و اعمال در نظر انسان می آیند. مال می گوید : من از دسترس تو خارج هستم ، فرزند می گوید : من تا قبر با تو هستم ولی اعمال می گویند : من تا ابد با تو هستم.

(إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسَاق) سوق داده شدن ، گاهی توسط فرشتگان رحمت و به سوی بهشت است و گاهی توسط فرشتگان عذاب و به سوی دوزخ است.

در حدیث می خوانیم : ( مِنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُعْتَمِدًا فَقَدْ كَفَرَ ) ، هر کس با توجه و از روی عمد نماز را ترک کند ، کافر است. قرآن نیز ترک نماز را ثمره کفر می داند. (فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى)

بعضی مفسران شأن زول آیات 31 به بعد این سوره را اشاره به تکبر و غرور ابو جهل دانسته اند ، ولی بر فرض صحّت آن ، ضرری به کلیت موضوع نمی زند.

کلمه (يَتَمَطَّى) یا از ( مط ) به معنای دراز کردن پا و یا از مطاء به معنای پشت کردن است که هر دو کنایه از تکبر و تبختر است.

این آیات ، ترسیم صحنه جان دادن منحرفان است و گرنه به فرموده امام صادق (علیه السلام) ، جان دادن مؤمن مانند بوییدن بهترین بوییدنی هاست.

در حدیث می خوانیم : یاد مرگ شهوات را می میراند ، غفلت را ریشه کن می کند ، دل را به وعده های الهی تقویت می کند ، طبیعت انسان را لطیف و قساوت زدایی می کند ، آتش حرص را خاموش می کند ، دنیا را نزد انسان پایین می آورد و این معنای سخن و کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که فرمود : (فِكْرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ).

حضرت علی (علیه السلام)، آخرین لحظات عمر انسان و هنگام مرگ را این گونه ترسیم کرده است :

در لحظه مرگ صحنه ای پیش می آید که برگشت و رجوعی در آن نیست، آن چه در تمام عمر از آن بی خبر بودند، چگونه در آن لحظه بر آنان وارد می شود، جدایی از دنیایی را که نسبت به آن مطمئن بودند به سراغشان آمده، به آخرتی که پیوسته به خطرات آن تهدید می شدند، رو می نمایند و آن چه بر آنان فرود آید وصف ناشدنی است.

سختی جان دادن و حسرت از دست دادن دنیا (و آن چه در آن است)، به آنان هجوم می آورد، بدن ها سست و رنگ ها دگرگون می شود، مرگ آرام آرام همه اندامشان را فرا می گیرد، پس زبانش از کار می افتد، در میان خانواده اش افتاده، چشم و گوش و عقل او کار می کند، در، کند در آن لحظه در فکر آن است که عمر خود را در چه چیزی از دست داده و زندگی را در کجا مصرف نموده است.

به یاد اموالی می افتد که در عمرش جمع آوری کرده، همان اموالی که در به دست آوردن آن ها چشم خود را بسته و دقت نکرده که از حلال و حرام و شبهه ناک گرد آوری کرده است، اکنون گناه جمع آوری آن ها بر دوش اوست و باید از آن اموال جدا شود و آن ها را برای وارثان بگذارد تا بهره مند شوند، راحتی و خوشی اموال برای دیگران و دردسر آن برای اوست و خودش را در گرو آن ها قرار داده است، پس او از پشیمانی و غصه دست خود را به دندان می گزد، ...

کم کم روح کم کم از گوش و سپس چشم او نیز گرفته می شود و روح از بدنش خارج می شود و هم چون مرداری در میان بستگان بر زمین می ماند، که وحشت زده از او دور می شوند. نه سوگواران را یاری می کند و نه پاسخی به ناله های آنان می دهد.

سپس او را به سوی قبر و منزلگاهش حمل کرده و دفن می کنند و به دست عملش می سپارند و می روند.

گاهی انسان چیزی را نمی پذیرد ولی ردّ هم نمی کند ، زیرا شک دارد. چنان که به حضرت صالح می گفتند : نسبت به آن چه ما را به آن می خوانی در شک هستیم. ( وَ إِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ) اما گاهی نه تنها نمی پذیرد ، بلکه در مقام انکار و تکذیب بر می آید که نشان دهنده عناد و لجاجت است. مانند این آیات : ( فَلَا صَدَقَ... وَ لَكِنْ كَذَبَ وَ تَوَلَّى ) ( أَوْلَى لَكَ ) نظیر ( وَ يَلُّ لَكَ ) برای تحقیر و مذمّت است. امام رضا ( علیه السلام ) آیه ( أَوْلَى لَكَ فَأُولَى ) را چنین تفسیر فرمود : خیر دنیا برای تو باد و خیر آخرت از تو دور باد.

( سُدى ) به معنای مهمل است ، به شتر رها شده ، « سُدى » می گویند.

مصدق آن چه سزاوار متکبران است بیان نشده تا شامل هرگونه بدبختی و نکبت بشود. ( أَوْلَى لَكَ فَأُولَى )

## پیام ها :

1. ترسیم لحظات جان دادن ، بهترین وسیله برای ترک دل بستگی به دنیا است. ( تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ... كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِي )
2. سخت ترین حالات جان دادن ، زمانی است که روح به گلو می رسد. ( كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِي )
3. مرگ ، قابل درمان نیست. زمانی می رسد که همه در برابر قدرت خداوند اظهار عجز می کنند و درماندگی خود را به زبان می آورند. ( قِيلَ مَنْ رَاقٍ )
4. دل بستگی انسان به دنیا به گونه ای است که حتّی لحظه مرگ نیز ، گمان رفتن دارد ، نه یقین. ( ظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ )
5. کسانی که دنیا را دوست دارند و آخرت را فراموش می کنند ، باید بدانند که روزی باید از محبوب خود جدا شوند. ( تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ... أَنَّهُ الْفِرَاقُ )

6. لحظه مرگ ، هنگام فراق و جدایی است. فراق از فرزندان ، اموال ، مقام ، امکانات و... ( وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ )

7. پس از مرگ روح باقی می ماند. ( کلمه فراق به معنای جدایی است نه نابودی ) ( وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ )

8. لحظه مرگ ، لحظه ای بسیار سخت و ناگوار است. ( وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ )

9. جز حرکت به سوی خداوند و بازگشت به او ، راه دیگری وجود ندارد. ( إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ )

10. عقاید مقدّمه اعمال است. کسی که حق را تصدیق نکند ، قهراً نماز هم نمی خواند. ( فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى )

11. تصدیق همه حقایق دین لازم است و اگر کسی یکی از ضروریات دین را تصدیق نکند ، گویا کل دین را تصدیق نکرده است. ( فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى )

12. نماز ، اولین نشانه ایمان و تصدیق دین است. ( فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى )

13. دوری از دین و تکالیف دینی ، عامل غرور و سر مستی می شود. ( ذَهَبَ أَهْلُهُ يَتَمَطَّى ) در جای دیگر هم می خوانیم : مجرمان وقتی به نزد اهل خود می روند ، خنده های مستانه دارند. ( وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ )

14. در برابر انکارهای پی در پی ( فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى وَ لَكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى ) ، تهدیدهای پی در پی لازم است. ( چهار مرتبه کلمه (أولی) ( نشانه آن است که در برابر تکبرهای مستانه باید تحقیرهای پی در پی باشد. ) (أُولَى لَكَ فَأُولَى) )

15. متکبران باید تحقیر شوند. ( يَتَمَطَّى . أُولَى لَكَ فَأُولَى )

## نماز ، مأموریت همه پیامبران

( وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ) (بینه، آیه 5)

به اهل کتاب فرمانی داده نشده جز آن که خدا را پرستند در حالی که دین را برای او خالص ساخته و گرایش به حق داشته باشند و نماز را به پا دارند و زکات بپردازند و این است دین استوار.

### نکته ها :

( حنفاء ) جمع « حنیف » به معنای گرایش به حق است ، در برابر کلمه « جنیف » که به معنای گرایش به باطل است.

اگر آیه ( ذَلِكِ دِينُ الْقِيَمَةِ ) را در کنار آیه ( فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ ) بگذاریم می توان استفاده کرد که عبادت خالص و بی پیرایه و رابطه با خدا ( نماز ) و کمک به دیگران ( زکات ) ، از امور فطری هر انسانی است.

### پیام ها :

1. سلیقه ها و هوس های دیگران متغیر است. دین پایدار و ثابت ، سر سپردگی خالصانه به خدای ثابت است. ( مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ... ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ )

2. ایمان بدون نماز و زکات استوار نیست. ( يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ )

3. توجه به سابقه لجاجت ها و تفرقه ها ، سبب تسلی پیامبر و پیروان است. ( وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ... إِنَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ )

4. توحید و پرستش خالصانه خداوند ، عامل وحدت است. ( وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ... وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ )



5. پیامبران ، مردم را به سوی خدا دعوت می کردند نه خود. ( وَ مَا أَمُرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ )

6. خالص و بی پیرایه بودن ، رمز بقاء است. ( مُخْلِصِينَ... ذَلِكَ دِینُ الْقِیمَةِ )

7. فرمان توحید و نماز و زکات در تمام ادیان آسمانی بوده است. ( وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ... )

### خود سازی در پرتو نماز

( قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ( 14 ) وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ( 15 ) ) (اعلی ، آیات 14 الی 15 )

به راستی رستگار شد آن کس که خود را ( از پلیدی ها ) پاک گردانید. نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گذارد.

### نکته ها :

تزکیه ، آن است که فکر از عقاید فاسد و نفس از اخلاق فاسد و اعضا از رفتار فاسد ، پاک شود و زکات پاک کردن روح از حرص و بخل و مال از حقوق محرومان است.

در مکتب انبیا ، رستگاران پاکان هستند : ( قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ) ولی در مکتب طاغوتیان ، رستگاران زورمندانند. فرعون می گفت : هر کس پیروز شود رستگار است. ( قَدْ أَفْلَحَ الْیَوْمَ مَنْ اسْتَعَلَى )

در قرآن رستگاری قطعی ، هم برای مؤمنان آمده : ( قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ) و هم برای کسانی که خود را تزکیه کرده اند : ( قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ) پس مؤمن واقعی همان کسانی هستند که خود را تزکیه کرده باشند.

## پیام ها :

1. قرآن در پایان برخی آیات می فرماید : امید است رستگار شوید. ( لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ) زیرا کار خیر از افرادی که تزکیه نکرده اند ، باریا و غرور و گناه و منت گذاری محو می شود. ولی درباره تزکیه شدگان می فرماید : قطعاً رستگارند. ( قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى )
2. تزکیه خود به خود حاصل نمی شود ، باید به سراغ آن رفت. ( تَزَكَّى )
3. تزکیه بدون نماز و عبادت نمی شود. ( تَزَكَّى ، ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى )

## دشمن نماز را تحمل نمی کند

( كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ (6) أَلَمْ يَرَأْهُ اسْتَخْفَىٰ (7) إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ (8) أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ (9) عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ (10) أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ (11) أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ (12) أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (13) أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ (14) ) ( علق ، آیات 6 الی 14 )

نه چنین است ( که می پندارند ) . بی گمان آدمی طغیان می کند . چون خود را بی - نیاز می بیند . همانا بازگشت همه به سوی پروردگار توست . آیا دیدی آن که منع می کند . بنده ای را که نماز می خواند . آیا اندیشیده ای که اگر ( آن بنده ) بر طریق هدایت باشد یا به تقوا سفارش کند . ( سزای نهی کننده او جز آتش نیست ) آیا اندیشیده ای که اگر تکذیب کند و روی بر تابد ( فقط خود را هلاک ساخته است ؟ ) آیا او نمی داند که خداوند می بیند .

## نکته ها :

مراد از عبدی که نماز می خواند ( عَبْدًا إِذَا صَلَّى ) چنان که از آیات آخر سوره بر می آید ، رسول خداست ، چون در آن آیات ، آن حضرت را از اطاعت آن

شخص نهی نموده است و او را به سجده و قرب دعوت می کند. از آن جا که این آیات، اولین آیاتی است که بر پیامبر نازل شده، پس آن حضرت قبل از رسیدن به مقام رسالت، نماز می خوانده است. در احادیث می خوانیم: ابو جهل از اطرافیان خود پرسید: آیا پیامبر در میان شما نیز برای سجده صورت به خاک می گذارد؟ گفتند: آری. گفت: سوگند به آن چه سوگند می خوریم، اگر او را در چنین حالی ببینم، با پای خود گردن او را له می کنم. زمانی که متوجه شد پیامبر در حال نماز است، تصمیم گرفت با لگد بر سر مبارک آن حضرت در سجده بکوبد، همین که نزدیک شد، با حالتی عجیب عقب نشینی کرد و به مشرکان گفت: وقتی به او نزدیک شدم، در مقابل خود خندقی از آتش دیدم.

با این که مراد از (عَبْدًا) شخص پیامبر است ولی نکره آوردن آن، به خاطر تعظیم و بزرگداشت است. (عَبْدًا إِذَا صَلَّى)

## پیام ها:

1. انسان ناسپاس است. ما او را آفریدیم و هر چه نمی دانست به او آموختیم. اما او در برابر پروردگارش طغیان می کند. (كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِيَ)
2. انسان به خاطر آن که به غلط خود را بی نیاز می پندارد دست به طغیان می زند. (الْيَطْغَى أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى)
3. باز داشتن از نماز، روشن ترین نوع منکرات است. (يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى)
4. حتی اگر احتمال حقانیت دهند نباید این گونه با پیامبر برخورد کنند. (إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى)
5. انسان کم ظرفیت است و پندار بی نیازی او را مست می کند. (لَيْطَغِيَ أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى)
6. علم به تنهایی کافی نیست. با این که به انسان علم دادیم اما طغیان می کند. (عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِيَ)

7. غنی بودن کمال است ، ولی خود را غنی دیدن زمینه لغزش هاست. (رَأَهُ اسْتَغْنَى)
8. ایمان به معاد مانع طغیان است. (إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ)
9. هر چه داریم می گذاریم و می رویم خود را بی نیاز نپنداریم. (إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ)
10. انسان و هستی هدف دار و به سوی خداست. (إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ)
11. طاغوتیان مخالف نمازند. (لَيُطْعَمَنَ يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ) (رفتار ناروا زمانی مورد سرزنش قرار می گیرد که دوام داشته باشد.)
12. نشانه بندگی خدا نماز است. (عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ)
13. طاغوت ها از بندگی خدا ناراحتند. (نه از افراد بی تفاوت و یا بنده هوس - های خود یا دیگران) (يُنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ)
14. نام و نشان مهم نیست ، عملکردها مهم است. (نام نهی کننده و نمازگزار نیامده است.) (يُنْهَىٰ صَلَّىٰ)
15. سزاوار است کسی که امر به تقوا می کند خودش از راه یافتگان باشد. (كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ)
16. ریشه طغیان دو چیز است : یکی آن که خود را بی نیاز می بیند. (رَأَهُ اسْتَغْنَىٰ) دیگر آن که خدا را نمی بیند و گمان می کند خدا هم او را نمی بیند. (أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ)

## اخلاص و حضور قلب در نماز

( أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ (1) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (2) وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (3) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (4) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (5) الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (6) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (7) ) (ماعون، آیات 1 الی 7)

آیا کسی که قیامت را انکار می کند دیده ای؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند. و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی کند. پس وای به حال نماز گزاران. آنان که از نمازشان غافلند. آنان که پیوسته ریا می کنند. و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) باز می دارند.

### نکته ها :

این سوره سیمای افراد منفی را معرفی می کند.

کسانی که نسبت به دین دیدگاه منفی دارند. (يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ)

نسبت به یتیم و مسکین منفی هستند و آنان را طرد می کنند. (يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ)

در عبادت و نماز منفی هستند و اخلاص ندارند. (سَاهُونَ يُرَاءُونَ)

در خدمت به مردم منفی هستند. (يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ)

مراد از « دین » در این جا روز قیامت است ، مانند ( مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ) « دع » راندن همراه با خشونت و « حض » تشویق و ترغیب دیگران است.

مراد از تکذیب دین و معاد در این سوره ، تکذیب قلبی است ، نه قولی ؛ زیرا مخاطب سوره ، کسانی هستند که نماز می خوانند ولی نمازشان همراه با ریا و خودرئایی و سهو و غفلت است.

« ماعون » از « معن » به معنای ابزار و وسایلی است که معمولاً همسایگان به یک دیگر عاریه می دهند تا آن که نیازشان برطرف شود. مثل ظروف غذاخوری در مهمانی ها.

دین یک مجموعه به هم پیوسته است. نمازش از اطعام مسکین و رسیدگی به محرومین جدا نیست.

در روایات ، ( سَاهُون ) به معنای سستی ، ترک و ضایع کردن نماز آمده است.

حساب حضور در نماز جماعت ، به خاطر حفظ شعائر الهی ، از حساب ریا و خود نمائی به خاطر اهداف نفسانی جداست.

در حدیث می خوانیم : کسی که از دادن لوازم منزل خود به همسایگان دریغ ورزد ، خدا روز قیامت لطف خود را نسبت به او دریغ خواهد کرد. البته در حدیث دیگری می خوانیم که پرسیدند : ما همسایگانی داریم که هرگاه وسایلی به آنان عاریه می دهیم ، می شکنند یا خراب می کنند ، آیا گناه است که به آن ندهیم ؟ حضرت فرمود : در این صورت مانعی ندارد.

در حدیث می خوانیم : هر کس به اوقات نماز بی اعتنائی کند و نماز را در اول وقت نخواند ، ویل دارد.

امام صادق ( علیه السلام ) فرمودند : ماعون ، شامل قرض الحسنه و هر کار نیک درباره دیگران و در اختیار قرار دادن وسایل خانه و از جمله زکات است.

سنگ دلی انسان به جایی می رسد که :

نسبت به سخت ترین نوع فقر که مسکین است.

نسبت به ضروری ترین نیاز که خوراک است.

آن هم به مقدار مصرف نه ذخیره.

نه خود اقدامی می کند و نه دیگران را تشویق می کند.

## نگاهی به مسئله ریا :

ریا و سَمعه دو خطر و آفت بزرگ هستند که افراد مؤمن را تهدید می کند. ریا آن است که انسان کاری را برای دیدن مردم انجام دهد و سَمعه آن است که کاری را بجا آورد و هدفش آن باشد که کارش به گوش مردم برسد. این دو کار از نشانه های نفاق است. چنان که قرآن درباره منافقان می فرماید : ( إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُنَ النَّاسَ ) چون به نماز می ایستند ، نمازشان با کسالت و ریا کاری است ، همان گونه که به دیگران کمک نمی کنند مگر در حال کراهت و نارضایتی. ( وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ )

بر اساس روایات ، ریا کار ظاهری زیبا و باطنی مریض دارد ؛ در ظاهر اهل خشوع و تواضع است ، ولی در باطن دست از گناه بر نمی دارد. او در ظاهر گوسفند و در باطن گرگ است. به جای آن که از دنیا آخرت را به دست آورد ، از آخرت به سراغ دنیا می رود و از پرده پوشی خداوند سوء استفاده کرده و گناه می کند. پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) فرمود : سخت ترین عذاب ها برای کسی است که مردم در او خیر ببینند در حالی که در او خیری نیست. فرشتگان اعمال برخی انسان ها را بالا می برند ، ولی خطاب می رسد : هدفش خدا نبوده است ، آن را برگردانید.

در فرهنگ اسلامی ، ریا ، نوعی شرک است و امام صادق ( علیه السلام ) درباره کسی که عمل نیکی انجام دهد ، اما نه برای خدا ، بلکه برای این که مردم بشنوند و او را ستایش کنند ، فرمود : او مشرک است ، سپس آیه ( لَا يُشْرِي بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ) را تلاوت فرمود.

علامت ریا کار آن است که اگر ستایش شود کار نیکش را توسعه می دهد و اگر ستایش نشود از کار خود می کاهد. ناگفته نماند که این همه توبیخ و انتقاد برای کسانی است که از ابتدا ، کار را برای غیر خداوند انجام می دهند ،

ولی اگر انسان از آغاز هدفی جز خداوند نداشت ، و مردم از کار او آگاه شدند ، مانعی ندارد. امام باقر (علیه السلام) فرمود : هیچ کس نیست مگر آن که دوست دارد خوبی هایش در مردم ظاهر شود ، به شرط آن که از ابتدا نیت او مردم نباشد. ( إِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعَ ذَلِكَ لِذَلِكَ )

## اخلاص :

در برابر ریا و سمعه ، اخلاص است که در حدیث می خوانیم : خداوند جز خالصان را نمی پذیرد ( اِلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ) و هر کس چهل روز خود را خالص کند ، چشمه های حکمت از قلب او به زبانش جاری می شود. ( مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَوْ بَعِثَ صَدِّقًا ظَهَرَ تَنَابُؤُ الْعِزَّةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ ) و نشانه ایمان کامل آن است که حُب و بغض و بخشیدن و نبخشیدن برای خدا باشد و افضل عبادت اخلاص است و از فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل شده که فرمود : ( مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ ) هر کس عبادت خالص به درگاه خداوند فرستاد ، خداوند بهترین مصلحت او را برایش نازل می کند.

## پیام ها :

1. تکذیب عملی قیامت از سوی اهل ایمان ، امری شگفت آور و جای سؤال است. ( أَرَأَيْتَ الَّذِي )
2. طرد یتیم انسان را از خدا دور می کند. ( يُكذِّبُ بِاللِّدِينِ... يَدْعُ الْيَتِيمَ )
3. نشانه ایمان ، یتیم نوازی و توجه به گرسنگان و محرومان است و هر کس بی توجه باشد بی دین است. ( يُكذِّبُ بِاللِّدِينِ... يَدْعُ الْيَتِيمَ )
4. میان عقیده و عمل رابطه تنگاتنگ است. ( مسائل جزئی مثل طرد یتیم را جزئی نگیرید که گاهی از مسائل مهمی مثل تکذیب دین خبر می دهد. ) ( يُكذِّبُ بِاللِّدِينِ... يَدْعُ الْيَتِيمَ )



5. نیازهای عاطفی، مقدم بر نیازهای جسمی است. (اول محبت به یتیم، سپس سیر کردن مسکین) (يَدْعُ الْيَتِيمَ... طَعَامِ الْمَسْكِينِ)
6. هر نمازی ارزش ندارد و هر نمازگزاری بهستی نیست. (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ)
7. سهو اگر برخاسته از تقصیر و بی اعتنائی باشد، سرزنش دارد. (عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ)
8. سهو در نماز قابل جبران و بخشش است ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، قابل بخشش نیست. (عَنْ صَلَاتِهِمْ) (نه (فِي صَلَاتِهِمْ))
9. خطر آن جاست که کار زشت سیره دائمی انسان شود. (يُكَذِّبُ... يَدْعُ... لَا يَحُضُّ) (قالب فعل مضارع بیانگر استمرار کار است)
10. اخلاص، شرط قبولی نماز و عبادت است. (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ... يُرَاؤُونَ)
11. اطعام فقرا مخصوص توانگران نیست، همه وظیفه دارند، گر چه از طریق تحریک و تشویق دیگران باشد. (لَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ)
12. کسی که گاهی از نماز غافل می شود، مشمول ویل است، پس وضع تارکان دائم نماز چیست! (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ)
13. بی تفاوتی نسبت به نیازهای ضروری مردم کیفر دارد. (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ)
14. خدمت به مردم در کنار نماز است. (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ)
15. غفلت از نماز، بستر غفلت از مردم است. (عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ)
16. بی اعتنائی به گرسنگان، نشانه بی اعتقادی به قیامت است. (يُكَذِّبُ بِالذِّينِ... وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ)
17. سهو از اصل و حقیقت نماز مهم است، نه از تعداد رکعات که گاهی عارض می شود و قابل جبران است. (عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ)

18. افرادی که از خدا جدا شوند ، به دنبال کسب جایگاهی در نزد دیگران با ریا کاری هستند. (يُكَذِّبُ... يُرَاؤُنَ)

19. بخل ، ویژگی منکران معاد است ، که حتی از عاریه دادن چیزهای کوچک و ناچیز بخل می ورزند. (يُكَذِّبُ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ)

## نماز ، سپاس گزاری خداوند

(إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُؤُتْرَ (1) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (2) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (3)) (کوثر ، آیات 1 الی 3)

همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. همانا دشمن تویی نسل و دم بریده است.

### پیام ها :

1. خداوند به وعده های خود عمل می کند. در سوره ضحی ، خداوند وعده ی عطا به پیامبر داده بود : (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره می فرماید: ما به آن وعده عمل کردیم. (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُؤُتْرَ)

2. فرزند و نسل عطیه الهی است. (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُؤُتْرَ)

3. نعمت ها حتی برای پیامبر اسلام مسئولیت آور است. (أَعْطَيْنَاكَ... فَصَلِّ)

4. در قرآن به نماز یا سجده شکر سفارش شده است. (فَصَلِّ)

5. تشکر باید فوری باشد. (فَصَلِّ) (حرف فاء برای تسریع است)

6. نوع تشکر را باید از خدا بیاموزیم. (فَصَلِّ)

7. در نعمت ها و شادی ها خداوند را فراموش نکنیم. (أَعْطَيْنَاكَ الْكُؤُتْرَ فَصَلِّ)

8. آن چه می تواند به عنوان تشکر از کوثر قرار گیرد ، نماز است. (فَصَلِّ)

نماز جامع ترین و کامل ترین نوع عبادت است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود. مسح سر و پا نیز شاید اشاره به آن باشد که انسان از سر تا پا بنده اوست. در نماز بلندترین نقطه بدن که پیشانی است، روزی سی و چهار بار بر زمین ساییده می شود تا در انسان تکبری باقی نماند. حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه معروف خود فرمود: فلسفه و دلیل نماز پاک شدن روح از تکبر است. (تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ)

9. دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می داند، دین هم به همان فرمان می دهد. (فَصَلِّ لِرَبِّكَ)

10. چون عطا از اوست: (إِنَّا أَعْطَيْنَا) تشکر هم باید برای او باشد. (فَصَلِّ لِرَبِّكَ)

11. قربانی کردن، یکی از راه های تشکر از نعمت های الهی است. (زیرا محرومان به نوایی می رسند.) (وَ أَنْحَرُ)

12. هر که بامش بیش برفش بیش تر. کسی که کوثر دارد، ذبح گوسفند کافی نیست باید شتر نحر کند و بزرگ ترین حیوان اهلی را فدا کند. (وَ أَنْحَرُ)

13. رابطه با خداوند بر رابطه با خلق مقدم است. (فَصَلِّ... وَ أَنْحَرُ)

14. انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت باشد. (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ أَنْحَرُ)

15. شکر عطا گرفتن از خدا، عطا کردن به مردم است. (اعطیناک الکوثر... وَ أَنْحَرُ)

16. نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد، (لِرَبِّكَ) و انفاقی ارزش دارد که سخاوت مندانه باشد. (وَ أَنْحَرُ)

17. دشمنان پیامبر و مکتب او ناکام هستند. (کلمه شانی اسم فاعل است و شامل هر دشمنی در گذشته و حال و آینده می شود. اگر می گفت: (مَنْ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) تنها کسانی را که در گذشته دشمنی کرده اند شامل می شد و اگر

می گفت : ( مِنْ يَشُونِك هُوَ الْاِبْتَرُ ) تنها دشمنان آینده را در بر می گرفت. ( اِنَّ شَانِيَكَ هُوَ الْاِبْتَرُ ) .

18. توهین به مقدّسات ، توبیخ و تهدید سخت دارد. ( اِنَّ شَانِيَكَ هُوَ الْاِبْتَرُ )

19. از متلک ها و توهین ها نه‌راسیم که خداوند طرفداران خود را حفظ می کند. ( اِنَّ شَانِيَكَ هُوَ الْاِبْتَرُ )

20. زود قضاوت نکنیم و تنها به آمار و محاسبات تکیه نکنیم که همه چیز به اراده خداوند است. ( مخالفان ، با مرگ پسر پیامبر و داشتن

پسران متعدّد برای خود ، قضاوت کردند که پیامبر ابتر است ، ولی همه چیز برعکس شد. ) ( اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ... اِنَّ شَانِيَكَ هُوَ الْاِبْتَرُ )

والسلام

ص: 188

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

